

پیام رهبران جمهوری اسلامی در هفته وحدت:

# وحدت در راه نابودی امپریالیسم و صهیونیسم

تفاله‌های آمریکا در داخل کشور و در سطح منطقه برای واژگونه جلوه دادن اهداف این اقدام وحدت طلبانه ، درصدد برآمدند که آن را اقدامی علیه مردم کشورهای منطقه وانمود کنند .

در صفحه ۳

## اگر متحد شویم

این هفته را آیت‌الله منتظری هفته وحدت اعلام کرد . و برای مردمی که از تفرقه و ستیزه داخلی اینقدر مصیبت کشیده‌اند ، نام وحدت بیگمان شورانگیزترین نام‌هاست . وحدت و اتحاد چیزی هم‌تراز پیروزی و به شیرینی پیروزی است . اتحاد ، رمز شکست ناپذیری و جاودانگی و منبع اصلی قدرتمندی است . وحدت و اتحاد ضد تفرقه و جدایی است و تفرقه و جدایی رمز عجز و درماندگی است .

این حرف‌ها همه و همه حرف‌های بسیار درستی است . اما به همان میزان که درست است کلی است ما و دیگر نیروهای سیاسی تا امروز خیلی درباره اتحاد و ضرورت آن گفته‌ایم و نوشته‌ایم لکن در این هفته وحدت ، ضروری به نظر می‌رسد که بار دیگر آنچه را که در این زمینه مورد تاکید قرار داده‌ایم بار دیگر بطور مشخص‌تر جمع بندی کنیم .

برای هر وحدت و هر اتحاد قبل از همه لازم است هدف از وحدت و اتحاد روشن باشد و همه نیروهایی که در جهت تحقق ... در صفحه ۲

### تعیین مناسبات قانونی

میان شوراهای کارگری و مدیریت

انحلال شوراهای کارگری

آنچه را که در قانون باید صراحت داد رابطه اصولی بین تشکلهای صنفی کارگران با دولت و کارفرمایان است . ایجاد شوراهای کارگری و تدوین اساسنامه آن بر پایه اصل ۲۶ قانون اساسی برعهده خود کارگران است .

در صفحه ۶

## قذافی تحریم اقتصادی لهستان توسط ریگان

را محکوم کرد

لیبی در مقابل تحریم اقتصادی آمریکا  
به لهستان مواد شدائی می فرستد

در صفحه ۲

### به دعوت وزارت امور خارجه افغانستان

برای درهم شکستن توطئه‌های آمریکا

در صفحه ۱۲

پاسخ مثبت در هیئت

### زادروز پیامبر اسلام

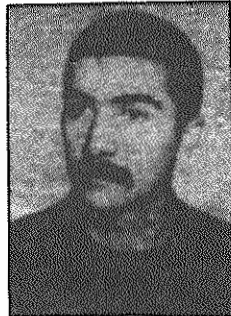
بر همه مسلمانان مبارک باد

زادروز پیامبر اسلام ، با هفته مبارزه در راه وحدت همه مسلمانان محروم و مستضعف علیه امپریالیسم و صهیونیسم و رژیم‌های آمریکایی منطقه، بزرگ و گرامی داشته شد .

ما با تبریک زادروز پیامبر اسلام به مسلمانان میهنمان و جهان ، آرزو می‌کنیم که پیوند اتحاد و برادری جمهوری اسلامی با اردوی انقلاب جهانی هرچه استوارتر گردد .

رفیق مهرداد (عدالت) دلخونی

درجه ۵ جنوب به شهادت رسید



به جبهه می‌روم تا دینم را نسبت به انقلاب

ضد امپریالیستی و مردم زحمتکش میهنم ادا کنم

(از وصیتنامه رفیق شهید مهرداد (عدالت) دلخونی

که یک روز پیش از حرکت به خوزستان نوشته بود ) در صفحه ۵

## متحد شویم !

تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام را درهم کوبیم

# اگر متحد شویم

از صفحه ۱

آن اهداف مبارزه می‌کنند شناخت دقیقی از این اهداف داشته باشند. وحدت و اتحاد بدون وجود آماج‌های مشترک میان نیروهایی که در راه تحقق این آماج‌ها مبارزه می‌کنند، وحدتی سست و اتحادی بی‌پایه و حتی بی‌معناست.

چیزی که فوراً در اینجا طرح می‌شود، آن است که این آماج‌ها چگونه معین می‌شود؟ پاسخ این سؤال آن است که در امر انقلاب تعیین این آماج‌ها دلخواهی نیست و هیچکس نمی‌تواند برای مبارزه میلیون‌ها مردمی که انقلاب می‌کنند هدفی دلخواهی تعیین کند. مثلاً ممکن است عده‌ای پیدا شوند و بگویند هدف انقلاب مبارزه با فرقه ضاله بهائیت و برانداختن آن بوده است و مردم از ابتدا کعبه خیابان‌ها ریختند و خون دادند همه می‌خواستند بساط بهایی‌ها برچیده شود. چنین کسانی اینطور وانمود می‌کنند که گویا جبهه اصلی نبرد عبارت بوده است از نبرد ضدبهائیت علیه بهائیت.

در عین حال عده‌ای هم ممکن است بگویند آماج اصلی انقلاب، آماج اصلی مردمی که سالها خون داده و جان باختند آن بوده است که ایرانی‌ها بر غیرایرانی‌ها غلبه کنند و ملیت ایرانی برتر از سایر ملل قرار گیرد. آنها تلاش می‌کنند ملت ایران را برای مبارزه با ملت‌های دیگر متحد کنند و علیه آنها به مبارزه و ستیز بکشند. ملی‌گرایان و شوونیست‌ها از این فضا شد باند رجوی سبئی‌صدر از ابتدای انقلاب تاکنون تلاش زیادی کرده است که به مردم بقبولاند که آماج عمده مبارزه مردم ما نه مبارزه با راه محو سلطه امپریالیسم، که مبارزه علیه "ارتجاع" است. آنها جبهه اصلی نبرد را نبرد بین "آزادی و ارتجاع" معرفی می‌کردند که در آن مرتجعین عبارتند از همه پیروان و پشتیبانان خط امام خمینی و همه مدافعان آزادی عبارتند از همه مخالفان و دشمنان خط ضدامپریالیستی و مردمی امام خمینی.

همه می‌دانیم که یکی از توطئه‌های قدیمی و شناخته شده امپریالیست‌ها و استثمارگران جدا کردن توده‌های مردم از یکدیگر، سوءاستفاده از تفاوت ملیت، نژاد، زبان و مذهب آنان با یکدیگر بوده و هست. ایجاد دشمنی میان نژادهای مختلف، تحریک ملیت‌های مختلف علیه یکدیگر و براه انداختن جنگ و ستیز میان پیروان ادیان و حتی میان پیروان مذاهب و فرق مذهبی مختلف و بطور کلی عمده کردن اختلافات و مسائل فرعی و فرعی‌باختن و حتی به فراموشی کشاندن مسأله اصلی که همان غارت وستم امپریالیستی است یک نقشه استراتژیک امپریالیستی بوده و هست. امپریالیسم همیشه تلاش داشته است که توجه ملت‌های جهان را از مبارزه علیه غارتگری‌ها و ستمگری‌های امپریالیسم به چیزهای دیگر جلب کند.

مثلاً سالهاست که محافل ارتجاعی وابسته به امپریالیسم و صهیونیسم می‌خواهند اعراب را بفریبند و به آنها بقبولانند که اعراب باید علیه

غیراعراب متحد شوند و حتی با آنها وارد جنگ شوند. امپریالیسم و صهیونیسم و مرتجعین کشورهای عربی اینطور تبلیغ می‌کنند گویا آماج مشترک اعراب مبارزه با فارس‌ها کردها حبشی‌ها و بطور کلی غیراعراب است. رژیم صدام یکی از بارزترین مجریان این نقشه ارتجاعی است. صدام و صدامیان می‌خواهند مبارزه خلق‌های عرب علیه امپریالیسم که دشمن مشترک همه خلق‌های جهان است، به مبارزه عرب و عجم تبدیل کنند به نظر ما و به عقیده همه نیروهای مترقی و انقلابی جهان، آماج اصلی و مشترک وسیع‌ترین توده‌های میلیاردری مردم جهان نابودی سلطه امپریالیسم و رهایی جهان و جهانیان از یوغ ستم این بزرگترین جنایتکار و غارتگر تمام تاریخ بشریت است. به عقیده ما پیروان سوسیالیسم علمی و دیگر نیروهای امپریالیستی تمام مردم جهان قطع نظر از ادعای این شخص یا آن شخص جدا از اینکه از کدام ملیت‌ها باشند، قطع نظر از اینکه به چه زبانی حرف بزنند، سوی اینکه پیرو مذهب اسلام باشند یا نباشند و جدا از اینکه از کدام نژاد باشند، در عمل و در واقعیت زندگی، یک آماج مشترک دارند و آن نیز عبارت است از نجات جهان از یوغ سلطه و ستم امپریالیسم.

تجربه سه ساله انقلاب ما نیز نشان داده است که دشمن آشتی‌ناپذیر، دشمن اصلی و بسیار خطرناک خلق ما همانا امپریالیسم جهانیست. بسرگردگی امپریالیسم امریکاست. تمام مردم ما قطع نظر از زبان و فرهنگ و قومیت و مذهب آنان همواره با هم در یک سنگر علیه توطئه‌های امپریالیسم و عمالش در ایران و خارج از ایران، جنگیده‌اند و می‌جنگند. جنگ تجاوزکارانه صدام علیه انقلاب ما نیز جزئی از توطئه‌های تجاوزکارانه امپریالیستی است و همه مردم میهن ما اعم از عرب و فارس، اعم از سنی و شیعه، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، اعم از خوزستانی و تهرانی و آذربایجانی در مقابل این توطئه‌ها و تجاوزکارانه ایستاده‌اند و برای شکست آن از هیچ جانبازی و فداکاری دریغ ندارند. جنگ اعلان نشده ضیاءالحق علیه انقلاب افغانستان نیز یک توطئه ضدانقلابی است. اما ضیاءالحق و هموعانش می‌کوشند اینطور وانمود کنند که جنگ اشرار و قاچاقچیان مزدور امریکا علیه انقلاب افغانستان جنگ اسلام علیه کفر جهانی است. امپریالیسم امریکا می‌کوشد تمام گروه‌های دست‌پرورده خود را در افغانستان متحد کند آماج مشترک تمام این گروه‌ها، سرنگونی دولت مترقی و ضدامپریالیستی افغانستان است.

در کنفرانس طائف نیز یکی دیگر از این توطئه‌ها طراحی شد. در این کنفرانس عمال امپریالیسم امریکا کوشیدند مسلمانان سنی را در مقابل مسلمانان شیعه قرار دهند و با دامن زدن به دشمنی میان شیعه و سنی‌اولا یورش علیه خلق ایران و تلاش برای درهم شکستن انقلاب ایران را تشدید کنند، ثانیاً توجه مردم کشورهای عرب و مسلمان را از مبارزه علیه امپریالیسم به مبارزه علیه شیعه منحرف کنند.

همه مردم جهان از دامن زدن به تفرقه و نفاق میان پیروان مذاهب گوناگون متنفرند. آنها در هر کشوری که باشند امروز دیگر درمی‌یابند که باید قطع نظر از اختلافات نژادی، مذهبی، قومی و از این قبیل در یک صف واحد علیه غارت و ستم امپریالیستی با یکدیگر متحد باشند.

سخنان روز یکشنبه امام خمینی در مورد ضرورت اجتناب از اختلافات و تفرقه میان مذاهب گوناگون و تاکید ایشان روی بهره‌برداری دشمنان انقلاب ایران از اختلافات شیعه و سنی نیز مشخصاً تاکیدی هشداردهنده و درست است امام به دقت و روشن‌بینی روی این نقشه

قدیمی استثمار انگشت گذاشتند که تفرقه مذهبی میان صفوف مردم خواست دشمنان انقلاب ماست جنبه بسیار ترقی‌خواهانه و انقلابی دعوت آیت‌الله منتظری دایره بر برگزاری هفته وحدت در این است که دعوتی است برای مقابله با توطئه امپریالیستی طائف مبنی بر به جان هم‌اندازی سنی و شیعه و دامن زدن به کینه و نفاق مذهبی به نظر ما هدف عمده و تاثیر عملی عمده این دعوت قبل از همه در دو مورد زیر برجسته می‌گردد:

۱ - خنثی‌سازی توطئه امپریالیستی کنفرانس طائف و دیگر توطئه‌های مرتجعین برای دامن زدن به نفاق مذهبی میان توده‌های مسلمان

۲ - دعوت توده‌های کشورهای منطقه برای گسترش مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم. به نظر ما این هدف عمده و این تاثیر عملی عمده باید مورد حمایت همه نیروهای ترقیخواه ضدامپریالیستی و ضدصهیونیستی از ویژگی‌های بارز انقلاب ما بوده و هست.

با این همه همین ویژگی‌های بارز انقلاب ایران حاوی وجوه متناقض است. در میان دو هدف و تاثیر عملی عمده‌ای که شمرديم دیده می‌شود که عده‌ای آگاهانه و یا ناآگاهانه برداشت‌های دیگری از اعلام هفته وحدت را دامن می‌زنند و تصویری بوجود می‌آورند که در اصل ناقض اهداف عمده اعلام هفته وحدت است. از جمله در تبلیغاتی که می‌شود اینطور وانمود می‌گردد که آماج عمده این وحدت غلبه دادن مسلمانان جهان بر مردم پیرو ادیان دیگر است. این محافل مقابله با تفرقه‌اندازی بین سنی و شیعه، که هدف توطئه کنفرانس طائف بود، را به شعار وحدت بین سنی و شیعه تبدیل می‌کنند (تأینجا جرفی نیست)، منتها نه برای مقابله با امپریالیسم و صهیونیسم بلکه برای مقابله با چیز گنگ و نامفهوم و نامعینی به نام "کفر جهانی" که معلوم نیست کدام کشورها، کدام نیروها و کدام نهضت‌ها را دربر می‌گیرد. هدف چنین ادعاهایی گم کردن و محو کردن چهره دشمن اصلی خلق‌های ایران و همه کشورهای جهان است این تقسیم‌بندی در جوهر خود با تمام تقسیم‌بندی‌های انحرافی و گمراه‌کننده‌ای که در آغاز بحث شمرديم هیچ تفاوتی ندارد. هدف این "آماج‌یابی" (و یا حداقل تاثیر عملی آن) مشخصاً پنهان کردن چهره دشمنان انقلاب ایران است. "کفر جهانی" براسی کدام کشورها را شامل می‌شود؟ آیا شامل عربستان سعودی، رژیم پاکستان، دولت اندونزی هم می‌شود یا نه؟ آیا این "کفر جهانی" شامل کوبا، کره

ویتنام و سایر ملل ترقیخواه هم می‌شود یا نه؟ متأسفانه مفرضین و دوستان ریایی انقلاب ایران با استفاده از این ابهام فرصت می‌یابند از حقوق و قلم گویندگان و نویسندگان معلوم الحال اهداف ترقیخواهانه دعوت آیت‌الله منتظری را مخدوش سازند و اینطور وانمود کنند که گویا هدف از این دعوت مقابله با توطئه کنفرانس طائف نیست. هدف از این دعوت متحد کردن مردم کشورهای مسلمان‌نشین علیه کشورهایی است که در آنجا احزاب مارکسیست طبقه کارگر قدرت را بدست دارند.

محافل معین دیگری نیز می‌کوشند از زاویه دیگری اهداف ترقیخواهانه هفته وحدت را به ضد خود بدل سازند. این محافل اینطور وانمود می‌کنند که گویا هدف از اعلام هفته وحدت چیزی نیست جز دامن زدن به مبارزه مسلمان‌ها با غیر-مسلمان‌ها، با هدف مسلط کردن و غلبه دادن کشورهای مسلمان‌نشین بر غیرمسلمان‌نشین آیا

## پیام رهبران جمهوری اسلامی در هفته وحدت:

# وحدت در راه نابودی امپریالیسم و صهیونیسم

در پی دعوت آیت‌الله منتظری، هفته وحدت در سراسر کشور برگزار شد. دعوت آیت‌الله منتظری با استقبال نیروهای مردمی روبرو گردید و از آن به مثابه تلاشی برای خنثی‌سازی طرح امریکایی کنفرانس طائف و برای فشرده‌تر ساختن صفوف خلقهای ایران و منطقه در مبارزه با دشمن مشترک، امپریالیسم و صهیونیسم استقبال گردید.

در کنار استقبال نیروهای مردمی و ضدامپریالیست از دعوت آیت‌الله منتظری محافل ارتجاعی و امپریالیستی منطقه کوشیدند این تلاش وحدت‌طلبانه را بی‌اعتبار سازند. تفاله‌های امریکا در داخل کشور و در سطح منطقه برای واژگونه جلوه‌دادن اهداف این اقدام و وحدت‌طلبانه به تلاش گسترده‌ای دست زدند و در صدد آن برآمدند که اقدام وحدت‌طلبانه جمهوری اسلامی ایران را اقدامی علیه مردم کشورهای منطقه و نمود کنند تلاش‌های مذبح‌خانه محافل امپریالیستی و ارتجاعی جهان و منطقه با واکنش‌های آسام خمینی و مستولان طراز اول جمهوری اسلامی ایران پاسخ گفته شد امام خمینی که همواره همه افشار خلق و همه توده‌های محروم جهان را به اتحاد و یگانگی در مبارزه با مستکبران و بخصوص شیطان بزرگ امریکا فرامی‌خواند، در هفته وحدت نیز طسی سخنرانی اهداف ضدامپریالیستی، ضد صهیونیستی هفته وحدت را برشمرد و گفت:

"اگر این افتراق بین مسلمین نبود، ممکن بود که اسرائیل با سنگ جمعیت کمی اینطور جسور بشود و همه حیثیت مسلمین را زیر پای خودش بگذارد اگر اختلاف بین کشورهای اسلامی، دولت‌های اسلامی نبود، آمریکا می‌توانست حکومت کند بر همه کشورها، منافع همه کشورها را غارت کند ما عازم هستیم که کشور خودمان را حفظ کنیم و مستقل و آزاد زندگی کنیم و در کنار همه مسلمانان کشور، بلکه همه ساکنین کشور همه با هم

باشیم و کشور خودمان را حفظ کنیم

آیت‌الله منتظری در پیام دعوت به برگزاری هفته وحدت، در تشریح اهداف برگزاری هفته وحدت بر پایه رهنمودهای امام خمینی با اشاره به امریکای جنایتکار تأکید کرده بود که امریکا و مزدوران آن می‌کوشند:

"مسلمانان را در محرومیت اسارت، تفرقه و خصومت نگاهدارند، در حالی که اسرائیل این مولود نامشروع امریکا، هر روز، به فکر توسعه طلبی و اشغال سرزمین‌های بیشتری از مسلمانان می‌باشد، رژیم‌های وابسته در کشورهای اسلامی به فکر شناسایی آن و تقویت جبهه امپریالیستی و سرکوبی نهضت‌های اسلامی و مردمی خود می‌باشند"

شکست مردم در هفته وحدت، بر پایه این رهنمودهای امام و آیت‌الله منتظری صورت گرفت و علیرغم تلاش‌های امریکا و تفاله‌های آن در بی‌اعتبار کردن و بی‌انحراف کشاندن هفته وحدت، مردم، این هفته را در جهت فشرده‌تر شدن صفوف خود در مبارزه با "شیطان بزرگ" و صهیونیسم غاصب برگزار کردند.

روحانیون و نمایندگان مردم مناطق سنی‌نشین ایران از کردستان، بلوچستان، ترکمن صحرا و دیگر نقاط با شعارهای "مرگ بر امریکا" و "مرگ بر اسرائیل" عازم اردوهای وحدت شدند که به مناسبت هفته وحدت تشکیل گردید. این نمایندگان در

مباحثات و گفتارهای خود استحکام صفوف همه افشار مردم برای درهم شکستن توطئه‌های امریکا و اذتاب آن را خواستار شدند و دعوت وحدت‌طلبانه آیت‌الله منتظری را اقدامی در جهت خنثی‌سازی توطئه کنفرانس طائف مبنی بر دامن‌زدن به اختلاف و چنددستگی در میان ملت‌های مسلمان دانستند.

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در استقبال از دعوت آیت‌الله منتظری، این دعوت را اقدامی در جهت "غلبه مستضعفین بر مستکبرین" دانست و در اطلاعیه خود اعلام کرد:

"با پاسخ مثبت به دعوت فقیه عالی‌قدر حضرت آیت‌الله منتظری و بسا بزرگداشت هرچه بیشتر هفته وحدت و میلاد پربرکت اشرف مخلوقات عالم خاتم‌النبین حضرت محمد بن عبدالله چنان مشت محکمی بر دهان یاوه‌سرایان به ظاهر مسلمان و اربابان جنایتکارشان مخصوصاً شیطان بزرگ خواهند گوید که تا ابد لذت شیرینی غارت و چپاول را در گام کثیف‌شان تلخ و آتشین خواهد کرد"

آیت‌الله مشکینی در مصاحبه با روزنامه کیهان به مناسبت هفته وحدت یک بار دیگر بر اهداف اعلام‌شده توسط آیت‌الله منتظری تأکید ورزید و گفت:

"اینک که دشمن سرسخت هر دو گروه در پشت دیوار و یا در داخل خانه آنان مشغول

غارتگری و قتل‌عام است و با هزار رقم مگر و فریب موجودیت و گیان آنها را تهدید می‌کند و اصول و فروع و کتاب و قبله و حقیقت آنها را در معرض نابودی قرار داده است و اگر لحظه‌ای غفلت کنند موجودیت هر دو رو به زوال و فنا است آیا سزاوار است در چنین جوی به اختلاف‌نظرهای دیرینه پردازند و معرکه را برای جولان دشمن رها و آماده سازند"

آیت‌الله مشکینی در دعوت مردم مسلمان جهان به فشرده‌تر ساختن صفوف خود علیه دشمن مشترک گفتند:

"مراد از وحدت-کنار گذاردن حساسیت و عکس‌العمل‌های خشن نسبت به مسائل مورد اختلاف و... فشرده کردن صفوف در مقابله با دشمن خطرناک و مشترک است"

رئیس‌جمهور نیز طسی پیامی به مناسبت هفته وحدت به توطئه‌های نفاق‌آکنانه دشمنان انقلاب هشدار داد و از دولت‌ها و ملت‌های منطقه خواست که:

"هرچه زودتر به سمت برادری و وحدت و اخوت و یکپارچگی که دشمنان بزرگ جهانی را از آن مایوس‌کنند حرکت نمایند"

نخست‌وزیر، در پیام خود تأکید کرد که:

"مسلمانان بزرگداشت این هفته پرمساعت مقدمه‌ای برای فشرده‌تر

گشتن صفوف همه مسلمانان خواهد بود و این همان چیزی است که شیطان بزرگ و صهیونیسم غاصب از آن هراس دارند"

حجت‌الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس نیز در خطبه‌های نماز جمعه هفته گذشته، در تشریح نقطه نظرهای خود در زمینه مفهوم وحدت اتحاد عمل تشریک مساعی نیروهای مدافع انقلاب را در ارتباط با مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم مورد تأکید قرار داد. و خطاب به گروه‌های سیاسی که مبارزه با ارتجاع جهانی بسرکردگی امریکا را در دستور خود دارند گفت:

"برای ماندن دیگران اگر بحق خودتان قانع باشید داعیه‌سیاسی هم داشته باشید، در این مملکت می‌توانید بمانید و جمعیت داشته باشید و انجمن داشته باشید و گروه و حزب هم داشته باشید"

این استنادات بطور روشنی سمت‌گیری عمده رهبران جمهوری اسلامی ایران را در برگزاری هفته وحدت نشان می‌دهد. پیام تمامی رهبران جمهوری به مردم مسلمان ایران و جهان، وحدت در راه مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم بود.

با این همه هم در بیان رهبران جمهوری اسلامی و هم در سخنان و مصاحبه و نوشته‌هایی که محافل خص دادند، وجوه متناقضی نیز دیده می‌شد که از جمله در قلم نویسنده سرمقاله روزنامه جمهوری اسلامی یا صراحت بیشتری آشکار گردید. این جنبه‌های متناقض، عملاً و آنطور که تجربه هم نشان داده است در برابر اهداف وحدت‌گرایانه قرار دارد و به جو تفرقه و پراکندگی مردم ما و مردم منطقه دامن می‌زند. این جنبه‌های متناقض در سرمقاله این شماره کنار مورد نقد قرار گرفته است که مطالعه مستولان آن را به همه نیروهای مدافع انقلاب توصیه می‌کنیم

## گسترده باد همگامی و همکاری

# همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند

# قذافی تحریم اقتصادی لهستان توسط ریگان را محکوم کرد

## لیبی در مقابل تحریم اقتصادی امریکا به لهستان مواد غذایی می فرستد

معمر قذافی رهبرانقلاب لیبی در یک سخنرانی طولانی که از رادیو لیبی پخش شد خواستار لغو تحریم اقتصادی آمریکا علیه لهستان شد. قذافی اعلام کرد که لیبی در مقابل تخریم اقتصادی آمریکا به لهستان کمک غذایی خواهد فرستاد. دولت انقلابی لیبی در حالی از دولت و مردم لهستان در مقابل تصویبات اعمال شده از جانب امپریالیسم آمریکا حمایت می کند که خود در معرض خطر مداخله مستقیم آمریکا و رژیم های مرتجع دست نشانده آن نظیر مصر و ان قرار دارد.

مردم ایران بیاد دارند که چگونه دولت لیبی پس از محاصره اقتصادی ایران توسط آمریکا و متحدانش به یاری ایران شتافت و تا امروز هم دولت لیبی از انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران در مقابل امپریالیسم آمریکا و رژیم های مرتجع قاطعانه پشتیبانی و حمایت نموده است.

چنین پدیده هایی در مناسبات بین المللی بسیار روشن و قابل فهم می باشند ولی متأسفانه هنوز کسانی که به میهن ما وجود دارند که به دلیل تنگنگری و یا غرضورزی از درک صحیح چنین پدیده هایی قاصرند و همواره تمایل دارند حقایق را واژگنجه جلوه دهند از آغاز بحران لهستان، امپریالیسم آمریکا و متحدان آن در ناتو کوشیدند از این بحران برای اد شکاف در جهان امپریالیسم و بهم ریختن

در لهستان روند بازگشت اوضاع به حالت عادی شتاب بیشتری یافته است. مردم در سرکوبی دستهجات ضدانقلابی اتحادیه همبستگی و اتحادیه لهستان مستقل با حکومت نظامی همکاری می نمایند. و اغلب کارخانه ها و واحدهای تولیدی کار خود را از سر گرفته اند.

روزنامه پروادا در تفسیر پیرامون مداخلات امپریالیسم آمریکا علیه دولت قانونی لهستان نوشته است که:

« واشنگتن به خود اجازه می دهد دستور دهد لهستان چه سیاست داخلی را باید دنبال کند. واشنگتن مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر را حق مقدم خود می داند بحران لهستان بر اثر فعالیت مشترک منظم نیروهای ارتجاعی داخلی و خارجی به منظور متزلزل کردن نهادهای قانون اساسی در کشور بوجود آمده است ولی اقدام هایی که رهبری لهستان انجام داده کرده است»

این روزنامه سپس می افزاید:

« اقدام های غیردوستانه اقتصادی و اقدام های دیگر علیه لهستان هدف ایجاد مانع در راه عادی شدن زندگی در این کشور را دنبال میکند. در واشنگتن هنوز هم امیدوارند که این کشور را به گامون بی ثباتی تبدیل کرده اوضاع اروپا را بفرنج سازند اما رویدادهای لهستان بار دیگر نشان داد که دوران تحکم امپریالیست ها سپری شده است»

ما هیچ خبری مبنی بر وضع رقت انگیز! اقلیت مسلمان لهستان که گویا از جانب حکومت مورد سرکوب قرار می گیرند، نشنیده بودیم ولی ناگهان در گرماگرم تبلیغات امپریالیسم خبری علیه دولت قانونی لهستان که نقشه های امپریالیسم آمریکا را نقش بر آب ساخته است ناگهان فردی به نام " شیخ حرکام " از زمین سبزی می شود و برای تمام ملت های مسلمان این خبر داغ را مخابره می کند که مسلمانان در لهستان دروضع رقت انگیزی بسر می برند تا آنجا که از حق برگزاری مراسم مذهبی خود توسط دولت منع شده اند!

البته امروز دیگر بر هیچکس پوشیده نیست که در لهستان آن کسانی که در وضعیت رقت انگیز قرار گرفته اند، نه اقلیت مسلمان بلکه باندهای ضدانقلابی داخلی می باشند. و این امپریالیسم آمریکاست که از زبان شیخ حرکام " با انتشار چنین دروغ هایی اوج پستی و دناخت خود را برای تمام مردم جهان به نمایش گذاشته است»

دشوار با کمک های همه جانبه از انقلاب لیبی دفاع کرده اند علیرغم تمام این واقیعات متأسفانه تاکنون نه تنها ایران از اتحاد یک سیاست واقع بینانه و درخور انقلاب ایران در مورد لهستان پیروی نکرده بلکه مطبوعات رسمی کشور را درانتشار افتراگویی ها و دروغ های امپریالیسم خبری در مورد وقایع لهستان آزاد گذاشته است. و آنها نیز تا امروز در مورد درج اخبار مربوط به لهستان به دنبال منابع امپریالیسم خبری حرکت کرده اند که جای تأسف بسیار است. مثلا در حالی که خبر مربوط به حمایت لیبی از دولت لهستان در متن اخبار دیگر کم می شود، دروغ های امپریالیسم خبری اغلب با تکرار درشت در صفحه اول مطبوعات درج می شود. آنها همزمان با درج خبر حمایت لیبی از لهستان از قول دبیرکل کنفدراسیون بین المللی اسلامی با تکرار درشت نوشتند که " حکومت نظامی لهستان مسلمانان لهستانی را آزار می دهد"!

این مساله بسیار قابل توجه است که چرا تا به امروز

## در شورای امنیت

### چهره مزورانه امپریالیسم آمریکا آشکارتر می شود

را که در آن از تحریم اسرائیل سخن رود، وتو خواهد کرد.

موضع گیری دولت امریکا به همان اندازه که گستاخانه است، به هیچ روی شگفت انگیز نیست. چه امریکا صرف نظر از جنگ زرگری که اینجا و آنجا اسرائیل راه می اندازد و علیرغم اختلاف منافع و مصالح تاکتیکی که یا برخی " زیاد مروی های و فیحانه دولت صهیونیستی می تواند داشته باشد، همواره مطمئن ترین و بیگترین پشتیبان آن بوده است. این اتحاد نامقدس به ویژه آنگاه خللناپذیر است که آماج آن دولت سوریه - یعنی یکی از استوارترین دزهای پیکار ضد امپریالیستی خلق های عسرب و جنبش مقاومت فلسطین باشد. نباید از یاد برد که اسرائیل درست تباری است که هرگونه قطعنامه ای

داشت که در چهار سال آینده ۲۰ هزار تن دیگر به ساکنان این ماندگاهها خواهند پیوست.

بدینسان ظاهرا چنین می نمود که نشست کنونی " شورای امنیت " بدون اشکال خواست سوریه و اکثریت تام کشورهای جهان، به ویژه جنبش غیرمتعهدها را اجابت کند و بر پایه " منشور سازمان ملل متحد به اعمال مجازات علیه اسرائیل تجاوزگر دست یازد. اما، همانگونه که انتظار می رفت، ایالات متحده امریکا سنگ اندازی را شروع کرد و تا این لحظه از اتخاذ هرگونه قطعنامه موثری علیه اسرائیل جلو می گیرد. دولت امریکا نه تنها دیگر نمایندگان شورای امنیت را زیر فشار قرار داد، بلکه آشکارا اعلام داشته است که هرگونه قطعنامه ای

نورزد " شورای امنیت " حد اکثر دو هفته بعد تشکیل جلسه خواهد داد و اتخاذ " تدابیر شایسته را علیه اسرائیل بررسی خواهد کرد چنانکه انتظار می رفت. دو هفته سپری شد و تل آویو " نه تنها تصمیم الحاق بلندی های جولان را به خاک خود لغو ساخت بلکه به توجیه بیشرمانه آن نیز برخاست.

از سوی دیگر، یک سخنگوی یهودیان اسگان یافته در بلندی های جولان، که هم اکنون شماره شان به ۷ هزار رسیده است، اعلام

" شورای امنیت " در نشست آذر ۶۰ خود تصمیم دولت اسرائیل را درباره الحاق بلندی های جولان نامعتبر خواند و در قطعنامه ای که به اتفاق آراء تصویب کرد، از اسرائیل خواست تا از تصمیم خود دست بردارد.

" شورای امنیت " دبیرکل سازمان ملل متحد را موظف ساخت که در عرض دو هفته درباره اجرای این قطعنامه از سوی " تل آویو به " شورا " گزارش دهد.

در قطعنامه احلاس نامبرده آمده بود که جناح " تل آویو " به لغو تصمیم خود مبادرت

چند روز پیش " شورای امنیت " سازمان ملل متحد بار دیگر اجلاسی را برای بررسی اقدام تجاوزکارانه اسرائیل درباره الحاق بلندی های جولان به خاک کشور خود آغاز کرد. یادآور می شویم که در اواخر آذر دولت صهیونیستی اسرائیل قانونی از گشت (پارلمان تل آویو) گذراند که بر پایه آن بلندی های جولان بخشی از خاک اسرائیل اعلام شد. این بلندی ها را که حزی از خاک سوریه شمار می رود، رژیم صهیونیستی در جنگ علیه اعراب در سال ۱۳۴۶ (روشن ۱۹۶۷) به تصرف خود درآورد.

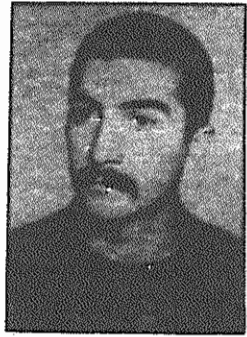
### از یادداشتهای فدائیان خلق در جبههها

# رزم مشترک

رفیق مهرداد دلخونی درجبهه جنوب به شهادت رسید  
به جبهه میروم قادیم را نسبت به انقلاب

ضدامیریالیستی

و مردم زحمتکش میهنم  
اداکنم



شدن به جبهه و احساس رفیق  
مهرداد در اینبار میگوید:  
بعد از چندین ماه دوری  
از مهرداد برای دیدنش  
به تهران آمدم و او را پیدا  
کردیم در لباس سربازیش  
بسیارزندهتر از همیشه  
به استقبال ما آمد. چنان  
خوشحال بود که گویی با  
موقفیت بزرگی قرین گشته  
است. برایمان توضیح داد  
که بعد از سه ماه از  
سرانجام موفق شده است  
موافقت فرماندهاش را برای  
اعزام به جبهه جلب کند.  
گفت تعهد نموده است که  
تا آخر خدمتش در جبهه  
بماند. مشتاقانه از جنگ و  
جنگ تا آخر عمر با آمریکا  
صحبت می کرد. وقتی متوجه  
شد که ما در مقابل احساس  
آنتسین و شور بی نظیر او  
سکوت کردیم در حالی  
که سیبلهای نرم، بور و  
نازکش را با انگشتانش تاب  
می داد با متانت گفت  
برای اینکه، قطاری که به  
سوی آینده به پیش می تازد  
رشاک از گندم و گل سرخ  
بقیه در صفحه ۱۸

رفیق مهرداد (عدالت)  
دلخونی که همچون صدها  
هزار جوان انقلابی کشورمان  
از بطن انقلاب بزرگ ۲۲  
بمهن سر برآورده و رهائی  
توده های میلیونی زحمتکشان  
میهنمان را از چنگال  
امپریالیسم جهانی بسرکردگی  
امپریالیسم آمریکا در گرو  
پیروزی روزافزون انقلاب  
می دید به دنبال ماهها تلاش  
موفق شد در سنگرهای مقدم  
مقاومت جای گیرد و دوشادوش  
سایر رزمندگان با متجاوزین  
به نبرد بپردازد. و در یکی  
از همین سنگرها نیز در حالی  
که سرود زهائی میهن از  
دست متجاوزین صدام و  
حامیان امریکایی آن را بر  
لب داشت به شهادت رسید  
یکی از اعضای خانواده  
رفیق شهید مهرداد (عدالت)  
دلخونی در مورد نحوه اعزام

تکه کاغذی نظرش را جلب  
می کند. آن را می کشاید و  
می خواند:  
"سازد عزیز و  
رنج کشیده ام!  
من به عنوان یک کمونیست  
میهن پرست تحت ره نمود  
سازمانم سازمان  
فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
به دفاع از انقلاب و میهن و  
مردم انقلابی میهنم که از هر  
طرف آماج تیرهای زهرآگین  
امپریالیسم جهانی بسرکردگی  
امپریالیسم آمریکا واقع شده اند  
برخاستم قسم می خورم که  
تا آخرین لحظه عمرم بدون  
کوچکترین تردید و تزلزل  
با متجاوزین جنگیدم و از  
شهادت در راه انقلاب و  
مردم و میهنم هراسی به خود  
راه ندادم. از شما می خواهم  
که به رسم معمول به یاد من  
جمله ای بر سر کوشه مان برپا  
دارید. عکس امام خمینی  
رهبر انقلاب و بنیانگذار  
جمهوری اسلامی ایران را بر  
بالای آن نصب کنید و در زیر  
عکس من بنویسید: او یک  
فدایی خلق (اکثریت) بود  
که در راه دفاع از آرمان های  
والای طبقه کارگر و انقلاب  
شکوه مند مردم میهنش  
شهادت شد. مرگ بر امریکا  
زنده باد امام خمینی!"  
پاسدار جوان به حیاط  
بیمارستان آمده است قنداق  
تفنگش را محکم در دستان  
مردانه اش می فشارد و گوش به  
باد می سپارد. که صدای  
رگبار سلاح ها و الله اکبر و  
مرگ بر امریکای رزمندگان را  
با خود می آورد.

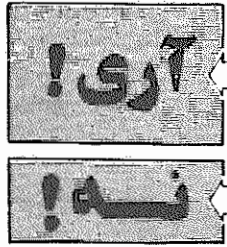
تعمیقش قطره قطره آب در  
دهانش می ریزد. در پرتو  
نخستین اشعه های آفتاب  
که اکنون آسمان را پوشانده  
است برق آشنایی دوری در  
چشم پاسدار روشن می گردد  
در اوجیره می شود و با کمی  
دقت او را می شناسد. و با  
خود می گوید: اکبر اکبر!  
خاطرات جور و واجوری در  
ذهنش زنده می گردد. از  
دوران بچگی که با هم در  
قلعه مرغی بزرگ شدند تا آن  
شب اوایل سال ۵۷ که در  
کلانتری با هم کتک خوردند  
و روز فرار شاه که با هم حلقه  
سیم بوسگل سنگینی را به  
گردن مجسمه آن لعنتی  
انداختند و بالاخره ۲۱ و ۲۲  
بمهن که ساعتها در کنار هم  
با مزدوران شاه جنگیدند.  
رزمنده مجروح رنگش  
پریده، چهره اش بهم فشرده  
می شود معلوم است درد  
طاق فرسای رانجمل می کند  
پاسدار دست بر صورت  
مجروح می کشد و آرام صدایش  
می کند: اکبر! اکبر!  
رزمنده مجروح آرام پلکهایش  
را می کشاید تا دو چشم  
نگرانی را که در او خیره شده  
است ببیند. مدتی در او  
خیره می شود ولی او را به  
خاطر نمی آورد و از شدت  
درد دوباره چشمانش را  
می بندد. پاسدار جوان  
مجداد او را صدا می زند  
اکبر! اکبر! امین را  
نمی شناسی؟ من حسینم  
پسر سید ابراهیم. اکبر  
چشمانش را باز می کند و این  
بار دیگر در چشم دوست  
قدیمی خود خیره شده است  
لبخندی بر لب می آورد و  
آرام دستش را به طرف  
پاسدار دراز می کند. دست  
همدیگر را می گیرند و صمیمانه  
می فشارند و پس از مدتی  
اکبر به حال اغما می افتد.  
پاسدار جوان به راننده  
می گوید سریع تر برو خونریزی  
دارد. بالاخره به بیمارستان  
می رسند. دکترها و پرستارها  
بسرعت دست به کار می شوند  
و مجروح را به اتاق عمل  
می برند. محتویات جیبها و  
ساعت اکبر را به پاسدار  
جوان که مغموم در سالن  
انتظار نشسته است می سپارند

شب بلند پاییزی هنوز  
دامن پرچینش را که ساعتها  
است چون چتری بر زمین  
گسترده جمع نکرده است  
شاید همه جای میهنان را  
تیرگی پوشانیده و هنوز  
موزنان نیز پشته های تگ و بر  
پنج پشت بام مساجد را به  
قصود دعوت مردم به  
نمازگذاری نپیموده اند و  
کارگران و زحمتکشان نیز  
خانه های کوچک و محقر خود  
را به قصد کار ترک نکرده اند.  
اما اینجا گویی خورشید نه  
از آسمان، بلکه از زمینی  
برخاسته است سرتاسر دست  
را حریفی در بر گرفته و صدای  
افکار ناتانگ های دشمن، آن  
زمین را می لرزاند شعله های  
آتش که باد آنها را به هر  
سوی می راند. چون سیل  
در میان نخلها جاری است  
و ساقه های آنها را حریصانه  
می بلعد و خاکستر می کند.  
آتش، چون خشم رزمندگان  
ما هر دم زیانه می کشد و  
نخلهای سوخته چون قامت  
لرزان متجاوزین فرومی ریزد  
نیبروهای خودی اعم از  
پاسداران، سربازان و بسیج  
آخرین دقایق شب را که به  
یک روایت عامیانه قلعه و  
سنگر مردان و جنگاوران است  
مقتسم می شوند و از میان  
سنگرهای ویران شده و اجساد  
قطعه قطعه شده متجاوزین  
سرفرازانه به پیش می تازند.  
رزمنده جوانی در کنار  
نخل شعلهوری بر روی دو زانو  
نشسته و صورتش را در میان  
دستانش گرفته و خون گرم از  
میان پنجه هایش بیرون می ریزد  
چشمان جستجوگر پاسداری او  
را می بیند به سرعت خود را  
به او می رساند او را بر دوش  
می گیرد و در میان نخلها گم  
می شود.  
رزمنده زخمی را به پشت  
در عقب جیب رویاری دراز  
می کشد پاسدار در کنارش  
می ایستد و جوان کم سن و  
سالی ماشین را روشن می کند  
و سرعت از آنجا دور می شود  
مجروح که ترکش خمپاره تکه ای  
از گوشت صورت او را برده و  
ترکش دیگری پهلوی او را  
دریده است. آب طلب  
می کند. پاسدار جوان با  
دستمال بزرگی که از جیب  
درمی آورد، خونهای  
صورتش را پاک می کند و از

مردم به شهادت رسید  
به جبهه میروم قادیم را نسبت به انقلاب



### تعیین مناسبات قانونی میان شوراهای کارگری و مدیریت انحلال شوراهای کارگری



با اعلام " متوقف شدن تشکیل و تثبیت قانونی شوراهای " و موکول شدن آن به تصویب لایحه جدید شوراهای در مجلس شورای اسلامی مسئله چگونگی موجودیت شوراهای کارگری و سرنوشت آن به یکی از مهمترین مسائل مورد بحث کارگران بدل شده است . بحث بر سر آن است که مجلس شورای اسلامی چه

چیزی را باید به عنوان " لایحه قانونی شوراهای تصویب کند ؟ آیا مجلس باید لایحه‌های قانونی ( بر اساس اصل ۱۰۴ قانون اساسی ) در مورد چگونگی مناسبات میان نمایندگان کارگران و کارمندان ( سندیکا اتحادیه و شوراهای کارگری ) از یک طرف و نمایندگان کارفرما و دولت ( مدیریت ) از طرف دیگر ، بنویسد و

کیفیت مناسبات قانونی میان شوراهای کارگری و مدیریت را تعیین کند یا نه به روال سابق ( آنچنانکه در لایحه قانونی شورای انقلاب مصوب ۱۳۵۹ ) و آئین‌نامه‌های شورای عالی کار ( مصوب ۵۹ و ۶۰ ) آمده است رفتار کند و اغتشاش موجود در روابط میان شوراهای کارگری و مدیریت را کمابالک نامن بزند . واقعیت آن است که لایحه قانونی شورای انقلاب و آئین‌نامه‌های

بعدی آن نیز به اصل ۱۰۴ قانون اساسی استناد کرده بودند و بدیهی است برای تعیین مناسبات قانونی میان شورا و مدیریت می‌بایست هم اصل ۱۰۴ مبنای اتخاذ قانونی قرار گیرد و نه اصل دیگری . اما تنظیم کنندگان لایحه شورای انقلاب و آئین‌نامه‌های بعدی به مضمون و جوهر اصل ۱۰۴ پای‌بندی لازم را نشان ندادند و موجبات ایجاد اغتشاش در مناسبات میان شورا و مدیریت گردیدند . اصل ۱۰۴ قانون اساسی برای تأمین همکاری و هماهنگی در اداره امور واحدهای تولیدی و خدماتی و برنامه‌ریزی برای حسن اداره امور ، همکاری و مشاوره نمایندگان کارگران و کارمندان را با مدیران ضروری و لازم الاجرا می‌شمارد این یعنی مشارکت فعالانه و سازمان‌یافته تشکلهای کارگری ( نمایندگان کارگران و کارمندان ) با کارفرما و

دولت ( مدیران ) در امر اداره تولید و خدمات . اصل ۱۰۴ ( برابری مشارکت دمکراتیک صراحت دارد و یکی از دستاوردهای انقلاب به سود کارگران و محرومان است . اما عدم پای‌بندی نویسندگان لایحه قانونی شورای انقلاب به اصل ۱۰۴ در این مسئله است که آنها به جای آنکه لایحه‌های تنظیم کنند که چگونگی مناسبات میان نمایندگان کارگران و کارمندان ( نمایندگان سندیکا اتحادیه و شوراهای کارگری ) و مدیران را مشخص کند لایحه‌های نوشتند که مطابق آن کارگران می‌باید از حق داشتن شکل صنفی خاص خود محروم گردند . و از اعمال اراده متشکل و مستقل خود در اداره تولید باز بمانند . مفهوم هماهنگی بقیه در صفحه ۷

### به مشکلات تولیدکنندگان خودچی در شهرستان

#### ممقان رسیدگی کنید

فرد تولیدکننده روزانه به ۲۰ لیتر نفت سفید یا گازوئیل نیاز دارد . دولت باید با انجام امور از مشکلات دیگر زیر در جهت برآوردن تولیدکنندگان خودچی ، وجود سرمایه‌داران واسطه است که بدون کمترین زحمت بیشترین نفع را از دسترنج زحمتکشان تولیدکننده می‌برند . این سرمایه‌داران نخود مورد نیاز را از ارومیه که خود از جمله مهمترین محصولات کشاورزی می‌باشد وارد کرده و به قیمتی گزاف در اختیار تولیدکنندگان خودچی قرار می‌دهند و پس از تهیه خودچی مجدداً آن را به بهای ارزان خریداری کرده و به تجارتخانه‌ها می‌فروشند .

در حال حاضر ممقان از مراکز عمده تولیدی خودچی در آذربایجان شرقی می‌باشد روستائینی که در دوره حاکمیت شوم پهلوی در نتیجه سیاست‌های حکومت پهلوی بتدریج خانه‌خراب می‌شدند به این حرفه روی آورده و در نتیجه شمشاد تولیدکنندگان خودچی در ممقان به سال ۱۳۵۰ از ۱۰ نفر به ۸۰۰ نفر رسیده است اکنون نیز این رقم در حال افزایش سریع است . در حال حاضر تولید خودچی به وسیله ماشین‌های ساده انجام می‌گیرد و هر فرد می‌تواند در روز ۱۵۰ الی ۲۰۰ کیلوگرم خودچی تولید کند . تولید خودچی احتیاج فراوانی به مواد سوختی از قبیل نفت سفید و گازوئیل دارد . قبل از حمله رژیم صدام به میهن انقلابی‌مان تولیدکنندگان از جهت تهیه مواد سوختی در مضیقه نبودند ولی پس از بمباران مراکز نفتی کشورمان ... کمبود مواد سوختی به یکی از مشکلات مهم این صنعت تبدیل شده است . لازم به توضیح است که هر

۱ - با ایجاد تعاونی‌های تولید و توزیع عرضه نخود مورد نیاز تولیدکنندگان را کنترل نموده و مستقیماً در اختیار آنان قرار دهد و پس از تولید با قیمت عادلانه از تولیدکنندگان خریداری و در اختیار مصرف‌کنندگان قرار دهد و به این ترتیب دست سرمایه‌داران را از سر تولیدکنندگان مستقیم کوتاه نماید .

۲ - با بررسی دقیق از میزان سوخت مورد نیاز این تولیدکنندگان ( متناسب با امکانات دولت ) مقدار سوخت مورد نیاز را تأمین نموده از ایجاد بازار سیاه مواد سوختی جلوگیری نماید و مانع از آن گردد که سودجویان ، نفت را لیتری ۲۰ الی ۲۵ ریال به تولیدکنندگان بفروشند .

### آقای خامنه‌ای رئیس جمهور:

#### ما گفته ایم که از حقوق

#### کارگران دفاع می‌کنیم

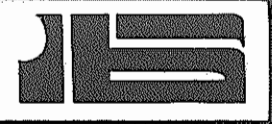
در هفته گذشته ، حجت الاسلام خامنه‌ای رئیس‌جمهور ، طی دیداری که با آقای حسین کمالی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و عضو شورای مرکزی خانه کارگر داشت ، ضمن استماع گزارش برخی از فعالیتهای شوراهای کارگری و مسائل کلی کارخانجات ، ضرورت پاسخگویی به مشکلات مبتلا به کارگران و شوراهای را مورد توجه جدی قرار داده و توصیه‌های سازنده‌ای خطاب به تشکلهای کارگری بیان داشت .

رئیس‌جمهور ، مسئولیتی را که دولت جمهوری اسلامی ایران در قبال کارگران احساس می‌کند مورد تأکید قرار داده و پاسخ به مشکلات و نارسایی‌های اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی آنان را از جمله وظایف مهم دولت و تشکلهای کارگری دانسته و در این رابطه ، گسترش هرچه ثمربختر هماهنگی‌های کارگران و دولت را در رفع مشکلات کارخانجات

کشور خواستار شد . آقای خامنه‌ای تأکید کردند که " کارگر را باید سعی کنید از حالت استضعاف فرهنگی ، سیاسی و اقتصادی خارج کنید . وظیفه دیگر شما دفاع از حقوق کارگر است ... ما گفته‌ایم که از حقوق کارگر دفاع می‌کنیم ... باید این را نیز در تکالیف خود قرار دهید که اگر حقوق کارگر دارند تضعیف می‌شود ، دفاع کنید . اما این دفاع نباید با اصول دیگر متناقض باشد . کارگران مبارز و انقلابی میهن ما ، طی سه ساله اخیر به خوبی اثبات کرده‌اند که تا چه اندازه در اعتقاد و عمل‌شان به لزوم تلفیق منافع صنفی‌شان با مصالح عالی انقلاب پای‌بند بوده‌اند . آنچه که شایسته تأکید است ، ضرورت توجه مسئولانه مقامات دولت جمهوری اسلامی ایران و بویژه مسئولین وزارت کار و امور اجتماعی ، به این رهنمودها و توصیه‌های انقلابی ، و اجرای بکلیت آنست .

### پر توان باد جنبش طبقه کارگر

### پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



تعیین مناسبات ...

کمکهای مالی دریافت شده

Table with 5 main columns (الف تا پ) and sub-columns (ر, ز, س, ش, ص, ج, ح, د, ذ, ر) containing financial data and descriptions of donations.

از صفحه ۶

که تصمیم گرفته‌اند تا روشن شدن حدود و ثغور این لایحه ( لایحه قانونی تعیین مناسبات میان شورا و مدیریت ) امر تشکیل شوراهای را متوقف سازند. ما همچنان که بارها تذکر داده‌ایم، باید بار دیگر تاکید کنیم که آنچه را که قانون معین می‌کند، و وزارت کار باید مجری‌اش باشد، تنظیم رابطه اصولی بین تشکلهای صنفی کارگران با دولت و کارفرمایان است نه تعیین تکلیف و دخالت در اموری که کارگران انحامش را به نمایندگان خود تفویض کرده و می‌کنند. اگر چنین بود کارگران دیگر احتیاجی به تعیین نماینده و نوشتن اساسنامه و ایجاد یک تشکل مستقل پیدا نمی‌کردند. و برای هر کاری از وزارت کار کسب تکلیف می‌کردند. مسئله تشکیل شورای کارگری و تدوین اساسنامه صنفی - شورایی هر تشکل ( مبتنی بر اصل ۲۶ قانون اساسی )، امری است مسقما مربوط به کارگران و نمایندگان شان شوراهای کارگران در پرتو انقلاب بوجود آورده‌اند و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که خود نیز از مهمترین دستاوردهای انقلاب است بر این حقوق انقلابی متقابلا مهر ناگسسته کوبیده است. با توجه به آنچه که گفته شد، نه سخن گفتن از "تشکیل مجدد شوراهای" درست است و نه انحلال شوراهایی که تا بحال "قانونی" شده‌اند. نقض استقلال و آزادی تشکلهای صنفی کنونی ( شوراهای و سندیکاها ) و تصبیع حقوق صنفی و شورایی کارگران به معنای تضعیف رهنه‌های پیوند حاکمیت انقلابی با طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان نیست. در شرایط کنونی حوائج اساسی و مبرم زحمتکشان و مصالح انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، پیش از هر زمان دیگری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مسئولین وزارت کار می‌طلبد که هرچه عاجل‌تر به تصریح مضمون مناسبات میان شوراهای و مدیریت واحدها ( مطابق اصل ۱۰۴ ) و اجراء و متعهدانه آن همت گمارند. تا اساس روابط فیما بین بر شالوده‌های استوار و منطقی قرار گیرد و نظم و قانونیت انقلابی و اعمال اراده کارگران و کارکنان در واحدهای بزرگ تولیدی و خدماتی به تبع آن بیش از پیش استمرار و استقامت را باید.

شوراهای کارگری در واحدهای تولیدی و خدماتی میهن ما، تشکلهای صنفی مستقل و انقلابی هستند که در کنار دیگر سازمانها و انجمنهای صنفی ( سندیکا اتحادیه و ... ) از یابان و به ابتکار خود کارگران ایجاد شده و سامان گرفته‌اند و مضمون وظایف آن عبارت است از دفاع اردستانوردهای انقلاب، مشارکت در اداره تولید و خدمات و دفاع از حقوق صنفی و رفاهی کارگران و بهبود شرایط کسب و زندگی شان. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصول متعددی و به‌ویژه در اصل ۲۶ و ۱۰۴ بر مشروعیت محتوی آن صراحت داشته و بر کیفیت وظایف و حقوق آن ناظر است. حدود اختیارات شوراهای یا به عبارت دیگر مضمون فعالیت قانونی آنها به وضوح روشن است. نقش مضاعف شوراهای در دفاع از انقلاب و مبارزه به خاطر تحکیم و گسترش دستاوردهای آن از یک سو و تامین حوائج صنفی کارگران و کارمندان از سوی دیگر امروزه بر کارگران انقلابی میهن ما پوشیده نیست. مضمون وظایف درونی شوراهای کارگری طی سه ساله اخیر و حتی چگونگی مناسبات بیرونی شورا در کارخانجات ( رابطه شورا با مدیریت ) نیز در عمل و به تجربه برای شوراهای کارگری تا حدود زیادی مشخص گردیده است آنچه که عمدتا ناروشن است ذهنیت برخی از مسئولین جمهوری اسلامی از مفهوم اصل ۱۰۴ و مضمون واقعا موجود شوراهای کارگری است مسئله رفع اغتشاش از لایحه قانونی شورای انقلاب و آغین نامههای موجود، امری است که به مسئولیت مستقیم و مشخص تصویب‌کنندگان لایحه جدید ( در مجلس شورای اسلامی ) برمی‌گردد که امیدواریم نمایندگان انقلابی مردم، با توجه مسئولانه به مطالبات انقلابی تشکلهای کارگری و پایبندی به روح و جوهر اصول ۱۰۴ و ۲۶ قانون اساسی، به این رافع اغتشاش موفق گردند. اما مسئله دیگر به مسئولین اجرایی ( به‌ویژه وزارت کار و امور اجتماعی ) مربوط می‌شود

شورا و مدیریت عبارت از آن است که نمایندگان شورا، به عنوان اعضای مشاور باید با هیئت مدیره، امر اداره انقلابی تولید را هماهنگ کنند و به پیش برند. لایحه شورای انقلاب موجب مخدوش شدن چارچوب و حدود و ثغور وظایف و حقوق نمایندگان شورا یا مدیریت گردید. بطوری که وظایف و حقوق شوراهای با وظایف و حقوق مدیریت دیگر به آسانی از هم قابل تفکیک نبود. در همین رابطه است که وزیر کار گفته است " گورا اینجا و آنجا دیده می‌شود که بعضی از مدیریتها با شوراهای برخورد درستی ندارند و بعضی از شوراهای حدود خودشان را رعایت نمی‌کنند و مانند کارها گفته‌ایم که این مسائل را تحمل نخواهیم کرد و هر شورایی و هر مدیر و کارفرمایی دقیقا باید همه طبق قانون عمل کنند ( اطلاعات ۹ دی ) و بحث درست در همین حاست. این قانون که باید مناسبات بین شورا ( از یک طرف ) و مدیر ( از طرف دیگر ) را تنظیم کند و این دو جزء را برای تأمین بیشترین هماهنگی در اداره تولید به وظایف و حقوق انقلابی شان متعهد سازد چیست؟ همچنانکه گفتیم اشکال اساسی لایحه قانونی شورای انقلاب در این بود که به جای آنکه ضوابط قانونی لازم را در این خصوص معین کند شورا و مدیریت را در هم ادغام کرد و به عنوان یک تشکل واحد درآورد و خواست برای یک چنین ملغمه‌ای ضابطه قانونی و اجرایی معین کند. و وقتی که این قانون در عمل ( به واسطه تداخل عینی عملکردهای شورا و مدیریت ) به اشکال برمی‌خورد، به این نتیجه غیرمنطقی‌تر می‌رسد که باید یک اشکالی در برخی شوراهای داشته باشد و مدیران وجود و یا به شوری رفیع این اشکال باید تشکیل شوراها را فعلا متوقف کرد تا تکلیف روشن شود. اما واقعیت آن است که آنچه باید مشخص و روشن شود مضمون وظایف و حقوق شوراهای کارگری نیست بلکه چگونگی رابطه و مناسبات میان این شوراهای و دیگر تشکلهای صنفی موجود با مدیریت است.

گزارشی از روستاهای خراسان (۲)

اجرای بند "ج" و "د" نخستین گام اساسی در رفع مشکلات

بیش از ۶۰ درصد جمعیت استان پهناور خراسان در ۱۳۵۰۰ روستا سکونت دارند که عمدتاً به کشاورزی، دامپروری و قالی‌بافی اشتغال می‌ورزند.

کشاورزی - کشاورزی به دو شیوه آبی و دیم انجام شود.

از هفتصد هزار هکتار زمین زیر کشت گندم بیش از سیصد هزار هکتار آن به صورت دیم و بقیه به صورت آبی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. در مناطق جنوبی استان خراسان نظیر بیرجند و قائن گناباد و طبس به علت کیفیت پایین خاک و آب و شرایط نامساعد جوی، کشاورزی چندان مقرون به صرفه نمی‌باشد، و یکارگیری وسایل سنتی برای امر کشت و کار، بازدهی تولید را به میزان قابل ملاحظه‌ای پایین آورده است.

دامپروری - خراسان یکی از مراکز مهم دامپروری کشور است که بالغ بر یک چهارم کل دام‌های کشور این منطقه پرورش می‌یابد.

دامپروری در استان خراسان عموماً به صورت سنتی انجام می‌پذیرد ولی در حومه شهر قوچان دامداری‌های مدرن و صنعتی وجود دارد که اکثراً متعلق به بزرگ‌مالکین و کلان سرمایه‌داران است. دامداران خراسان بمانند بیشتر نقاط کشور با مشکلاتی نظیر کمبود انواع خوراک دام (تغاله کنجاله، گاه و جو) شیار زدن مراتع و عدم حفاظت اصولی از آنها، بیمه دامها در مقابل سوانح، ارائه خدمات دامپزشکی و بهداشت دام تأمین اعتبار و واگذاری وام برای توسعه دامداری تعاونی و ایجاد پناهگاه‌های مناسب و همچنین ارائه خدمات آموزشی و فنی به

دامداران زحمتکش روستایی و عشایری مواجه‌اند. که باید نظر به اهمیت این منطقه از نظر امکان تأمین بخشی از گوشت مورد نیاز کشور با آن برخوردی مسئولانه و انقلابی شود.

آبیاری - عمده‌ترین منابع تأمین آب زراعی در منطقه به ترتیب اهمیت چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق قنات‌ها و رودخانه‌ها و چشمه‌سارها هستند. در سطح استان بیش از ده هزار حلقه چاه وجود دارد که عمدتاً در مناطق تریب جام و نایباده حفر گردیده‌اند. قنات عمده‌ترین منبع تأمین آب در جنوب خراسان است و رودخانه‌ها و چشمه‌سارها در نواحی کوهستانی و نیمه کوهستانی نظیر کوهپایه‌های اطراف شیروان، قوچان و نیز درگز و کلات و غیره منبع آبیاری مزارع دهقانان‌اند. جالب توجه است که در بیشتر مناطق تعداد زیادی از چاه‌های عمیق متعلق به چاهداران است که به شیوه‌های مرسوم در منطقه بر اساس سهم‌بری عمده دسترنج دهقانان زحمتکش نصیب چاهداران می‌شود.

اعتلاء مبارزات دهقانان منطقه:

از اوایل سال جاری پس از گذشت رکودی نسبی در جنبش دهقانی حرکات و مبارزات دهقانان و ارگان‌های فعال در عرصه روستاها علیه زمین‌داران بزرگ و فئودالها در جهت احقاق حقوق پایمال شده‌شان مجدداً اعتلایی تازه یافت هیئت‌های هفت نفره بتدریج بازسازی و شروع بکار نمودند. شوراها اختیارات بیشتری نسبت به گذشته بدست آوردند، بازسازی گردیدند، از عناصر نامناسب پاکسازی شدند و

اقدامات عمرانی و بهسازی در روستاها در زمینه مبارزات و مطالبات بحق توده‌های محروم و ستم‌کشیده روستا، علیه زمینداران بزرگ و فئودالها نیز نقش مهمی به عهده دارد. نیروهای فعال در جهاد سازندگی همواره مورد خشم و کین زمینداران بزرگ بوده و توطئه‌های گوناگونی جهت مرعوب کردن عناصر این نهاد انقلابی توسط زمینداران بزرگ و فئودالها در موارد متعدد تدارک دیده شده است. جهاد سازندگی در زمینه تعمیر و مرمت راههای روستایی خصوصاً در مناطق کوهستانی شمال خراسان (کلات، درگز، شیروان و بجنورد) احداث، مرمت و لایروبی قنات خصوصاً در جنوب خراسان و مناطق سیل‌زده نقش بسیار ارزشمنی داشته است. علاوه بر این در زمینه حفر چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق برای روستائیان لوله‌کشی و کانال‌کشی آب، احداث مراکز درمانی، تعمیر ماشین‌آلات کشاورزی روستائیان و واگذاری امکانات جهت تولید کشاورزی به روستائیان، و همچنین افساء زمینداران بزرگ، فئودالها و عناصر و عوامل روحانیون

نسبت به وظایف خویش آشتر گردیدند. در اکثر روستاهای منطقه توزیع سوخت خواربار و سایر مایحتاج روستائیان به شوراها واگذار گردید. خواست‌ها و مطالبات پراکنده روستائیان و شوره‌های مختلف هماهنگ شد و در سمینارهای سراسری شورا که توسط جهاد سازندگی هیئت‌های هفت‌نفره و فرمانداری‌ها و بخشدارها تشکیل می‌شد، منعکس گردید. عمده‌ترین خواست دهقانان منطقه که همواره جزء رئیس قطعه‌های این سمینارهاست اجرای کامل اصلاحات ارضی و بندهای "ج" و "د" آن بود.

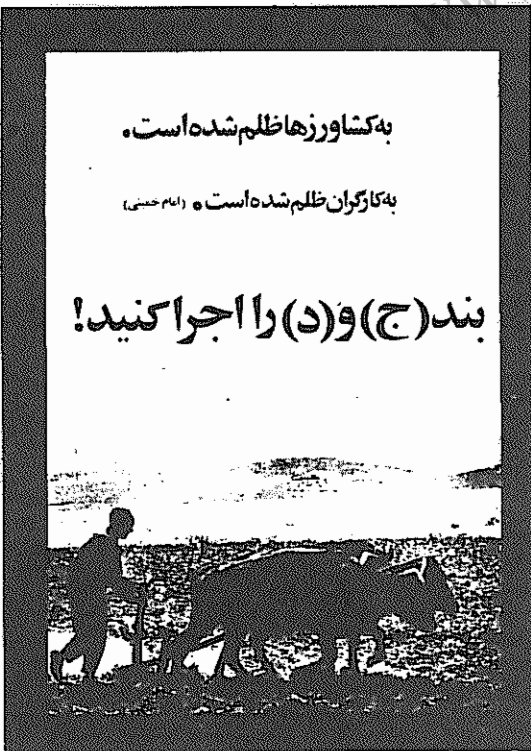
روستائیان، تصویب طرح‌های قانونی شوره‌های اسلامی روستاها را طلب می‌نمودند. تأمین نیازهای تولید کشاورزان، از قبیل آب زراعی، کود، بذر، وام و سموم دفع آفات نباتی و دامی تضمین خرید محصولات بموقع و با قیمت‌های مناسب توسط دولت، بیمه محصولات کشاورزی بخصوص در مناطقی که احتمال تخریب مزارع بر اثر جاری شدن سیل وجود دارد از جمله مطالبات دهقانان زحمتکش منطقه است. بعلاوه ارائه خدمات رفاهی و اقداماتی جهت بهسازی و عمران روستاها از دیگر مطالبات و خواست‌های دهقانان منطقه می‌باشد.

عملکرد ارگان‌های انقلابی در منطقه:

جهاد سازندگی و هیئت‌های هفت نفره از فعالترین نهادهای انقلابی در روستاها می‌باشند. جهاد سازندگی به یثوانه فعالیت‌های پیگیر و همه‌جانبه خود در روستاهای استان خراسان از مجبوییتی توده‌ای برخوردار است. و علاوه بر

حامی آنها در منطقه فعالیت چشمگیری داشته است. هیئت‌های هفت نفره در منطقه در اوایل سال جاری مجدداً بعد از یک دوره رکود شکل گرفته و به صورت جدی کار خویش را آغاز نمودند. هیئت‌های هفت نفره در استان خراسان به دلیل حضور بزرگ‌مالکین و کلان سرمایه‌داران همواره مورد توطئه‌های آنان واقع شده و زمینداران بزرگ و فئودالها به عناوین مختلف سعی در منفرد کردن آنها نموده‌اند. عمده کار هیئت در مناطق روستایی خراسان، تشکیل شوراهای اسلامی روستا، تحقیق در امور مربوط به مالکیت‌های زمین‌ها، نظارت بر توزیع سوخت کود، بذر، نظارت بر واگذاری تراکتور توسط بانک کشاورزی به روستائیان حل و فصل درگیری و اختلافات دهقانان، با مالکین و... بوده است. هیئت هفت نفره مرکز مشهد دارای ۱۰ گروه تحقیق، هیئت مرکزی بجنورد ۸ گروه و هیئت جنوب خراسان مرکز کاشمر ۲۳ گروه تحقیق بوجود آورده است و به کار پیگیر جهت شناسایی و تعیین وضعیت مالکیت‌ها در

بقیه در صفحه ۹



به کشاورزها ظلم شده است.

به کارگران ظلم شده است. (امام حسین)

بند (ج) و (د) را اجرا کنید!

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند



از صفحه ۸  
روستاهای حوزه فعالیت خویش مشغولند. هیئت هفت نفره شمال خراسان مرکز بجنورد که یکی از فعالترین هیئت‌های هفت نفره است تاکنون در ۱۷۰۰ روستا تحقیق کرده در ۱۵۰۰ روستا شورا بوجود آورده و ۹۰۰۰ هکتار زمین را بطور موقت و ۱۲۰۰۰ هکتار زمین را بطور دائم میان روستائیان واجد شرایط تقسیم نموده است.

**شوراهای اسلامی روستایی در روستاهای خراسان:**

مداولترین و مهمترین تشکل در روستاهای استان خراسان شوراهای اسلامی روستایی می‌باشند که از اوایل سال ۱۳۵۸ بتدریج توسط جهاد و سپس هیئت‌های هفت نفره ایجاد گردیده‌اند فرمانداری‌ها و بخش‌داری‌ها نیز بعضاً در ایجاد و شکل‌دادن به شوراها نقش داشته‌اند. شوراهای اسلامی روستاها با وجود آنکه در مواردی به علت وجود نفوذ عناصر غیر-مسئول و سودجو و نیز به دلیل عدم کارایی در جهت وظایف محوله مورد تأیید روستائیان نبوده‌اند، معذک عمدتاً در کسورن مبارزات دهقانان زحمتکش علیه زمینداران بزرگ و فئودالها، تجار و سلف‌خرها و نیز کوشش در جهت برآوردن نیازمندی‌های توده‌های مردم و ارتباط با ارگان‌های دولتی و نهادهای انقلابی تجربیات بسیار گرانبغری کسب نموده و به عنوان نقطه اتکالی برای پیشبرد مبارزات و مطالبات توده‌ها به همراه ارگان‌های انقلابی، بدل گردیده‌اند. شوراهای منطقه در جمع‌آوری کمک و وسایل برای جبهه‌های جنگ صدامی - امریکایی بسیار فعال بوده‌اند و در بسیج توده‌های روستایی برای برآوردن نیازهای جبهه و افزایش تولید در شرایط حساس کنونی بسته به توانایی و بینش سیاسی خود شرکت فعال داشته‌اند. به عنوان نمونه از شوراهای کلاب در منطقه کسبایر بجنورد شوراهای دم‌روپناه در بخش احمدآباد می‌توان نام برد. علیرغم مطالب یاد شده بازسازی شوراها و تصفیه آنها از عناصر غیرمسئول و سودجو که گاه در شوراها نفوذ نموده‌اند از مسائل بسیار مهم است که باید مورد توجه قرار گیرد. اعمال کنترل و

نظارت شوراها بر توزیع سوخت و سایر کالاهای سهمیه‌بندی شده و مایحتاج کشاورزی روستائیان و نظارت آنها بر اقدامات عمرانی و رفاهی در روستاها از وظایف بسیار مهم شوراهای اسلامی که باید در تمام روستاها بدون استثنا، به صورت انتخابی و دموکراتیک شکل گیرد می‌باشند. در حال حاضر در تمام مناطقی که بزرگ مالکی وجود دارد تمامی روستاها دارای شورای اسلامی بوده و علاوه بر این هر کجا که ارگان‌های انقلابی به فعالیت مشغول گشته‌اند با درک ضرورت تشکل روستائیان حول ارگان‌های مردمی که به میزان مناسبی نیز قادر به برقرارکردن ارتباط با نهادهای انقلابی و ارگان‌های حکومتی است، اقدام به تأسیس شوراها نموده‌اند. طی نیمه اول سال ۱۳۶۰ در شهرستان‌های تربت‌جام، گناباد، نیشابور، اسفراین و بخش‌های سرخس، تبادکان و کلات مشهد شوراهای اسلامی روستایی سمینارهایی تشکیل داده‌اند در قطعه‌نامه‌های صادره توسط این سمینارها که اکثراً خواست‌های مشترکی مطرح گردیده به لزوم اجرای بند "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی و روشن‌کردن وضع مالکیت‌های بزرگ، تجدید اجاره موقوفات که اکثراً از گذشته در اختیار زمینداران بزرگ با اجاره‌های بسیار ناچیز قرار گرفته است، ضرورت نظارت و کنترل شوراها بر توزیع سوخت، علوفه، بذر، وام توسط دولت و گسترش شبکه‌های ارتباطی روستایی گسترش تعاونی‌های توزیع و سوخت و تصویب آئین‌نامه شوراهای روستایی در مجلس شورای اسلامی اشاره رفته است

**وضع تعاونی‌ها در منطقه:**

اکثر شرکت‌های تعاونی که بیشتر در مراکز بخش‌ها وجود دارند همان شرکت‌های تعاونی توزیع و مصرفی هستند که از گذشته همچنان برجای مانده‌اند. در بسیاری از این تعاونی‌ها هنوز مدیریت گذشته باقی است این شرکت‌ها به هیچ‌وجه در حال حاضر با شرایط کنونی انقلاب انطباقی نداشته و بیشتر جنبه بوروکراتیک دارند نمونه بارز این تعاونی‌ها را می‌توان در روستاهای مناطق

بجنورد، قوچان و کلات مشاهده کرد. البته بعد از انقلاب تاکنون کوشش‌های زیادی از طرف روستائیان برای راه‌اندازی این شرکت‌ها و تعویض مدیریت غیرمسئول آنها صورت گرفته است، که اغلب بی‌نتیجه مانده است. به عنوان مثال می‌توان از اعتراضات روستائیان منطقه "راز" در بجنورد برای تعویض مدیریت شرکت‌های تعاونی منطقه نام برد. علاوه بر این در مناطق وسیعی از استان خراسان شرکت تعاونی وجود ندارد و نیازهای تولیدی و مصرفی روستائیان به دشواری تأمین می‌گردد. اشکال مختلفی ازگشتت جمعی که بر بستر سنت‌های منطقه شکل گرفته است در خراسان مشاهده می‌شود. شکل ابتدایی تعاون که از گذشته نیز متداول بوده است (صحرا) نام دارد کشت مشاعی نیز در سطح محدودی در منطقه وجود دارد که اکثراً توسط هیئت‌های هفت نفره بوجود آمده است، ولی عدم رسیدگی به واحدهای تولیدی‌مشاع توسط نهادهای انقلابی جهت تأمین نیازهای تولیدی و برنامه‌ریزی برای آنها از جمله عواملی است که مانع از گسترش روحیه تعاون و همیاری در روستائیان گردیده و اعضای واحدهای مشاع بیشتر تمایل به تقسیم زمین‌ها و کشت انفرادی از خود نشان می‌دهند. بعنوان نمونه می‌توان از واحدهای تولیدی مشاع در شهرآباد بربر و شهرآباد کرد نام برد که مابین آنها و بنیاد مستضعفان نیز درگیری‌هایی بروز کرده است.

در سطح استان خراسان تاکنون تعداد ۴۱ تعاونی در عرصه کشاورزی و دامداری در سطح روستاها مربوط به "مرکز گسترش خدمات تولیدی و عمرانی" تأسیس گردیده است. این تعاونی‌ها که عمدتاً توسط فارغ‌التحصیلان بیکار دایر شده است در مناطق نیشابور ۷ واحد در تربت‌حیدریه ۵ واحد و تعدادی نیز در مشهد، گناباد، سبزوار، قوچان، دره‌گز، بیرجند و طبس شکل گرفته است. هرکدام از این تعاونی‌ها ۱۰ تا ۳۰ نفر عضو داشته و میزان زمین زیر کشت هر شرکت معمولاً حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ هکتار است که توسط هیئت به آنان واگذار شده است این شرکت‌ها علیرغم صرف بودجه قابل توجه به علل زیر تاکنون موفق به ادامه فعالیت و کار خویش نگردیده‌اند و تعدادی از آنها نیز در برخی مناطق

ازهم پاشیده است. این مساله عمدتاً به دلیل: - بایر بودن زمین‌های تحت اختیار شرکت‌های تعاونی و لذا حاصلخیز نبودن آنها، کمبود امکانات تولیدی و ابزار و ماشین‌آلات مناسب جهت امور کشاورزی - کمی تجربه تشکیل‌دهندگان آن، کم‌حوصلگی و سودجویی برخی از اعضای تعاونی‌ها، - بی‌توجهی به نوع کشت

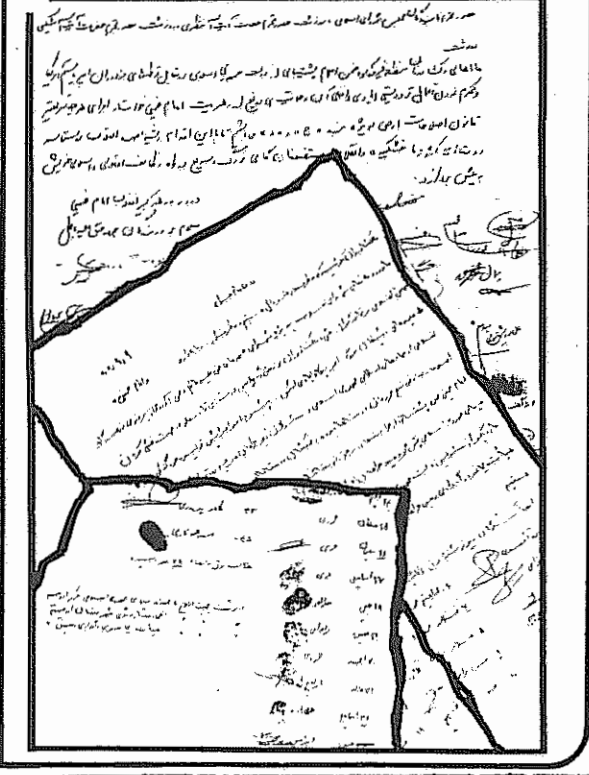
غیردهقانی اعضای تعاونی‌ها بهره‌وری پائین به دلیل کمی تجربه اعضا و غیره می‌باشند.

مشکلات ناشی از حضور افغانی‌ها در روستاهای منطقه رفته و آمد بدون محدودیت افغانی‌ها به بقیه در صفحه ۱۹

**نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی باید به خواست میلیون‌ها تن از مولکین خود پاسخ دهند**

بیش از یک سال از توقف اجرای بندهای "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی می‌گذرد و حدا از زبان‌های مادی و معنوی فراوانی که در اثر آن به انقلاب و مردم انقلابی ما وارد آمد، ما شاهد آن بودیم که میلیونها تن از زحمتکشان روستاهای سراسر کشور با تمام امکانات و تسهیبات و تصویب سریع تر بندهای "ج" و "د" خود را نسبت به این تصمیم و خواست قلبی خود را دایر بر تصویب و اجرای بندهای "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی اعلام داشتند. یکی از این وسائل ارسال صد‌ها طومار با امضاء و انگشت‌های پینه بسته میلیونها دهقان زحمتکش بود که تاکنون بارها در اکثر نشریات کشور منحل شده و انعکاس

یافته است. این بار طومارهایی داریم از زحمتکشان روستای گردنشین قاسم‌لو در منطقه آذربایجان غربی و کشاورزان روستاهای منطقه فیروزکوه که در آنها طی اعلام حمایت از رهبر انقلاب امام خد نسی و جمهوری اسلامی ایران خواستار تصویب و اجرای هرچه سریع‌تر بندهای "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی گردیدند. ما ضمن کلیشه این طومارها، بار دیگر توجه مقامات مسئول به ویژه نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی را به این خواست برحق میلیونها تن از مولکین‌شان جلب نموده و نسبت به عواقب تاخیر بیش از حد در این امر حیاتی هشدار می‌دهیم.



# برای ورود دانشگاهیان به دانشگاه مانع تر نشید

اینکه که امر بازگشایی دانشگاهها مورد توجه واقع بینانه نیروهای مسئول جمهوری اسلامی قرار میگیرد، معیارهایی پیش کشیده می شود که دانشگاهها را با "کمبود" استاد و دانشجو مواجه نماید، تا از این طریق کار بازگشایی دانشگاهها به تاخیر افتد. راه را برای نگرانیها بربندیم.

موانع دیگری از جمله با توسل به همان ضوابط و دستورالعملها و آئین نامه های غیرواقعی و احتمالا تنگ نظرانه، دنبال کنند بازگشایی دانشگاهها را به تاخیر انداخته و یا حداقل دانشجویان و دانشگاهیان پیرو سوسیالیسم علمی را از تحصیل و خدمت به انقلاب محروم سازند. نمونه اینگونه آئین نامه ها و دستورالعملها همان " طرح گزینش استاد و دانشجو " است که آنچنان معیارهایی را پیش کشیده تا دانشگاهها با " کمبود " استاد و دانشجو مواجه شوند و کار بازگشایی به تاخیر افتد. خوشبختانه رهنمودهای امام خمینی در این زمینه چونکی ضوابط برای بازگشایی دانشگاهها - نیز چنان روشن است که اگر مورد توجه قرار گیرد می تواند موانع و مشکلات غیرواقعی را برطرف سازد. از جمله این رهنمودها، سخنان امام در دیدار با وزیر فرهنگ و آموزش عالی است. امام در این سخنان تاکید کردند:

" آن دسته از اساتیدی که در رشته های علوم و فنون نایلند به واسطه عشق و علاقه به کشور و امور آموزش خدمت کنند ولو اینکه اعتقادات بسیار قوی هم برخوردار نباشند می توانید از آنان استفاده کنید " ( به نقل از سخنان آقای نجفی - کیهان ۱۳ دی )

این توصیه آیت الله منتظری را نیز در کنار رهنمود امام بگذارید تا جای هیچ تردیدی باقی نماند:

" همین قدر که اساتید علوم، وطن دوست، خدمتکار به مردم و متخصص باشند و ضمن برخورداری از شایستگی تدریس، معاندتی با

انقلابی و افکار مردمی دانشجویان مبارز خارج از کشور را انکار کنیم، باید بگوئیم بخش اعظم این دانشجویان از طبقات و اقشار مرفه جامعه بوده، با روحیه وفاداری به مردم پرورش نیافته اند و اکثرا نسبت به انقلاب بیگانه اند و یا در برابر آن دور از ذهن نیست که امپریالیسم امریکای کارشناسان " سیا " برای پرورش کشمیری ها و کلاهی های دیگری از میان آنها سرمایه گذاری نیز کرده باشند، متأسفانه این نیرویی است که جمهوری اسلامی باید به سوی آن دست دراز کند. این نیرویی است که در راس بسیاری از ارگان های جمهوری اسلامی بکار گرفته خواهد شد این نیرویی است که دانشجویان متعهد و پرشور داخل کشور پس از پایان تحصیل اگر موفق به یافتن کار شوند، باید زیر دست و تحت مسئولیت آن قرار گیرند! هر روز که بگذرد، و دانشگاهها بسته بماند این روند نیز تشدید خواهد شد. تازه توجه داشته باشیم که این تنها یک نمونه از دهها و صدها اثر زیانبار تعطیلی دانشگاههاست...

علیرغم این واقعیات تاثر انگیز وقتی پای بازگشایی دانشگاهها پیش می آید، آئین نامه ها و دستورالعملها و ضوابطی تعیین می شود که سنگ دیگری است در برابر بازگشایی. تعطیل دانشگاهها ضربات فراوانی به انقلاب وارد آورد اما واقعیات انقلاب با سرسختی راه خود را گشوده اند و در این میان بسیاری از مدافین دیروزی تعطیل دانشگاهها که صداقت دارند، بی به اشتباه خود برده اند. اما دست های محدود ولی مشکوکی که آگاهانه در جهت بازگشایی دانشگاهها اخلال می کردند اکنون نیز می کوشند همان هدف را، این بار با ایجاد

تا در بازگشایی سراسری دانشگاهها سنگ اندازی کنند. تاخیر در بازگشایی دانشگاهها به ویژه در این مرحله از انقلاب که مرحله سازندگی و آبادانی است، بسیار خطرناک است و باید روی آن بیش از پیش تکیه کرده به عواقب آن اندیشید به یک نمونه آن توجه کنید:

تمامی مقامات جمهوری اسلامی اذعان دارند که وجود متخصصین و کارشناسان متعهد به انقلاب یکی از شروط بسیار ضرور برای هدایت پیروزمندانه این مرحله از انقلاب است. این واقعیتی آشکار است و نمی توان بسادگی از کنار آن گذشت این متخصصین و کارشناسان از کجا باید تامین شوند؟ قاعده آن بود که منبع اصلی تامین نیروی متخصص، دانشگاهها و مدارس عالی کشور باشند. با توجه به ترکیب دانشجویان داخل کشور می توان گفت بسیاری از آنان نیروهایی مومن و متعهد به انقلاب بوده ( و هستند ) و در صورت اتخاذ سیاستی درست و اصولی تعهد به انقلاب را در اکثریت قریب به اتفاق دانشجویان نیز می شد ( و می شود ) ایجاد کرد و پرورش داد. این درست همان نیرویی است که انقلاب ما بدان نیاز حیاتی دارد: متخصص و اهل فن معتقد به مردم و انقلاب. متأسفانه چنین نشد و با تعطیلی دانشگاهها روند تربیت متخصصین مومن به انقلاب دچار وقفه و آسیب بسیار جدی شده و اصولاً قطع گردید. اما از آنجا که نیاز بکارگیری متخصصین در انقلاب تعطیل بردار نیست، جمهوری اسلامی ایران برای تامین نیروهای مورد نیاز باید متوجه دانشمندیانی شود که به طور عمده در دانشگاههای آمریکا و اروپا تحصیل کرده اند. بدون اینکه قصد داشته باشیم تا ارزش فعالیت

در همین هفته امام در دیدار با آقای محمدعلی نجفی وزیر علوم و آموزش عالی مجدداً خاطرنشان ساختند:

چشم انداز بازگشایی دانشگاهها روشن تر از هر زمان دیگر به نظر می رسد. انعکاس وسیع اخبار مربوط به این مسئله و مصاحبه های بی دریغی مسئولین امر نشانه حدی بودن امر بازگشایی دانشگاههاست. علیرغم برخی کارشکنیها و مخالفت خوانیها، رهنمودهای رهبر انقلاب امام خمینی آنچنان روشن است که دیگر حایبی برای هیچگونه عذر و بهانه مسامحه و تردید، تزلزل و دودلی باقی نمی گذارد.

امام خمینی جندی پیش ( ۱۸ آذر ) در دیدار با مدرسین حوزه علمیه قم صراحتاً تاکید کردند:

" اگر بخواهید تغییرات اساسی در علوم دانشگاهی بدهید، بیش از ۲۰ سال طول خواهد کشید و نمی شود دانشگاهها را برای این مدت تعطیل کرد "

در همین هفته امام در دیدار با آقای محمدعلی نجفی وزیر علوم و آموزش عالی مجدداً خاطرنشان ساختند:

" مسئله بازگشایی دانشگاهها را به صورت درستی پیگیری و در این امر مصر باشید "

آیت الله منتظری نیز بارها و اها این خواست مردم و رد انقلاب را بیان داشته و از جمله در دیدار با اعضای ستاد انقلاب فرهنگی گفتند:

" از به تاخیر انداختن بازگشایی دانشگاهها پرهیز شود و به این انتظار نشینیم که حتماً به ارگان های ایده آلی در زمینه انقلاب فرهنگی برسیم بلکه به محض کسب آمادگی های اولیه دانشگاهها گشوده شوند "

علیرغم این رهنمودها و توصیه های روشن و خالی از ابهام و علیرغم آنکه تجربه تعطیلی دو ساله دانشگاهها به بارزترین وجهی تأثیرات مخرب و سوء این اقدام نسنجیده و شتابزده را به نمایش نهاده است هنوز هستند کسانی که نمی توانند و نمی خواهند این اثرات مخرب را ببینند و باور کنند به همین دلیل نیز می کوشند

نظام جمهوری اسلامی نداشته و متجاهر به فسق نباشند، کافی است." با توجه به این رهنمودهای روشن وقتی از سوی مسئولین گفته می شود:

" برای گزینش اساتید جدید در دانشگاهها ضوابط بسیار دقیقی تهیه شده است بطوری که برای اساتید منحرف و وابسته به شرق و غرب جایی در دانشگاهها نخواهد بود " نمی توان نگران نشد. اینگونه سخنان به هر شکلی و از سوی هر کسی قابل تفسیر است و به راحتی به انحراف از سوی رهنمودهای برجسته ترس کشانیده می شود.

امر بازگشایی دانشگاهها بیش از پیش مورد توجه همه نیروهای مسئول جمهوری اسلامی قرار می گیرد. اما با به پای آن چگونگی ضوابط بازگشایی نیز اهمیت می یابد. نباید اشتباهی را که به دو سال تعطیلی دانشگاهها انجامید، در اینجا نیز تکرار کرده و با ضوابط غیرواقعی و بعضاً انحصارگرانه، بخش وسیعی از دانشجویان و استادان را از ورود به دانشگاهها محروم ساخت این خواست دشمن است. همه استادان و دانشجویان متعهد به انقلاب بدون هیچگونه عذر و بهانه ای باید به دانشگاهها راه بیابند در مورد دانشجویان کم کرده راه و فریب خورده نیز قطعاً انقلاب آن قدرت و توان را دارد که بکار بستن تمهیداتی آنان را به سوی خود جلب کند. باید به این دسته فرصت دوباره ای بخشید. به نظر می رسد که این امر بسیار مهم مورد توجه دست اندرکاران قرار گرفته است. آقای نجفی در مصاحبه ۱۳ دی ماه خود اقدامات مثبت مسئولین در این زمینه را برشمرد و صراحتاً اعلام داشت:

" شرایط سیاسی و تبلیغاتی منحرف گروهکها در آن زمان باعث شد که عده ای به تعبیر امام بازی خورده دانشگاه را محل تاخت و تاز سیاسی قرار دهند... باید به آنان شانس مجددی داد "

# ارزانی گزارش‌ها و اعلامیه‌ها

## باید به پراکندگی

### برای همیشه پایان داد

سمنار سراسری و نخستین کنگره سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا - هوادار سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از هفتم تا یازدهم اوت در آرلینگتون نگراس برگزار شد. در این کنگره که با موفقیت و وحدت و همبستگی کامل به کار خود پایان داد گزارش سیاسی هیات دبیران پیشین به کنگره و پیام کنگره به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و نیز پیام‌های همبستگی اتحادیه‌های رهایی کارگران جوان (بخش اوهایو)، اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطینی، پیام هواداران حزب توده ایران در شرق و جنوب آمریکا و جنوب کالیفرنیا، پیام دانشجویان ایرانی مقیم فرانسه هوادار فدائیان خلق (اکثریت) و هواداران سازمان در کانادا، آلمان و برلن غربی، سوئد، پاکستان (گروه دانشجویی پویان) و هند قرائت شد.

همچنین کنگره پیام‌های متقابلی برای رفقا و هوادارانی که به کنگره پیام فرستاده بودند ارسال داشت. کنگره خطاب به هواداران جنبش مسلمانان مبارز در آمریکا و اعضا و هواداران انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا صادر کرد.

در پیام رفقای برگزارکننده اولین کنگره خطاب به سازمان آمده است:

درودهای گرم و صمیمانه ما شرکت کنندگان در اولین کنگره سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا هوادار سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را بپذیرید. برای ما و براستی برای کل جنبش دانشجویی مترقی خارج از کشور دستاوردهای این کنگره گامی بجلو در راستای همگامی و همراهی هر چه بیشتر با انقلاب شکوهمند خلقهای میهن است. پیام کنگره ما، پیام وحدت، پیام همبستگی و اتحاد چه در عرصه جنبش ضد امپریالیسم - دموکراتیک خلقهای ایران و چه در میدانگاه رزم هواداران راستین سوسیالیسم علمی است. شور رفقای ما به مثابه یکی از اجزاء لاینفک هواداران سازمان در سراسر گیتی برای تلاش هر چه گسترده‌تر در راستای دفاع از انقلاب و افشای دسایس امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا وصف ناپذیر است.

ما اینبار با برخورداری از پشتوانه عظیم تجربی و تئوریک جنبش کمونیستی جهان و با ایمان به شکست ناپذیری اردوگاه سوسیالیسم، جنبش طبقه کارگر کشورهای سرمایه‌داری و جنبش‌های رهایی‌بخش ملی استوارتر از همیشه قدم در راه پاسخگویی به وظایف مبارزاتی خویش نهادیم. یکپارچگی بی‌نظیر ایدئولوژیک - سیاسی حاکم بر جو کنگره، مباحث شورا انگیز رفقا برای زدودن تمامی جلوه‌های بینش غیرپروولتری گذشته، اعتماد آهنین رفقا به جنبش کمونیستی جهانی و در رأس آن حزب تاریخ‌ساز لنین و تاکید بر مسئولیت خطیر هواداران راستین سوسیالیسم علمی در حل اساسی‌ترین معضل جنبش ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای میهن یعنی تشکیل جبهه واحد ضد امپریالیستی همه و همه بیانگر برخورد مسئولانه رفقا و جلوه‌ای از درخشش فروزان آگاهی در جنبش دانشجویی مترقی خارج از کشور است.

در بخش دیگری از پیام گفته می‌شود:

رفقا! مایه مسرت و شادمانی است که امروز وحدت جنبش کمونیستی میهنان دست یافتنی‌تر از همیشه جلوه‌گر می‌شود. تلاش خستگی‌ناپذیر در راه وحدت هواداران راستین سوسیالیسم علمی بهمان سان که مورد تاکید سازمان است باید به پراکندگی برای همیشه پایان دهد. وحدت جنبش کمونیستی یک ضرورت تاریخی است. فردای اتحاد و تشکل طبقه کارگر ایران، فردای تحکیم هر چه بیشتر پیوند طبقه کارگر میهن با اردوگاه کار جهان نزدیک است.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ضمن ابراز خشنودی از برگزاری کنگره دانشجویان هوادار سازمان که در کمال وحدت و همبستگی به کار خود پایان داد، از تلاشها و کوششهای رفقای هوادار در تحکیم و گسترش همکاری نزدیک نیروهای هوادار سوسیالیسم علمی استقبال می‌کند.

## برگزاری تظاهرات و سخنرانی

### بمناسبت هفته خلق سلاح در هند

رفقای سازمان با کمک‌یاری هواداران نیروها و سازمان‌های مترقی و به مناسبت هفته خلق سلاح مراسم باشکوهی در بنگلر هند برپا کردند.

برای برگزاری این مراسم که شامل تظاهرات و جلسات بحث و سخنرانی می‌گردد، کمیته‌ای متشکل از نمایندگان جبهه خلق برای آزادی فلسطین (به رهبری حرج حبش) و جبهه دموکراتیک خلق برای آزادی فلسطین، جوانان دموکرات حزب توده ایران، حزب کمونیست هند، اتحادیه ملی دانشجویان بحرینی و هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تشکیل شد. رفقای ایرانی، فلسطینی، هندی و بحرینی دست در دست یکدیگر با شعارهای مرگ بر آمریکا، مرگ بر صدام، زنده باد صلح، بعب نوترونی نه!، زنده باد دوستداران صلح، زنده باد خمینی آغاز به راهپیمایی کردند و پس از طی مسافتی به سالن محل برگزاری جلسه وارد شدند. جلسه با سخنرانی یکی از رفقای هوادار سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" شروع به کار کرد. رفیق در سخنرانی خود نقش صلح‌جهانی در گسترش جنبش‌های رهایی‌بخش را بازگو کرد و درباره اهمیت جهانی خلق سلاح عمومی سخن گفت. رفقای هوادار حزب توده و رفقای فلسطینی و بحرینی نیز در این زمینه و همچنین افشا توطئه‌های امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا سخن گفتند. در طول برگزاری مراسم سالن مملو از جمعیت بود و حاضرین

با استقبال پرشور از سخنرانی‌ها، شعارهای "مرگ بر آمریکا" و "زنده باد انقلاب ایران" می‌دادند. لازم به یادآوری است که این نخستین بار بود که جنبش کمتهای در رابطه با خلق سلاح، دفاع از صلح جهانی و افشای توطئه‌های امپریالیسم آمریکا تشکیل می‌شد.

## "دیپلماسی مسلح"

### امپریالیسم آمریکا

### محکوم به شکست است

هواداران حزب توده ایران در لوس آنجلس، با انتشار اعلامیه‌های تحریکات و تحاوتات امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه را محکوم کرده‌اند و از نیروها و جریانهای مترقی ملیت‌های خاورمیانه مقیم ایالات متحده دعوت به عمل آورده‌اند که همبسته با جنبش ضد امپریالیستی مردم ایران، تبلیغات مسموم کننده امپریالیستی را خنثی سازند.

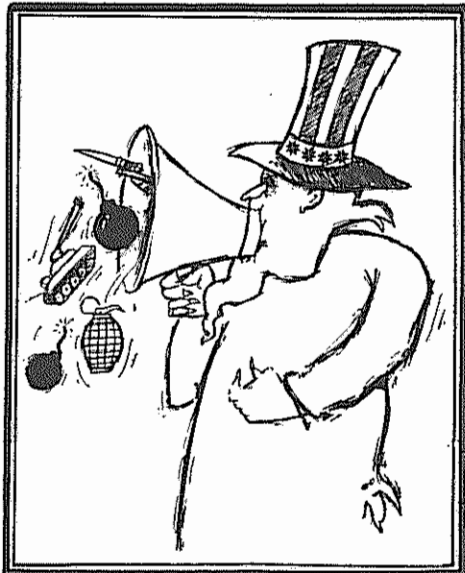
در این اعلامیه به گسترش مبارزات ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی خلقهای خاورمیانه و سایر خلق‌های جهان در راه صلح، آزادی، استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی و همچنین توطئه‌های روزافزون امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا اشاره شده است. در قسمتی از اعلامیه آمده است:

"امپریالیسم جهان‌خوار آمریکا در صدد است دست در دست دولت صهیونیستی اسرائیل و سایر وابستگان خود در منطقه، کنترل کامل خلیج فارس را برای ادامه غارت منافع نفتی به هر قیمتی شده در دست گیرد. امپریالیسم آمریکا با نقض آشکار قوانین بین‌المللی و تهدید استقلال کشورهای منطقه و رد پیشنهادهای سازنده اتحاد شوروی برای برقراری صلح دائم در خاورمیانه، و تحت عنوان دروغین مقابله با "خطر شوروی" می‌کوشد از راه استقرار نیروهای واکنش سریع، تفرقه اندازی، افزایش فروش اسلحه به وابستگان خود، احداث پایگاه‌های نظامی در خاورمیانه و اقیانوس هند به اهداف تسلط طلبانه و توسعه طلبانه‌اش در خلیج فارس، که آنرا "منطقه منافع حیاتی" خود اعلام کرده، جامه عمل بپوشاند. مانورهای متعدد ارتش آمریکا در خاورمیانه، فروش سلاحهای پیشرفته به عربستان سعودی، مصر، اسرائیل و کشورهای ارجاعی دیگر در منطقه، برنامه پنج ساله نوسازی و ساختمان پایگاههای نظامی در اطراف خلیج فارس، تجساز نظامی به تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران و حریم هوایی و دریایی جمهوری عربی سوسیالیستی لیبی، توطئه تجاوز رژیم صدام خائن به جمهوری اسلامی ایران، تأکید کشتارهای صهیونیستها و فالانژیستها از خلق فلسطین و لبنان مویذ "دیپلماسی مسلح" امپریالیسم آمریکا در منطقه است.

در اعلامیه همچنین آمده است که:

"هواداران انقلاب ایران در اتحاد با سایر نیروهای ضد امپریالیسم با کارایی بهتری می‌توانند از جنایات امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه و بویژه در جمهوری اسلامی ایران افشاگری کنند و انقلاب ایران به رهبری امام خمینی را به مردم ایالات متحده بشناسانند.

هواداران حزب توده ایران در لوس آنجلس در راه تعمیق و گسترش همکاری نیروهای ضد امپریالیست ملیت‌های خاورمیانه و جنبش‌های مترقی دیگر همواره می‌کوشند و معتقدند که مبارزات یکپارچه ما در افشای جنایات امپریالیسم، صهیونیسم و وابستگان آنان در منطقه و نیز شناساندن مبارزات حق طلبانه خلق‌های محروم خاورمیانه به ویژه خلق قهرمان فلسطین کارایی و وسعت بیشتری می‌یابد.



# کوبا: تعمیق انقلاب بر بستر اراده توده‌ها

نوشته زیر به مناسبت اول ژانویه سالروز ملی کشور قهرمان کوبا تهیه شده است. سازمان ما در بیست و سومین سالگرد انقلاب ظفرمند و سعادت‌آفرین مردم‌مزمزنده کوبا، برای تلاش این مردم سرافراز و رهبر شایسته آن رفیق فیدل کاسترو، در راه تحکیم سوسیالیسم در کوبای انقلابی آزروی موفقیت‌های بازم بیشتر را می‌نماید.

## ویژگی بارز انقلاب کوبا:

تاریخ انقلابات جهان همگی گواه بر این موضوعند که هرگاه اراده کرده‌اند انقلاب عمیق می‌یابند، تا بدانجا که به ثمر نشینند و آبدیده گردند و آهنگین به پیش نازند. در میان انقلابات جهان، انقلاب مردمی کوبا، از ویژگی‌های مشخصی برخوردار است.

ی از بارزترین ویژگی‌های انقلاب کوبا، همانا موفقیت جغرافیایی آن است. کوبا در جنوب فلوریدا، در جنوب تنگه فلوریدا و در یک کلام در دل آمریکا واقع است. انقلاب در کوبا به عبارتی دیگر بیانگر اراده عظیم توده‌هاست، در جزیره کوچک کوبا و در عین حال نمایشگر ضعف و خواری تاریخی دشمن است در سرزمین پهن‌آوری چون آمریکا. امپریالیسم آمریکا در سرکوب نهضت‌های آزادیخواهانه بشری، تاکنون نهضت‌های بسیاری را در خون غرقه کرده است. آمریکای جنایتکار آنجا که در برابر اراده توده‌ها قرار گرفته، با آنکه هر آنچه در توان داشته‌کرده و هر بار توطئه جدیدی سازمانده است و می‌نماید، اما هر بار عاجزتر، از پهنه مضاف خارج شده است. امروزه دیگر جای هیچ شکی نیست که هرگاه که اراده توده‌ها بر بستر قانونمندی‌های تاریخ استوار باشد و عزم تعمیق انقلاب را بکند، هیچ نیرویی در جهان توان متوقف ساختن آنرا ندارد، و انقلاب بگونه‌ای شکست‌ناپذیر به پیش می‌نازد.

اهمیت انقلاب کوبا، همانا در نقش پیشقراولی آن در نیم‌کره غربی است. امپریالیسم جهانی در اثر ضربات وارده ناشی از وقوع انقلاب در کوبا، در آنجا که انقلاب در کوبا در مرزهای جغرافیایی آن محدود نمی‌ماند و خبر این ظفر همراه هر موج دریای کارائیب باعث قوت‌بخشیدن به مبارزات خلق‌های تحت ستم آمریکای لاتین و همراه هر موج اقیانوس اطلس باعث تقویت جنبه جهانی انقلاب علیه امپریالیسم جهانی و متحدین مرتجعش در سراسر گیتی می‌گردد. لئونید برژنف در باره انقلاب کوبا خاطرنشان ساخت که:

"کوبا نخستین کشور سوسیالیستی نیم‌کره غربی است، نقش تاریخی و مسئولیت تاریخی او در همین جاست."

و درست به همین دلیل است که آمریکای جنایتکار، از همان لحظه نخست پیروزی انقلاب در اول ژانویه سال ۱۹۵۹، تمام تلاش خود را به کار گرفت تا تولید انقلاب کوبا را مسخ کند، تا شاید دولتی "معتدل و میانه‌رو" را بر سر کار بیاورد. انقلاب را از مضمون عمیق دموکراتیک‌اش نهی سازد، و در واقع انقلاب را نابود سازد. آمریکای جهان‌خوار در راه این امر، به هر توطئه‌ای دست

جست و هرایده نو و کهنه‌ای را بکار گرفت. اما هر بار که توده مردم کوبا از بیکار با دسیسه‌ها و توطئه‌های آمریکا و متحدینش سرافراز برون آمد، موج انقلاب کوبا وسیع‌تر رفت و نقش آن فزونی گرفت.

انقلاب و جنبش کارگری در منطقه نیم‌کره غربی سخت از انقلاب کوبا تاثیر گرفتند. از آن بین می‌توان برای مثال به رشد عنصر اعتصاب‌درآمریکای لاتین اشاره کرد. شمار کل اعتصاب‌کنندگان آمریکای لاتین در سال ۱۹۵۸، بالغ بر ۱۱/۸ میلیون نفر بود، حال آنکه پیروزی انقلاب کوبا در سال ۱۹۵۹، باعث گشت که تعداد اعتصاب‌کنندگان آمریکای لاتین نزدیک به دو برابر افزایش یابد و بالغ بر ۲۰ میلیون گردد. وقوع انقلابات ضد امپریالیستی در پاناما، وینو، رشد جنبش انقلابی در بولیوی، اکوادور و دومینیکن از تاثیرات اولیه و عمیق انقلاب کوبا به شمار می‌روند.

## خلق کوبا توطئه‌های امپریالیسم را درهم می‌شکند و انقلاب خود را عمیق‌تر می‌بخشد.

کوبای قبل از انقلاب، کشوری تک‌محصولی بود و عمده تولید داخلی آن که در عین حال عمده‌ترین بخش صادرات کوبا را تشکیل می‌داد، شکر بود. در مقابل، ضروری‌ترین کالاها را مورد نیاز خلق کوبا از خارج و عمدتاً "توسط کشورهای امپریالیستی بویژه آمریکا تأمین می‌شد. کوبا که شکر صادر می‌کرد خود محتاج ضروری‌ترین کالاها، از قبیل مواد غذایی، مواد دارویی، لوازم قطعات یدکی ماشین‌آلات و ... بود.

انحصارات آمریکا و سرمایه‌مالی آمریکایی اقتصاد کوبا را به مسیر وابستگی کامل سوق داده بودند. کنسرن‌های آمریکایی بیش از ۳۰ درصد کشتزارهای نیشکر و بخش عمده منابع زیرزمینی کوبا و به ویژه معادن نیکل این کشور را در تملک واقعی خویش داشتند.

کوبای پیش از انقلاب در زیر سیطره حکومت‌های دیکتاتوری "ماچادو" و "باتیستا" هم از لحاظ مادی و هم از حیث معنوی غارت می‌شد. در کوبای پیش از انقلاب فقر و فلاکت، بیکاری و بیسوادی و دیگر مصائب اجتماعی حاکم بود. و چنین بود که کوبای پس از انقلاب راه دشواری در پیش داشت کوبای انقلابی از دو جهت در فشار بود، جهت اول اینکه می‌بایست، توطئه‌ها و دسیسه‌های گسترده آمریکا و متحدینش را خنثی سازد و از جهت دوم می‌بایست بر عقب‌ماندگی‌ها و عواقب شوم سلطه استعمار کهن اسپانیا و استعمار نوین آمریکا، فائق آید. خلق کوبا در هر دو جهت بموازات هم به پیش

ناخت و سر بلند از این مبارزات بیرون آمد و امروزه نیز در هر دو جهت با عزم آهنین و با اتکا به قدرت توده‌ها به پیش می‌نازد. رفیق فیدل کاسترو، فشار ناشی از توطئه‌گری و دسیسه‌چینی آمریکای جهان‌خوار را در تمامی سالهای پس از انقلاب چنین تصویر می‌کند.

"امپریالیسم آمریکا تمامی نیروی کینه خود را علیه خلق کوبا رها کرده است. محاصره اقتصادی شدیدی نزدیک به ۲۰ سال است که علیه کشور ما ادامه دارد. یک پایگاه نظامی خارجی در خاک، ما استقرار یافته و اراده و حاکمیت خلق ما مورد تجاوز قرار گرفته است. در تمام این سالها مجموعه‌ای از دسیسه‌ها و عملیات خرابکاری، براندازی و تجاوز بی‌توقف ادامه داشته است. در بالاترین محافل حکومتی ایالات متحده نقشه‌های شومی برای ترور رهبران انقلاب طرح شده و به مرحله اجرا درآمده است. این واقعیتی است که خود طراحان آن آشکارا بدان اذعان کرده‌اند. هیچ شیوه و روشی هر چند ناجوانمردانه و غیرقانونی وجود ندارد که ایالات متحده آمریکا علیه کشور ما به کار نبرده باشد."

آمریکا به عنوان اولین توطئه، خرید شکر از کوبا را تحریم کرد. اما در مقابل دولت انقلابی کوبا کنسرن‌های آمریکایی را که بر ۳۰ درصد کشتزارهای نیشکر کوبایی تسلط داشتند، ملی اعلام نمود و اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی با خرید شکر از کوبا، این توطئه آمریکا را درهم شکستند. آمریکا به عنوان دوشین توطئه از فروش مواد غذایی، سوختی و دارویی و از صدور لوازم یدکی به کوبا خودداری نمود. دولت انقلابی کوبا در پاسخ، ۱۶۶ شرکت آمریکایی را ملی اعلام نمود و با اتکا به اراده آهنین مردم کوبا و با همکاری کشورهای سوسیالیستی این توطئه دیگر را نیز درهم شکستند. از آنروز تا به امروز که قریب به ربع قرن می‌گذرد، تحریم اقتصادی آمریکا، علیه کوبا ادامه نداد، اما نه تنها کوبا سازش نکرد بلکه توانست انقلاب خود را عمیق‌تر بخشد و صنایع سنگین را پی‌ریزی کرده، تولید صنعتی و کشاورزی خود را افزایش دهد.

آمریکا در توطئه‌های دیگر به سازماندهی دهها گروه ضد انقلابی که هدف ترور و ارباب و ایجاد جو ناامنی را دنبال می‌کردند، پرداخت. آمریکا در توطئه‌های دیگر در خلیج خوکها، نیروی مسلح پیاده کرد. آمریکا قصد اشغال بخشی از کوبا و اعلام حکومت موقت را نمود و در آوریل ۱۹۶۲ قصد مداخله مستقیم نظامی را دنبال کرد و بعد هم پایگاه‌های نظامی در آمریکا مرکزی و فلوریدا احداث نمود، اما در همه حال اراده خلق کوبا، در انجام اصلاحات بنیادین اجتماعی، بر بستر همبستگی جهانی نیروهای انقلابی، به پیش رفت و توطئه‌های آمریکا نیز بر همین بستر درهم شکست.

به موازات توطئه‌گری آمریکا دولت کوبا دست به اصلاحات اجتماعی اساسی زد. اصلاحات ارضی واقعی در کوبا از همان ابتدا در دستور کار قرار گرفت. در صورتیکه پیش از انقلاب میزان زمین پاره‌ای از بزرگ مالکین به ۲۲۷/۰۰۰ هکتار بالغ می‌شد، اصلاحات ارضی رانیکال، حداکثر میزان تملک زمین را ۶۷ هکتار تعیین کرد. امروزه بر قریب ۸۰ درصد زمینهای کشاورزی کوبا، مناسبات سوسیالیستی حکمفرماست.

هرچند که تحریم اقتصادی آمریکا، اعمال می‌شد،

بقیه در صفحه ۱۳

# مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

به دعوت وزارت امور خارجه افغانستان

برای درهم شکستن توطئه‌های امریکا

پاسخ مثبت دهید!

مبارزه بی‌امان علیه امپریالیسم به منظور تحکیم آزادی و استقلال و تأمین عدالت اجتماعی، هدف واحد و مشترک مردم انقلابی دو کشور ایران و افغانستان است و از اینروست که هم جمهوری اسلامی ایران و هم جمهوری دموکراتیک افغانستان، تا این حد مورد حملات وحشیانه امپریالیست‌ها و مرتجعین منطقه قرار دارند.

فرار خواهد داد. این خطر مخصوصاً وقتی بیشتر احساس می‌شود که توجه داشته باشیم در لحظه کنونی تنها مرزهای قابل اطمینان جمهوری اسلامی ایران مرزهایی است که با اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری دموکراتیک افغانستان داریم. با توجه به واقعیات خطر روزافزون امپریالیسم جهانی و متحدان مرتجع آن در منطقه و ضرورت اتحاد همه دولت‌های ترقیخواه و ضد امپریالیست است که بازم تاکید می‌کنیم، در این لحظه حساس و تاریخی که برای چندمین بار از طرف جمهوری دموکراتیک افغانستان دست دوستی و همکاری به سوی ما دراز شده است، این دست‌ها را صمیمانه بشاریم و در جهت برقراری روابط دوستانه بین دو کشور ایران و افغانستان بیش از پیش کوشا باشیم. بدون شک تحکیم و گسترش وحدت صفوف نیروهای انقلابی ایران و افغانستان، مستقیماً هم اقدامی در جهت دفاع از انقلاب ایران و رژیم‌های مترقی و مردمی در منطقه است و هم به تحکیم صلح و آرامش در منطقه و خنثی کردن توطئه‌های امپریالیسم امریکا برای حضور و تجاوز نظامی در منطقه کمک خواهد کرد.

در منطقه و همین‌طور تضعیف انقلاب در یک کشور سرنوشتی حکومت مترقی و مردمی آن به ضرر و زیان انقلاب و رژیم‌های مترقی و انقلابی در منطقه است. بر اساس اسناد شواهد و مدارک فراوان بارها و بارها اعلام کرده‌ایم، تضعیف انقلاب افغانستان و سرنوشتی حکومت مترقی و مردمی آن که خیال خام امپریالیسم و متحدان آن است، تنها به نفع ایران نیست بلکه منافع انقلاب و مردم ایران را دقیقاً و بطور بسیار جدی در معرض خطر

همین دلیل هم هست که هم انقلاب ایران و هم انقلاب افغانستان تا این حد مورد حملات وحشیانه امپریالیست‌ها و مرتجعین منطقه قرار گرفته است. ما بارها بر این حقیقت پافشارده‌ایم که تنها اتحاد همه دولت‌های ترقیخواه و ضد امپریالیست منطقه، نیرومندترین ضامن مقابله با سیاست تجاوز امپریالیسم و رژیم‌های دشت‌نشانده آن است. جمهوری اسلامی باید این حقیقت را درک کند که تضعیف جبهه متحد نیروهای انقلابی و مترقی

افغانستان را درست ارزیابی کند. باید تشخیص دهد وقوع انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی در افغانستان به همان اندازه واقعیت و عینیت دارد که وقوع انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی در ایران. چرا که تمامی مدارک و شواهد موید این واقعیت هستند. انقلاب در هر دو کشور افغانستان و ایران هدف واحدی را دنبال کرده و خواهد کرد و آن مبارزه‌ای بی‌امان علیه سلطه امپریالیسم به منظور کسب آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی است. درست به

در اوایل پانزده ماه سال جاری، وزارت امور خارجه جمهوری دموکراتیک افغانستان بار دیگر از رهبران انقلاب ایران دعوت کرد جنبه واقعا ضد امپریالیستی انقلاب آوریل ۱۹۷۸ افغانستان را به نحوی صحیح ارزیابی کنند. همچنین اظهار امیدواری شده است که ایران دست دوستی و همکاری افغانستان برای مبارزه مشترک در راه دفاع از انقلاب ایران و افغانستان را بشارد. بدون شک در این مقطع حساس و بحرانی که تمامی مدارک و شواهد نشاندهنده آن است که امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا عزم جزم کرده است با همدستی و حمایت دولت‌های مرتجع و دست‌نشانده منطقه رژیم‌های انقلابی و مردمی حاکم بر ایران و افغانستان را براندازد، شایسته است پیشنهاد منطقی و ترقیخواهانه جمهوری دموکراتیک افغانستان که در جهت منافع و مصالح انقلاب در هر دو کشور و منطقه است مورد توجه جدی و مسئولانه مقامات جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته و گام‌های عملی در جهت تحقق آن بردارند. امروز دیگر وقت آن رسیده است که دولت جمهوری اسلامی ایران واقعیات انقلاب

" شما در یک انقلاب واقعی زندگی می‌کنید. انقلاب مردم شکست نمی‌خورد، لکن قدرت باید متمرکز باشد... ما از نخستین کشورهای بودیم که به انقلاب شما درود گفتیم." (فیدل کاسترو - کنفرانس بین‌المجالس)

" در ایران یک انقلاب مردمی به وقوع پیوسته است - وظیفه ما پشتیبانی و آبراز همبستگی با ایران است." (فیدل کاسترو - اول ماه مه ۱۹۸۰، هاوانا)

کوبای انقلابی ثابت کرد که می‌تواند و باید برای درهم شکستن توطئه‌های امپریالیسم و عوامل داخلی آن، دست به اقدامات بنیادین اجتماعی زد و عدالت اجتماعی را برقرار ساخت. کوبای انقلابی بار دیگر این حقیقت تائید را ثابت کرد که تعمیق انقلاب در گروه‌شناخت صحیح دوستان و دشمنان انقلاب است.

نیروهای انقلابی جهان قرار گرفت و از همه نهضت‌های رهایی‌بخش چه انقلاب فلسطین و چه آرمان اعراب حمایت‌بیدریخ نمود و همه جان‌کنار دولت‌های نوپیداد و مترقی جهان با امپریالیسم جهانی، به نبرد برخاست.

کوبای سوسیالیستی، پشتیبان جدی ایران انقلابی است.

حمایت‌های کوبا از انقلاب ایران نیز بر همین بستر واقع است. فیدل کاسترو درباره انقلاب ایران تصریح کرد که:

از صفحه ۱۲ کوبا..

ما انقلاب در کوبا تعمیق می‌یافت. در صنعت، تولید فولاد در کوبا در فاصله زمانی ۱۹۵۸ تا ۱۹۸۰ نزدیک به ۱۷ برابر افزایش یافته است، استخراج نیکل دو برابر شده است، تولید سیمان چهار برابر، پارچه سه برابر و کود شیمیایی نزدیک به ۶ برابر افزایش یافته است.

در کوبای پیش از انقلاب، بیکاری در حدود ۷۰۰/۰۰۰ نفر بود، حال آنکه در کوبای امروز سالهاست که بیکاری وجود ندارد. بیسوادانی طی برنامه‌های فشرده و انقلابی بگونه‌ای کم سابقه در کوبا طرد شده است و بهداشت رایگان در اختیار همگان قرار گرفته است.

کوبای انقلابی ثابت کرد که توطئه‌های امریکا در اراده، مردمش خللی ایجاد نمی‌کند. کوبای انقلابی ثابت کرد که می‌تواند و باید برای درهم شکستن این توطئه‌ها دست به اقدامات بنیادین اجتماعی زد و عدالت اجتماعی را برقرار ساخت. کوبای انقلابی بار دیگر ثابت کرد که تعمیق انقلاب در گروه‌شناخت صحیح دوستان و دشمنان انقلاب است. از همین روز با بدو پیروزی در کنار همه

گسسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا

### انتشار اساننامه را ارج بگذاریم و در راه استقـرار آن بکوشیم

اساننامه موقت  
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
سراسری - تهران  
۱۳۶۰

انتشار اساننامه موقت سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در شماره ۱۴۱ نشریه کار اعلام گردید. انتشار اساننامه به عنوان یکی از اسناد اساسی سازمان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است لذا لازم دیدیم در این شماره نشریه کار مختصری پیرامون آن توضیح دهیم:

بنیانگذاران سوسالیسم علمی نشان دادند کسسه‌هایی طبقه کارگر درگرو نابودی نظام سرمایه‌داری است طبقه کارگر برای انجام رسالت تاریخی خود می‌باید در اتحاد تنگاتنگ با سایر اقشار خلق، نظام کهن و پوسیده سرمایه‌داری را نابود ساخته و به پی‌ریزی نظام نوین یعنی سوسالیسم بپردازد برای انجام این رسالت تاریخی طبقه کارگر نیازمند سازمانی است که در مقابل بورژوازی استادگی کرده و توده‌ها را در مبارزه سرنوشت‌ساز رهبری نماید. لنین در اثر فناناپذیر خود: یک گام به پیش دوگام به پس در اهمیت این مساله می‌گوید:

" پرولتاریا در مبارزه برای بدست گرفتن قدرت حاکمه سلاح دیگری جز سازمان ندارد پرولتاریا که به علت وجود رقابت پر هرج و مرج جهان بورژوازی، همواره دستخوش پراگندگی است و پشش در زیر بار گاراجباری برای سرمایه دوتا شده و دانشا به "عمیق فقر و مسکنت کامل نگویند می‌شود، به حالت بهمیمی وانحطاط درمی‌آید، فقط در سایه آن می‌تواند به نیرویی غلبه‌ناپذیر مبدل گردد و حتما مبدل خواهد شد. که اتحاد معنوی وی که مبتنی بر اصول مارکسیسم است به وسیله وحدت مادی سازمان، که میلیونها زحمتکش را در ارتش طبقه کارگر به یکدیگر می‌پیوندند تحکیم گردد"

#### سازمان پرولتاریا - سازمان بورژوازی

امر ایجاد سازمان سیاسی تنها مربوط به پرولتاریا نیست. بورژوازی نیز برای انجام نیات خود احتیاج به سازمان سیاسی دارد. ولی بورژوازی در ایجاد سازمان‌های خود از اصولی پیروی می‌نماید که در آن جایی برای دخالت توده‌ها وجود ندارد. در احزاب بورژوازی توده‌ها نقش واقعی خورا برعهده ندارند. آنها در عمل بیرون بی‌اراده رهبرانند. رهبران این احزاب همه قدرت و امکانات را در دست داشته و سیاست‌های حزب را خودسرانه در جهت منافع بورژوازی پیش می‌برند. آنها به اراده و نظر نیروهای حزب واقعی نمی‌گذارند. سازماندهی این احزاب به‌گونه‌ای است که اعضا نمی‌توانند در سرنوشت حزب سهیم شوند و بر آن تاثیر گذارند. توسط این احزاب تلاش برای ایجاد شکل‌های واقعی زحمتکشان صورت نمی‌گیرد در آنها خبری از تشکیل اجلاس‌های منظم نیست شرط پذیرش عضویت، فعالیت در یکی از ارگان‌های حزب نمی‌باشد و لذا ضروری نیست که اعضا در جلسات حزبی شرکت کنند و در تصمیم‌گیری‌ها شرکت نمایند. برای احزاب

بورژوازی آنچه که مطرح است، رای اعضا به هنگام انتخابات می‌باشد. به بیان دیگر چیزی که برای بورژوازی واجد اهمیت است، نه دخالت دادن اعضا، در حیات حزب بلکه پیاده کردن آنچه‌ا دیکتاتوری است که تنها رهبران بتوانند اعمال اراده کنند. بنیان احزاب بورژوازی بر دیکتاتوری بنا نهاده‌شده در آن جایی برای دموکراسی واقعی وجود ندارد.

در سازمان‌های متشکل از انقلابیون خرده‌بورژوازی نیز به لحاظ مضمون حرکتی آن امکانی برای اعمال اراده توده وجود ندارد. زیرا که در اینگونه سازمان‌ها اعتقادی بر نقش تعیین کننده توده‌ها در انقلاب وجود ندارد. تنها اعمال رهبران است که می‌تواند توده‌ها را به حرکت درآورد. توده‌ها به عنوان نیروی بدون اراده به دنبال "رهبران" رهسپارند "رهبر" موتور کوچکی است که امکان حرکت موتور بزرگ یعنی توده را فراهم می‌آورد. بالطبع چنین نگرشی خود راه سازماندهی توده‌ها ملزم نمی‌بیند و آن اصولی را بکار نمی‌گیرد که کاربست آن در سازماندهی توده‌ها ضروری است انقلابیون غیرپرولتری به آنچنان سازمانی نیازمندند که تنها بتوانند شکلی متحرک، کوچک و جدا از توده بوجود آورند. به‌گونه‌ای که سازمانگر عملیات "قهرمانانه" آنها باشد نه مبارزات توده‌ها این نوع سازمانگری مبتنی بر اصول سازمان توطئه‌گر می‌باشد.

در مورد سازمان سیاسی طبقه کارگر وضع به گونه دیگری است. سازمان سیاسی طبقه کارگر نه چون احزاب بورژوازی برای جمع‌آوری آراء اعضا خود و فرستادن نماینده بیشتر به پارلمان و نه چون احزاب خرده‌بورژوازی بر پایه عملیات "قهرمانانه" و توطئه‌گرانه بوجود آمده است. سازمان پرولتاریا سازمانگر اقدام انقلابی توده‌هاست، سازمانی برای سرنگونی بورژوازی و استقرار سوسالیسم است. پرولتاریا برای انجام این هدف مقدس نیازمند آنچنان سازمانی است که تئوری‌های علمی امر سازماندهی را بکار بندد و بر عالی‌ترین اصول و موازین سازمانی - یعنی سنترالیسم دموکراتیک - متکی باشد. پرولتاریا می‌باید در مبارزه طبقاتی به چنان سازمان رزمنده‌ای مجهز شود که با تامین وحدت اراده و عمل چون تن یکپارچه در مقابل بورژوازی بایستد و بر آن فائق آید.

سازمان رزمنده که همان سازمان سیاسی طبقه کارگر می‌باشد، نه تنها متشکل از پیشروترین و آگاه‌ترین عناصر از بین طبقه کارگر و سایر زحمتکشان می‌باشد، بلکه به عنوان بخش متشکل طبقه کارگر نیز هست. لنینس می‌گفت نیروی صد نفر، چنانچه دارای شکل بهتر باشند، بیش از نیروی هزار نفر خواهد بود. این واقعیتی است که سازماندهی، نیروی حزب را دو برابر افزایش می‌دهد.

لنین، با تاکید بر اینکه برای نیروهای انقلابی شکل کافی دارای اهمیت ویژه‌ای است نوشت که "پرولتاریا تنها زمانی که وحدت ایدئولوژیک خود بر مبنای مارکسیسم را با وحدت تشکیلاتی مشخص مستحکم سازد، می‌تواند به یک منبع نیروی شکست‌ناپذیر بدل گردد. ارتشی که قوانین کهنه‌شده سرمایه بین‌المللی قادر به مقاومت در برابر آن نخواهد بود"

اگر وحدت اراده در سایه وحدت فکری امکان‌پذیر است، وحدت عمل تنها زمانی دست‌یافتنی است که مقررات و موازین لنینی در سازمان بکار گرفته شود. این مقررات و موازین در اساننامه حزب با سازمان پرولتری متجلی می‌شود. اساننامه متکی است بر اصول تشکیلات حزب و اشکال و روش‌های فعالیت آن. در اساننامه اصول و موازین زندگی درون سازمان ساخت تشکیلاتی و شیوه‌های عمل آن معین می‌شود.

برنامه و اساننامه در ارتباط ارگانیک با یکدیگر قرار دارند. اگر برنامه نشان‌دهنده امکانات موجود در جهت تحقق آماج‌های سازمان می‌باشد اساننامه مبین اصول سازمانی و شیوه‌های فعالیتی است که تحقق آن آماج‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد. اساننامه به عنوان یکی از اسناد مهم هر حزب و سازمان تلقی می‌گردد. زیرا اگر پذیرش اصول مارکسیسم - لنینیسم و اعتقاد به برنامه واحد شالوده وحدت فکری می‌باشد، اساننامه پایه و مبنای وحدت سازمانی به حساب می‌آید.

#### اساننامه سازمان، غلبه لنینیسم در عرصه سازمانی

اساننامه سازمان تدوین و انتشار یافته است. اما این آسان بدست نیامده‌است. اساننامه سازمان که بزرگترین پیروزی سازمان ما در عرصه تشکیلات و اصول سازمانی است در طی مبارزه‌های بی‌امان و خستگی‌ناپذیر با انواع گرایش‌های انحرافی تدوین و در پلنوم مرداد ماه ۱۳۶۰ تصویب رسید. تدوین این اساننامه بدون تردید یکی از درخشان‌ترین موفقیت‌های کمیته مرکزی سازمان و همه رفقای ما بوده است. برای تصویب این اساننامه که پیروزی لنینیسم در عرصه تشکیلاتی بود طی ۳ سال راهی دشوار و سخت پیموده شد و تصویب آن یکی دیگر از خدمات بزرگ پلنوم مرداد ماه ۶۰ به جنبش کمونیستی ایران است.

سازمان ما قبل از قیام بهمن ماه به‌لحاظ مضمون فعالیتش که همان اعمال قهر پیشرو بود نمی‌توانست اصول و موازین لنینی حزب را بکار گیرد. بر سازمانی که به عنوان دسته متشکل و جدا از توده با ساخت "واحدهای تیغی" فعالیت می‌کرد، بالطبع اصول و موازین سازمان چریکی حاکم بود و تمام نیروها و امکانات در راستای انجام عملیات نظامی بکار گرفته می‌شد. اساس سازماندهی در گذشته متکی بر اعمال قهر پیشرو بود و برای فعالیت آگاه‌گرانه و سازماندهی توده‌ها جایی وجود نداشت.

سازمان پس از پیروزی انقلاب از یک دسته کوچک و جدا از توده به یک سازمان سراسری که در بین مردم از حیثیت و اعتبار برخوردار است، بدل شد. طبیعی بود که مقررات و موازین چریکی نمی‌توانست پاسخگوی فعالیت‌های پس از انقلاب باشد، زیرا که مضمون فعالیت دگرگون شده بود. سازمان را دیگر عده معدودی تشکیل نمی‌دادند. نیروی عظیمی گرد آمده بود، نقش

از صفحه ۱۴

سازمان در حیات سیاسی جامعه فزونی یافته و در جهت متشکل ساختن طبقه کارگر گام‌های اساسی برداشته می‌شد. مضمون جدید فعالیت و گسترش تشکیلات سازماندهی جدیدی را طلب می‌کرد. اشکال کهن سازماندهی که بر اعمال تهر پیشرو متکی بود می‌بایست بدور انداخته شود و اشکال جدید سازمانی برپایه تحولات درخشان سازمان، که پیروزمندانه به فرجام می‌رسید، بوجود آید.

کوشش‌های سازمان برای دستیابی به علم سازمانگری حزبی راه همواری نبوده است. تحول در امر سازماندهی نمی‌توانست جدا از دگرگونی‌های ایدئولوژیک و سیاسی سازمان صورت گیرد. تصحیح نگرش سازمان در اصول تئوریک پذیرش جنبش جهانی کمونیستی و سوسیالیسم واقفا موجود، ارزیابی علمی و همه‌جانبه از انقلاب و خط ضدامپریالیستی و مردمی اسام، خمینی و ضرورت‌های ناشی از پشتیبانی قاطع از جمهوری اسلامی، در تمام زمینه‌های فعالیت سازمان منعکس شد. این دگرگونی‌ها شرایط مساعدی را برای تغییر دیدگاه‌های حاکم بر امر سازماندهی بوجود آورد و سازمان در نبرد با اندیشه‌های انحرافی توانست بر علم سازمانگری حزبی آگاهی یابد و آن را در تشکیلات خود بکار گیرد.

آگاهی بر علم سازمانگری حزبی می‌بایست در سندهای سازمانی متجلی گردد اصول و موازین آن مدون گشته و مبنای ساختمان تشکیلات و مناسبات درون سازمانی قرار گیرد. رهبری سازمان برای حصول به این مقصد تدارکات لازم را فراهم دید و در جهت تدوین اسانامه همت گماشت. در پلنوم تاریخی مرداد ماه کمیته مرکزی سازمان طرح تدوین شده اسانامه به اتفاق آراء به تصویب رسید. تصویب اسانامه در پلنوم مرداد ماه پیروزی قطعی لنینیسم در عرصه تشکیلاتی بود. پلنوم مرداد ماه از این نظر نیز در تاریخ حیات سازمان ما یک پلنوم تاریخی است. اسانامه سازمان که هم‌اکنون انتشار بیرونی پیدا کرده است حاصل بهره‌گیری از دستاوردهای جنبش جهانی کمونیستی در زمینه سازماندهی حزبی و کاربست تجربیات سازمان در ۳ سال اخیر می‌باشد. اسانامه به عنوان یکی از اسناد مهم سازمانی نمی‌توانست با بکارگیری ساده تجربیات جنبش جهانی کمونیستی و پیرونی اسانامه سایر احزاب تدوین شود. بدون اغراق می‌توان گفت که این اسانامه فشرده دانش نظری و تجربه عملی سازمان ما را در خود منعکس کرده است و یک نمونه از انضباط خلاق مارکسیسم - لنینیسم است.

مسائل نظری امرسازماندهی به عنوان تئوری راهنمای عمل در تدوین اسانامه مدنظر قرار گرفته است. تلاش بر آن بوده است که مسائل نظری سازماندهی بر شرایط مشخص و سطح رشد آن تطبیق داده شود. یعنی اسانامه در عین حفظ اصولیت خود بر وضعیت موجود سازمان و سمت‌تحوالی آن ناظر باشد.

### در راه اجراء و استقرار اسانامه

اسانامه سازمان شامل چهارده فصل و ۷۶ ماده است در فصل اول آماج سازمان و ایدئولوژی و خصوصیات آن توضیح داده شده است اسانامه در مورد ایدئولوژی و ماهیت طبقاتی سازمان تصریح کرده است:

"سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

سازمان سیاسی طبقه کارگر ایران است که بر اساس تشکل داوطلبانه عناصر پیشرو طبقه کارگر، زحمتگشان شهری، روستایی و روشنفکران انقلابی که برنامه و اسانامه سازمان را می‌پذیرند و در راه تحقق آن پیکار می‌کنند تشکیل شده است سازمان از اصول جهش‌انتمول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری پیروی می‌کند و سعی وافر دارد که آن اصول را خلافتانه و در انطباق با شرایط جامعه ایران بکار گیرد"

فصول دیگر شامل: شرایط عضویت در سازمان وظایف و حقوق اعضا، انضباط سازمانی، اصل مرکزیت دموکراتیک، ساختار سازمانی و ... می‌باشد.

این اسانامه اکنون تصویب شده اما تا اجرای عملی آن در همه عرصه‌ها و زندگی روزمره سازمان هنوز راه باقی است. گذشت زمان و آموزش تئوری ناظر بر آن به سازمان کمک میکند تا آن را در عمل بیش از پیش بکار گیرد و موازین زندگی حزبی لنینی را در همه عرصه‌ها بر سازمان حاکم گرداند. آموزش جنبه‌های نظری و مشخص اسانامه از طرف تک‌تک کادرها، اعضا، رفقای تشکیلاتی و پای‌بندی همه رفاقا به آن، کمیته مرکزی سازمان مارا پاری خواهد کرد تا در استقرار و اجرای همه جانبه این اسانامه به موفقیت‌های بازم بیشتر نائل آید. در ادامه راه دشوار

و پیروزمندی که پیموده شده اکنون همه باید بکوشیم تا آنجان شرایطی فراهم آید و سازمان به آنجان سطحی از رشد و تکامل دست یابد که اجرای اسانامه در همه ابعادش امکان‌پذیر گردد.

اسانامه موقت سازمان هم‌اکنون در اختیار ماست این سند عالی‌ترین محصول گرانقدر مبارزات شورانگیز و افتخارآفرین نکتنگ رفقای ما و ودیعه گرانقدر همه کسانی است که از بدو تاسیس سازمان تاکنون با آرزمان کمونیسم و در راه کمونیسم پیکار کرده‌اند.

اراده آهنین و تصمیم خلل‌ناپذیر ما برای حفظ شایستگی‌هایمان به عنوان رزمندگان کمونیست در این سند تسجیل شده است. این سند همچنین اعتقاد و ایمان استوار و خدشه‌ناپذیر ما، به رزم پرشکوه کمونیستی و پای‌بندی همیشگی ما به این رزم را تاکید کرده و آموزش می‌دهد.

ایسن سند به منزله تثبیت تلاش‌ها و دستاوردهای درخشان ما برای استقرار یک نظم پرولتری سرشار از رفاقت، شکوفایی، خلاقیت و پیکار مشترک است. این سند از ما می‌طلبد موافقتی را که بر سر راه استقرار آن وجود دارد، با اتکا به خرد جمعی، کار مشترک و تلاش رفاقتانه از پیش پا برداریم.

انتشار اسانامه سازمان را ارجح گذارده و در راه استقرار تمام و کمال آن مجدانه بکوشیم

از صفحه ۴

## در شورای امنیت ...

"شورای امنیت" "عجالتا" به قطعنامه "شورا" درباره محکوم کردن تصمیم اسرائیل رای موافق دهد اما چنانکه "واشنگتن پست" روز شنبه ۲۸ آذرماه ۶۰ (۱۹ دسامبر ۸۱) گزارش داد، ایالات متحده امریکا قبلا از تصمیم دولت "تل‌آویو" درباره "ضمیمه‌سازی" بلندی‌های جولان آگاهی یافته ولی گامی برای جلوگیری از آن برنداشته بود. به نوشته این روزنامه:

"شیمون پرس رهبر حزب کارگر اسرائیل، یک هفته پیش از تصمیم اسرائیل به مقامات بلندی‌پایه دولت امریکا در این باره هشدار داده بود"

"واشنگتن پست" بدرستی می‌افزاید: "بدینسان ایالات متحده امریکا باید مسئولیت کامل خود را در برابر اقدام اسرائیل بپذیرد"

در این میان وزیر دفاع اسرائیل نیز در جریان جنگ لفظی میان امریکا و اسرائیل خاطرنشان ساخت که "واشنگتن" از تصمیم تل‌آویو

"کمپ‌دیوید" را که به ابتکار وزیر نظارت مستقیم ایالات متحده امریکا صورت گرفت. "پایه قانونی" تصمیم "الحاق" بلندی‌های جولان به خاک خود قرار داده است. اسحق شامییر وزیر خارجه اسرائیل چندی پیش گفت:

"از آنجا که قرارداد کمپ‌دیوید از بلندی‌های جولان نامی نمی‌برد، نمی‌توان به ضمیمه‌سازی آنها اعتراضی داشت" کارزار اعراب امریکا و اسرائیل علیه نیروهای پاسدار صلح سوری در لبنان سفرهای تهدیدآمیز فیلیپ حبیب - خاورمیانه، تسهکاری‌های تروریستی گروه وابسته به "سیا" ی "اخوان المسلمین" و قرارداد استراتژیک میان واشنگتن و "تل‌آویو" و غیره نمونه‌هایی دیگر از دسیسه‌های مشترک اسرائیل - امریکا علیه سوریه و در پیامد خود علیه جنبش‌های آزادیبخش خلق عرب است تنها اعتراض گسترده جهانیان سبب شد که نماینده امریکا در نشست آذرماه

درباره الحاق بلندی‌های جولان به خاک خود از پیش آگاه بوده است پس از "برآفتن" بگین از موضع‌گیری‌های ظاهری ریگان رئیس‌جمهور امریکا بیدرنگ به دلاری "پار" شتافت و اعلام داشت که دولت او کماکان وظیفه خود می‌داند، تا به تک همه‌جانبه خویش به اسرائیل ادامه دهد. مخالفت سرسختانه نماینده دولت امریکا در "شورای امنیت" با تحریم و مجازات اسرائیل بار دیگر سرشت مزورانه امپریالیسم ایالات متحده امریکا را به شوت می‌رساند. دولت ریگان از یک سو نیرنگ‌های خود را در راه جلوگیری از تحریم اسرائیل تجاوزگر به دیگر سرزمین‌ها بکار می‌بندد و از سوی دیگر هنگامی که دولت لهستان در چارچوب مرزهای سرزمین خود به دفاع از منافع خلق کشور خویش می‌پردازد، حتی یک لحظه درباره اعمال "مجازات" علیه لهستان و حتی اتحاد شوروی (!) درنگ به خود راه نمی‌دهد.

این موضع‌گیری‌ها به ظاهر متناقض است اما در واقع پایه مشترک دارد: امپریالیسم امریکا همیشه مداخله‌گر و تجاوزکار و پشتیبان مداخله و تجاوز بوده هست و خواهد بود چه دیروز در ویتنام و تیلی چه امروز در لهستان و سوریه و چه فردا در ...

# دولت، سیاست و قانون

## يك بحث نظری درباره سیاست و قانون و جنبه‌های اسلوبي مناسبات آن دو

رویدادهای انقلابی در بریتانیا ( سده هفدهم )  
فرانسه ( سده هیجدهم ) و آلمان ( سده نوزدهم )  
بیانگر روشن این امر است  
ساختارهای اقتصادی یکسان در همه حال  
نهادهای سیاسی و حقوقی یکسانی را نمی‌زایند  
فی‌المثل تفاوت‌های بسیاری مابین سیستم‌های  
سیاسی و حقوقی بریتانیا و فرانسه وجود دارد ،  
گرچه مناسبات تولیدی در هر دو کشور در اساس  
یکسان است .

مثال دیگر : عناصر رونای سیاسی - حقوقی  
در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و جمهوری  
دمکراتیک آلمان متفاوت اند ، اگرچه پایه  
اجتماعی - اقتصادی آنها از یک نوع است .  
چنین نیست که در همه حال ساختارهای تولیدی  
تکامل یافته‌تر سیستم‌های سیاسی و حقوقی  
رشد یافته‌تری را موجب گردند ( ایالات متحده  
امریکا و فرانسه را در نظر آورید )  
هر تحلیلی می‌بایست تنوع جامعه ، سیاست  
و سیستم حقوقی آن را مورد بررسی قرار دهد .  
مارکس زمانی خاطر نشان ساخت که مزه گندم به  
ما نمی‌گوید که آیا برده آن را تولید کرده ، یا  
رعیت ، یا کارگر مزدور .

مقایسه‌ای بین قوانین اساسی کشورهای  
سوسیالیستی و سرمایه‌داری نشان خواهد داد که  
برخی واژه‌های مورد استفاده در آنها حتی از  
نظر لغوی برهم منطبق اند ، اما این بدان معنی  
نیست که از نظر ماهیت و اهداف اجتماعی -  
سیاسی و حقوقی نیز برهم منطبق باشند .  
تکامل سیاست و قانون تحت تاثیر نیرومند  
ساختار اجتماعی ، ترکیب ملی یا اتنیک ( قومی )  
جمعیت ، سنن سیاسی ، شرایط جغرافیایی و  
غیراهست .

سیاست و قانون سریع‌تر از دیگر پدیده‌های  
معنوی و فرهنگی در برابر روندهای تولید ،  
تکنولوژی و مناسبات اجتماعی واکنش نشان  
می‌دهند ، زیرا فاصله بین اقتصاد و سیستم  
سیاسی - حقوقی کوتاه‌تر از فاصله مثلا اقتصاد و  
هنر است . البته این بدان معنا نیست که  
سیاست و قانون تنها توسط عوامل مادی معین  
می‌گردند . درحقیقت نهادهای سیاسی و قانونی  
دولت ، احزاب سیاسی ، سیستم قانونگذاری ،  
دکترین‌ها و غیره - تاثیر متقابل نیرومند و  
وسعی برهم می‌نهند .

به‌علاوه ، این تاثیرها پیشرفت جامعه رشد  
می‌کند . در این مورد کافی است از نقش اقتصادی  
دولت فتودالی در دوره انباشت نخستین سرمایه  
یاد کرد . لندن در اوائل دهه ۱۹۰۰ تاکید کرد  
که اقتصاد کشورهای پیشرفته بدون پشتیبانی  
دولت قادر به کار نیست . دانشمندان غربی  
سالها بعد ، با برخی تفاوت‌ها ، به همان نتیجه  
رسیدند .

امروزه کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری بدون  
مداخله دولت قادر به زندگی نیستند . آنچه که  
زمانی از لحاظ سیاسی یک ساختار خنثی بود  
اکنون نیروبی است که سازمان سیاسی و حقوقی  
جامعه را شکل می‌دهد . این " مداخله‌گری"  
دولت بورژوازی معاصر به مفاهیم اقتصادی‌ای

ناپدید نشد ، بلکه سرشت و خصلت آن دگرگون  
گشت نخستین تماس‌های اجتماعی اساسی واجد  
چارچوب سیاسی و حقوقی شد . مناسبات سیاسی  
و حقوقی جزء مهمی از زندگی جامعه ، عرصه  
اصلی ستیز و آشتی طبقات و گروه‌های دارای  
منافع متضاد گردید .

جامعه طبقاتی تنها در صورت دارا بودن  
اشکال سیاسی و قانونی سازمان زندگی اقتصادی و  
معنوی خود می‌تواند تکامل یابد ، و این اشکال  
به‌مثابه عوامل متمایز و همبوند عمل می‌کنند .  
تغییر سیستم‌های اجتماعی - اقتصادی با  
تغییر در نوع سیاست و قانون همراه است . ایندو  
عناصر نوینی کسب می‌کنند . فی‌المثل جامعه  
بورژوازی مجبور بود با مسائل نوینی در ارتباط  
با سیاست ملی ، قانون ، دولت و احزاب سیاسی  
برخورد کند . تغییراتی که صورت‌بندی اجتماعی -  
اقتصادی سوسیالیستی پدید آورده ، بسیار  
عظیم‌ترند ، از آنجمله می‌توان سیاست و قوانین  
سوسیالیستی ، اصل همزیستی مسالمت‌آمیز  
سیستم‌های سیاسی سوسیالیستی و سرمایه‌داری و  
غیره را نام برد .

پیدایش نوع جدید نهاد‌های سیاسی و حقوقی  
بدان معنا نیست که آنها وجه مشخصه خویش ،  
یعنی خصلت طبقاتی‌شان را از دست داده‌اند ،  
زیرا هم در دولت سوسیالیستی و هم در دول  
مقابل سوسیالیستی ، سیاست و فعالیت حقوقی ،  
بیش و پیش از همه خواست‌ها و منافع طبقات  
حاکمرا ( که بطور عمده توسط مواضع اقتصادی  
آنها تعیین می‌شود ) بیان می‌کنند .

خصلت طبقاتی ساختارهای سیاسی و حقوقی  
بیان یک ویژگی گویا و منطقی نیست ، بلکه  
جوهر یعنی سیاست و قانون است .  
بسیاری از دانشمندان ضمن تاکید بر ضرورت  
یک سیستم سیاسی و فعالیت سیاسی معتقدند که  
سرشت سیاسی ذاتی همه جوامع انسانی است و  
در هر فاکت و عملی نمایان است . دانشمند  
فرانسوی " ژ . بوردو " قدرت حاکمه را به‌مثابه  
نیرویی در خدمت اندیشه می‌داند . بنظر او  
سیاست عرصه اندیشه‌هاست و دولت قدرت  
تجسم یافته در " نهاد " است .

با اظهار اخیر نمی‌توان مخالفت ورزید اما  
به این عقیده " بوردو " که سیاست چیزی غیر  
تاریخی و غیرطبقاتی است و در پیوند با هر  
فاکت و عملی است نباید باورداشت . " بوردو "  
اندیشه‌هایش را در عوض اثبات ، تنها اعلام  
می‌دارد و از اینرو اندیشه‌اش دچار ضعف اسلویی  
است . اما به‌رحال مکتب کلاسیک سیاست‌شناسی  
در فرانسه ، اهمیت تفکیک اجتماعی - اقتصادی  
در جامعه و پیوند آن را با دولت بطور موثری  
نشان داد .

اگرچه سیاست و قانون وابسته به شرایط  
اقتصادی هستند ، اما با اینحال از استقلال  
روبنایی نسبی برخوردارند . مبین این امر تاثیر  
دولت و نهاد‌های حقوقی ، جریان تکامل متمایز  
آنها و اثر آنها بر سیستم اقتصادی و مناسبات  
اجتماعی است . رابطه مستقیمی مثلا بی‌سن  
شیوه اعمال قدرت دولتی ، اشکال دولتی و  
حقوقی و سطح تکامل اقتصادی یک کشور وجود  
ندارد .

● درباره کنش و واکنش سیاست و قانون دو نظر  
کاملا متقابل وجود دارد . مارکسیسم به مناسبات  
ایندو از دیدگاه‌های تئوری خویش راجع به تغییر  
گونه‌های تاریخی سازمان اجتماعی ( که نیروهای  
محرکه روندهای اجتماعی و عوامل پایه‌ای آنها را  
نشان می‌دهد ) می‌نگرد .

اصول پایه‌ای مفهوم مارکسیستی در این مورد  
بدین‌قرار است : سیاست و قانون بنا به سرشت  
خود پدیده‌هایی طبقاتی هستند ، بنابراین  
تنها در جوامع طبقاتی وجود دارند ، یعنی ذاتی  
یک دوره تاریخی معین هستند و بویه آنها در  
تحلیل نهایی توسط " ساختار اقتصادی " تعیین  
می‌شود .

سیاست و قانون علیرغم استقلال نسبی ،  
حتی گاه بطور قاطع بر ساختار اقتصادی و  
اجتماعی جامعه تاثیر می‌نهند ، ایندو شکل اصلی  
بیان حاکمیت طبقاتی هستند و سیستم این  
حاکمیت راه کار می‌اندازند . و از آن حمایت  
می‌کنند .

سیاست و قانون با بیان خواست‌ها و منافع  
طبقه ( یا طبقات ) حاکم بطور عمده خواست‌ها و  
منافع این طبقه ( یا طبقات ) را جمع می‌نمایند  
و بد آنها شکل می‌دهند و آنها را تحقق می‌بخشند  
نوع سیاست و قانون با تغییر نوع جامعه طبقاتی  
دگرگون می‌شود ، سیاست و قانون با زوال طبقات  
ناپدید می‌گردند - چنین است سرنوشت تاریخی  
آنها .

سیاست ، بیش از همه به‌مثابه رابطه طبقات با  
دولت فعالیت و کارکردهای آن - در نظر گرفته  
می‌شود . دولت هسته ساختار سیاسی است .  
انگلس دولت و توده‌های خلق را دو نیروی  
قاطع سیاست می‌نامد . مارکس یکبار خاطر نشان  
ساخت : وارد کردن احکام مذهب در داخل  
سیاست برابر است با تبدیل آنها به " عامل  
تعیین‌کننده دولت " سیستم دولتی که قوانینی که  
رفتار انسانی را تنظیم می‌کند و به جامعه در  
دستیابی به اهداف آن کمک می‌کند ، بهم  
پیوند می‌دهد و به عمل می‌گذارد ، به مثابه جزء  
قطعی و تفکیک‌ناپذیر قانون است .

تئوری‌های غیرمارکسیستی سیاست ، که  
" سیاست‌شناسی " نام گرفته ، بنحوی از انجا  
دولت را به مثابه نقطه کانونی درسیاست می‌دانند  
( این دیدگاه از آن فورستوف فلشت‌هایم ،  
ناشولد ، برگ - شلوسر و گوارتیش است . )  
و حال آنکه مارکسیسم ، چنانکه گفتیم ، نه تنها  
دولت ، بلکه خلق را هم نیروی قاطع سیاست  
می‌شمرد .

مارکسیسم همه مسائل سیاست ، دولت و قانون  
را از دیدگاه تکوین آنها با قوانین حاکم بر زایش  
و تکامل روابط طبقاتی ( و جامعه ) یعنی روندها  
و پدیده‌های عینی واقعی به جای ایده‌های سیاسی  
و قانونی به هم پیوند می‌دهد ، یعنی توضیح  
عین‌گرایانه را جانشین توضیحات ذهن‌گرایانه  
می‌کند .

سیاست و قانون تاریخی کوتاه‌تر از مثلا هنر و  
مذهب دارند . نخستین ابزارهای ساخته انسان  
حدود ۷۰۰ - ۵۰۰ هزار سال پیش پدید آمدند ،  
درحالیکه نخستین دولت و اولین قوانین بسیار  
دیرتر " ایجاد " شدند . دولت‌باستانی مصر  
حدود ۵۰۰۰ و از آن‌جین ۳۰۰۰ سال پیش پدید  
شدند . کهن‌ترین مجموعه‌های قانونی معروف  
عبارتند از " قوانین حمورابی " پادشاه بابل  
( ۱۸۰۰ قبل از میلاد ) قوانین دراکن یونان  
باستان ( ۶۲۱ قبل از میلاد ) و قوانین روم به  
نام " الواح دوازده‌گانه " ( قرن پنجم قبل از  
میلاد ) .

پیدایش طبقات ، عامل درجه اول در زایش  
دولت بود ، که از لحاظ سیاسی ، تقسیم اجتماعی  
و اقتصادی جامعه را رسمیت بخشید . البته جامعه



از صفحه ۱۶

که نقش اقتصادی برای دولت قائلند ، یا آن را رد می‌کنند ، بستگی ندارد . این امر نتیجه نیازهای پراتیک اجتماعی است .

موریس دوروزه جامعه‌شناس فرانسوی خاطر نشان می‌سازد که در دوران دمکراسی لیبرالی ، سیاستمداران عموماً مستقل از صاحبان و بازرگانان بودند ، اما اکنون در دوران تکنوکراسی ، دولت نمی‌تواند فارغ از علائق اقتصادی ، باشد . از این لحاظ اکنون برنامه‌های تولیدی ، نظارت عمومی بر پیشرفت اقتصادی و فنی بیشتر بر دوش دولت است تا موسسات خصوصی این امر در مورد زیر ساخت نیز صادق است .

تحلیل‌گران غربی سیستم‌های سوسیالیستی مدعی‌اند که این سیستم‌ها بیش از حد سخت‌گیرند " ک بیلم " دانشمند علوم سیاسی آلمان غربی می‌گوید که دولت سوسیالیستی دارای کارکردهای حمایت‌گری است ، زیرا ( به گفته او ) هدف آن تضمین دستیابی به اهداف و ارزش‌های معینی است که در اصول و احکام ایدئولوژیک فرمول‌بندی شده است .

در حقیقت ، در جامعه سوسیالیستی دولت در پیوند تنگاتنگ با روندهای اقتصادی است و به طرق و اشکال مناسب بر آن تاثیر می‌نهد . دولت سوسیالیستی دست‌یابی به اهداف اقتصادی برنامه‌ریزی شده را تسهیل می‌نماید . و اگر دکتر بیلم " این را حمایت‌گری می‌نامد باید گفت که این کار بیشتر از فعالیت اقتصادی دولت‌های غربی برای تعدیل بحران‌های تولیدی نیست .

آیا امروزه می‌توان دولتی را یافت که از نظر ایدئولوژیک خنثی باشد ؟ پاسخ البته منفی است زیرا سخن از " جامعه فرصت‌های برابر " ، " دولت رفاه عمومی " ، " دمکراسی چندگرا " ، " دمکراسی واقعی و پایدار " ، " تئوری همبستگی اجتماعی " به معنای همکاری سرمایه‌دار و کارگر ، " روش متحد و محدود ساختن " و " شعار گفتگوهای شمال و جنوب " چیزی جز پایه ایدئولوژیک سیاست و فعالیت دولت نیست .

دولت سوسیالیستی بر پایه جهان‌بینی مارکسیستی است و از این لحاظ کارکردهای آن بیان اندیشه‌ها ، اهداف و ارزش‌هایی است که خود بخشی از این جهان‌بینی است . اینکه اینها چیزی غیر از اندیشه‌ها ، اهداف و ارزش‌های رایج در غربند مسأله دیگری است .

در وجود ارتباط متقابل سیاست و قانون شبه‌های روانیست ، اما خصلت این تاثیر متقابل یکی از پیچیده‌ترین مسائل است و تعبیر سیاست شناسان غرب مانند "سوردو" و "میر - مالی" مرتن " و مولر در این مورد بازگفته است . اصول اسلوبی زیرین در مرکز تئوری مارکسیستی

سیاست و قانون است : " کلیه قوانین اساساً منشأ سیاسی دارند " ( انگلس ) " هر خواستی ، اگر خواست دولت باشد ، می‌بایست به شکل قانون توسط دولت تأکید گردد " ( لنین ) .

برخی تحلیل‌گران از رابطه بین سیاست و قانون نتیجه می‌گیرند که یکی از ایندو می‌بایست موفق داشته باشد ، آیا این ، به ما در درک ویژگی‌ها و پیچیدگی رابطه بین ایندو کمک خواهد کرد ؟ و آیا این " اصل " مسأله است ؟ گرچه این مسأله مهم است ، اما عمده نیست ( هر قدر هم در رابطه دولت و قانون واجد اهمیت باشد ) بررسی دقیق مناسبات سیاسی و قانون ممکن است به این نتیجه بیانجامد که منشأ نخستین زایش ، موجودیت و تکامل قانون ، دولت است و فعالیت قانونگذاری دولت سرچشمه واقعی و منحصر بفرد قانون است . این یک نظر سطحی است . تحلیل ژرف‌تر نشان می‌دهد که زایش و

موجودیت قانون نه به واسطه موجودیت دولت با ارگان‌های قانونگذاری آن ، بلکه به جهت آن است که در یک جامعه طبقاتی زندگی اقتصادی اجتماعی و معنوی بدون قانون ، تکامل طبیعی نخواهد داشت .

قانون پدیده‌ای است به قدری پیچیده که نمی‌تواند دارای تنها یک منشأ باشد ، بلکه به شماری از شرایط اجتماعی ، سیاسی و ایدئولوژیک نیازمند است ، که یکی از آنها - مهمترین آنها - وجود دولت است . که سازنده مستقیم قانون است . بدان شکل می‌دهد و اجرائش را ضمانت می‌کند . اشتباه است اگر تصور شود که دولت تنها از لحاظ قانونی نیازهای اجتماعی را فرمول‌بندی می‌کند ؛ این " تنها " گاهی می‌تواند در روندهای بسیار پیچیده ظهور قوانین نقش قاطعی داشته باشد .

سیاست و قانون اهداف متضادی را دنبال نمی‌کنند ، زیرا نه موجودیت دولت صرفاً برای تدوین رفتارها و روش‌های قانونی است و نه هدف قانون بطور ساده تنظیم کار دستگاه دولتی . قانون معقول‌ترین و موثرترین وسیله دولت برای انجام کارکردهایش و ایجاد تماس با جامعه و تنظیم مکانیسم خود است . دولت نیز یک نهاد سیاسی است که قوانین را ایجاد و معمول می‌دارد و اجرای آنها را تضمین می‌کند . تنها چیزهای قابل فیس ، یعنی آنها که وجوه مشترکی دارند می‌توانند در رابطه متقابل با یکدیگر قرار گیرند یعنی چیزهای یکلی متفاوت نمی‌توانند چنین رابطه‌ای داشته باشند . این امر در مورد دولت و قانون نیز صادق است . ایندو سرشت سیاسی و کرایش‌های تکاملی مشترکی دارند اما واقعیت‌های اجتماعی - سیاسی متفاوتی هستند و بنابراین برابر نیستند و نمی‌توانند " اینهمان " باشند ، یعنی عین یکدیگر باشند . دولت یک سیستم نهادی چند شاخه و نهایتاً سازمان سیاسی جامعه پمنا به یک کل است . قانون ، دربرگیرنده امیال ، منافع انگیزه‌ها ، اهداف اندیشه‌ها ، آئین‌ها ، افکار عمومی و خلاصه اموری معنوی است .

بحث پیرامون اثبات تقدم دولت بر قانون به آنجا می‌رسد که دولت با نیروی جبر خویش تبعیت قانون - قانون و نظم ثابت و غیره - را تضمین می‌کند . اما این نیز حقیقت دارد که قانون تاثیر عظیمی بر دولت می‌گذارد . قانون بر سیاست - مکانیسم دولتی - تاثیر می‌نهد و از نظر حقوقی سیستم دولتی را تحکیم می‌بخشد ، برای ارگان‌های دولتی روش کار معین می‌کند ( مقررات آن ) ، نظم و ثبات در روند اعمال قدرت و مدیریت دولتی می‌دهد ، موسسات دمکراتیک و سیستم انتخاباتی و غیره را قانونی می‌کند . بدینسان قانون نقش اصلی را در تدارک عملکرد طبیعی دولت دارد . قانون تنها وسیله اعمال سیاست نیست ، دیپلماسی ، موسسات نظامی و تبلیغات نیز دخیلند . اما خصلت مناسبات بین سیاست و قانون نیازمند آن است که تغییرات سیاسی قابل توجه - در اشکال دولت ، موسسات دمکراتیک ، سیستم انتخاباتی ، مناسبات دولت و احزاب سیاسی - ساختار ماشین دولتی و غیره از تقدس حقوقی برخوردار شوند .

اخیراً علاقه و آفری به مسائل مربوط به سیستم‌های سیاسی مبدول می‌گردد ، دولت ، احزاب سیاسی ، سازمان‌های متعدد توسعه‌ای ، فعالیت‌های سیاسی ، تصمیمات و هنجارهای قانونی از دیدگاه ظرفیت و وزن اجتماعی‌شان مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند . نظیر این توجه به خصلت تماس‌های ساختاری و کارکردهای نهادی گوناگون سیستم سیاسی و اینکه اینها تا چه اندازه تغییرات منافع جامعه ، فرد و گروه را منعکس می‌کنند ، نیز نشان داده می‌شود .

این گسترش تحقیقات ، برخی جامعه‌شناسان و دانشمندان علوم سیاسی غرب را به این نتیجه شگفت‌آور رسانده که سیاست یک واقعیت قطعین است و تقریباً قابل بررسی تحلیلی نیست . دکتر بیلم " حتی مفهوم دولت را به مثابه یک " فرمول میان‌تهی " معرفی می‌کند و در مقابل آن مفهوم " سیستم سیاسی " را پیش می‌کشد . از این دیدگاه مقولاتی همچون " دولت " و قدرت حاکمه بی‌نهایت ساده‌اند ، زیرا بیانگر پیچیدگی فزاینده زندگی اجتماعی و سیاسی نیستند .

در سیستم‌های اجتماعی تکامل یافته ، دولت ستون فقرات زندگی اجتماعی است . در این سیستم‌ها دولت یک واقعیت زنده است ، نه بطور ساده یک اندیشه . مفهوم یا فرمول ، واقعیتی است که با هر نیروی اجتماعی چه کوچک و چه بزرگ ، می‌بایست آن را به حساب آورد . اقتصاد ، مدیریت ، امور خارجه ، دفاع ، پیشرفت فنی ، علوم ، امنیت اجتماعی ، بهداشت همگانی ، آموزش و پرورش و نظم عمومی ، ساختارهای اجتماعی ای هستند که تکامل مترقیات و استوار آنها بدون دولت ، غیر قابل تصور است .

خودداری از درک تئوریک این واقعیت ( به عمد یا به سهو ) حداقل یک برخورد سطحی است یک ادعای غیرمنطقی‌تر نیز وجود دارد که " دولت " " ناکافی " است و باید با " مفهوم سیاسی " جایگزین شود . گفته می‌شود که مفهوم اخیر فراگیر و دارای توان دربرگیری کوچکترین تغییرات در سطوح نهادی ، رفتاری ، انگیزشی و همه سطوح زندگی سیاسی است . اگر چنین است پس چرا مفهومی همچون " حزب " را به مثابه عنصری از سیستم سیاسی رها نکنیم ؟ مفهوم " جامعه " یک انتزاع علمی فراگیر است ، اما این بدان معنا نیست که ما باید مفاهیم ساختاری همچون " خانواده " ، " فرد " و غیره را دور اندازیم . جامعه ، در معنای وسیع شامل اقتصاد ، دولت ، سیستم سیاسی قانون ، فرهنگ ، مذهب و دیگر اشکال و نهادهای تماس اجتماعی است .

سیاست ، دولت ، دولتمداری ، زندگی سیاسی سیستم سیاسی روابط سیاسی ، حزب منافع و اهداف سیاسی مفاهیم رقیب یا جانشین یکدیگر نیستند بلکه مفاهیمی هستند بسا محتوای متفاوت و سطوح متفاوت درک ما از تعمیم علمی سیاست ، توسل به مفهوم " سیستم سیاسی " " خلا تئوریک " ناشی از بی‌ارج کردن مفهوم دولت را بر نمی‌کند ، بلکه نمودار تجربه ما در تحلیل ساختارهای سیاسی از دیدگاهی متفاوت و در سطح تعمیمی متفاوتی است . شناخت همه پدیده‌ها به این نوع برخوردهای متفاوت نیازمند است ، زیرا یک مقوله ( مثلاً دولت ) نمی‌تواند در جای خود محتوی مقوله دیگر ( مثلاً سیستم سیاسی ) را بگیرد .

مسأله تحت بررسی بطور غیرمستقیم ثابت می‌کند که در مطالعه پدیده‌های سیاسی جامعه نوین انصراف از مسأله دولت و حاکمیت دولتی امکان‌پذیر است .

مارکس نوشت : " مسأله دولت جدی‌تر از آن است که باز بچه قرار گیرد " هر قدر دلائل پیچیدگی شاخه‌ای از ساختار ( سیاست ، دولت ، قانون و دمکراسی ) که به این مقوله تعلق دارند ( بیشتر باشد ، به همان اندازه حقیقت نسبی‌تر است .

ما این بحث را در مقاله دیگری تحت عنوان " سیاست و ایدئولوژی " ادامه می‌دهیم .

بیرامون ابتکار شایسته روزنامه اطلاعات

با ردیگر با روزهای پر حماسه انقلاب

به مسامت فرارسیدن ۲۲ بهمن، سالروز انقلاب شکوهمند مردم میهنمان، روزنامه اطلاعات دست به ابتکار شایسته و درخور تحسینی زده است. این روزنامه به منظور تحلیل از انقلاب بهمن، اقدام به انتشار روزانه مستندترین روزنامه انقلاب، از پایان اعتصاب تاریخی مطبوعات تا روزهای پر حماسه ۲۲ بهمن نموده است.

اطلاعات در توضیح ابتکار خود گفته است: "امیدواریم با این خدمت ناچیز توانسته باشیم دوره گمراهی و پالایش‌شده‌ای از مهمترین و حساس‌ترین رخدادهای انقلاب بسط خوانندگان عزیزمان عرضه کنیم



خواهد توانست سیر رو به تعالی انقلاب را همچون آینه‌ای منعکس سازد. گردآوری و انتشار صفحات اول ۱۰۰۰ شماره دو روزنامه بزرگ کشور، در قطع کوچک و مناسب، سیر توفنده‌ای را که انقلاب داشته است با صراحت تمام آشکار می‌سازد و نشان می‌دهد که انقلاب از نخستین روز ناکون به چه دستاوردهای بزرگی درغلبه بر بورژوازی، سازشکاران لبرال مائوئیست‌ها و دیگر تفاله‌های آمریکا دست یافته و تا چه میزان در راستای تاسیس آماج‌های مردمی، استقلال طلبانه و عدالت‌جویانه انقلاب به پیش رفته است.

ما به تلاش‌های مسئولانه "اطلاعات" ارجح می‌گذاریم و توفیق بیشتر آن را در خدمت به انقلاب مردم صمیمانه آرزو می‌کنیم.

حدا از ارزش تاریخی ابتکار روزنامه اطلاعات این اقدام از نظر آشناساختن بیشتر مردم با روند حوادث یکماهه پیش از انقلاب نیز اهمیت قابل توجهی دارد. انتشار مجموعه فوق‌روزهای حماسه خون رازنده می‌سازد و بار دیگر قهرمانی و جانبازی توده مردم را به تصویر می‌کشد. مردم بطور روس بیاد می‌آورند که ایمن انقلاب با چه تلاش عظیمی به میوه نشسته، چه خونهای برای پیروزی آن داده شد و چگونه بر پاککنندگان و صاحبان واقعی آن توده‌های محروم مسردم‌اند.

زنده ساختن آن صحنه‌ها، که شوری دوباره می‌آفریند، دعوت و تشویقی است برای ادامه آن تلاش عظیمی که در میهن ما صورت گرفته است و برای اینکه این تلاش همچنان ادامه یابد و کوشش در جهت تثبیت و تحکیم و گسترش آزمان‌های استقلال طلبانه آزادخواهانه و عدالت‌جویانه

از صفحه ۵

رفیق مهرداد (عدالت)

دلخونی درجهه

باشد باید بجنگیم عده‌ای در سنگرهای جنگ با متجاوزین و عده‌ای در سنگر تولید و هرجای دیگر که لازم باشد. درخشش دیگری از صحبت‌هاش گفت

نمی‌دانید مسئله خیانت رهبری مجاهدین خلق و تبعیت کورکوزانه هواداران آنها چقدر آزارم می‌دهد. چند روز قبل در یکی از خیابان‌ها دو نفر از آنها به سوی پاسداری تیراندازی کردند و او را به شهادت رساندند. یعنی همان کاری که آمریکا و صدام می‌خواستند کردند. سپس اضافه کرد

حتما در جبهه‌ها جایشان را در مبارزه با امریکسا و مردورانش خالی خواهیم دید. ای‌کاش این ساده‌دلان این اندازه درایت داشته باشند که لوله تفنگ‌هایشان را به سوی دشمن خلقهای میهنمان برگردانند.

عضو خانواده رفیق شهید مهرداد (عدالت) دلخونی در مورد شهادتش اظهار می‌دارد:

بعد از مدتی که مهرداد به جبهه اعزام شده بود تلفن منزلمان زنگ زد پدرم جواب داد و پس از چند لحظه مکالمه لبانش لرزید و رنگش پرید. به پدرم گفته بودند که مهرداد زخمی است و در بیمارستان بسر می‌برد. پدر و مادرم روانه بیمارستان شدند و برادر کوچکم که تا آن لحظه بیرون از خانه بود برگشت و مرا صدا کرد: بیا برویم تظاهرات، شهید آورده‌اند. دستش را گرفتم و درحالی که آرام زمزمه می‌کردم "شهید! راهت ادامه دارد" به طرف سیل جمعیت که فریاد می‌زد: آمریکا، آمریکا مرگ به نیرنگ تو - خون شهیدان ما می‌چکد از چنگ تو

اسرای جنگی عراق منطبق بر میثاق‌های بین‌المللی و بخصوص پیمان ژنو در خصوص اسرای جنگ می‌باشد. رسیدگی به وضع تغذیه بهداشت و رفاه اسرا و همچنین مکاتبه منظم آنها با خانواده‌هایشان و بخصوص اقدام اخیر جمهوری اسلامی دعوت خانواده‌های اسیران برای ملاقات با آنان گامی فراتر از میثاق‌های بین‌المللی در این مورد و نمایانگر

روانه شدیم. رفیق مهرداد (عدالت) دلخونی در سال ۱۳۳۸ در شهرستان سراب آذربایجان متولد شده بود، در سن ۲۲ سالگی در راه پیروزی انقلاب پرشکوه مردم انقلابی میهنمان جان پاکش را فدا نمود. رفیق مهرداد همچنان که در وصیت‌نامه‌اش قیسد نموده است با آگاهی کامل از ماهیت جنگی که اکنون پیش از یک سال است بر مردم ما تحمیل شده است عازم جبهه‌ها شد و به رسم سترگ کمونیست‌ها که فداکار بودن در راه خلق و تسلیم‌ناپذیر بودن در برابر دشمنان مردم است وفا نمود. رفیق مهرداد در بخشی از وصیت‌نامه‌اش می‌نویسد:

"جنگی که کشور انقلابی ما با آن درگیر است جنگی است که در یک طرف آن نیروهای انقلاب معتقد به آزادی از چنگال امپریالیسم بسرگردگی امپریالیسم آمریکا و در طرف مقابل این نیروها، نیروهایی صف کشیده‌اند که از تعمیق انقلاب و گسترش آن به منطقه وحشت دارند و از این روست درصدد آنند که این انقلاب را سرکوب کنند از این رو وظیفه انقلابی با حکم می‌کند که تمام نیروهای انقلابی با هر ایدئولوژی با تمام توان خود در صف انقلاب چه در جبهه و چه در داخل کشورمان که اکنون فعالیت ضدانقلابیون تشدید شده است، قرار بگیرند و این بار هم امپریالیسم آمریکا با شکست مواجه سازند"

ما با این امید که روز به روز نیروهای انقلابی اعم از پیروان سوسیالیسم علمی و مسلمانان انقلابی صفوف خود بی‌دری امپریالیسم فشرده‌تر می‌کنند، یاد فداکاری و قهرمانی‌های رفیق شهید مهرداد (عدالت) دلخونی را ازج می‌نیمیم و به رزمندگان سلحشور جبهه‌ها و خانواده مبارز او درود می‌فرستیم.

نمایشی از یک پیروزی واقعی و دلیلی بر برطان جنجال‌های صدام

نخستین هفته گذشته سنای جمهوری اسلامی طیعی را که از اردوگاه اسرای عراقی در برنگ سهند شده بود به حاشی گداخت کرب اسرای عراقی مابسی بود از سرورزی‌های واقعی رزمندگان مهران ما در

# اگر متحد شویم

از صفحه ۲

این نوع تبلیغات چه معنا می دهد؟ چرا ملت ما و سایر مللی که بخش عمده مردم آن مسلمان هستند نمی توانند با مسیحیان سایر کشورها دوست و متحد باشند؟ چرا مردم کشور ما نمی توانند به هندوهای هندوستان، به بودائیان به یک میلیارد مردم چین به توده های مسلم آفریقایی که محروم ترین مردم جهان هستند، اما مسلمان نیستند و در بسیاری موارد اصلا دین ندارند به دیده متحدینی بنگرند که همه با شیطان بزرگ امپریالیسم آمریکا دست و پنجه نرم می کنند تا به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی دست یابند؟

متاسفانه سرمقاله نویسن روزنامه جمهوری اسلامی در سرمقاله هایی که به مناسبت هفته وحدت تحت عنوان "اگر متحد شویم" انتشار می دهد قیل از آنکه هدف و مقصود راستین دعوت آیت الله منتظری را که چه در پیام ایشان و چه در پیام مدرسین حوزه علمیه قم و چه در زبان مسئولین جمهوری اسلامی از جمله آقای موسوی نخست وزیر جاری بود مورد توجه قرار دهد و هدف عمده این دعوت را همانطور به صورت اجتناب از خصومت میان مذاهب اسلامی، به منظور تقویت مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم برجسته کند با سعی و کوشش بسیار خواسته است اینطور وانمود کند که گویا بهتر است یک میلیارد مسلمان جهان همه با یکدیگر متحد باشند تا قدرت لازم را برای شکست دادن و نابود کردن غیرمسلمانها بدست آورند. به نظر ما کسانی که معنای دعوت امام به وحدت و اتحاد را اینگونه می فهمند و اینگونه تعبیر می کنند یا درک درستی از آماج های اساسی انقلاب ایران ندارند و یا در عمل همان حرف هایی را می زنند که استعمارگران از چهار پنج قرن پیش تا امروز کوشیده اند در اطراف و اکناف جهان پیاده کنند. ما همراه با

همه نیروهای ترقیخواه و انقلابی جهان با اینگونه تعبیر و تفسیرها از اهداف اصلی هفته وحدت مخالفیم و آن را سرشار از روحیه تنگ نظرانه و تفرقه جویانه ارزیابی می کنیم. مطمئن باشیم که اینگونه تعبیر و تفسیرها نه به سود مردم ماست نه به سود کشورهای که مردم آن پیرو دین اسلام نیستند. مطمئن باشیم که اینگونه تبلیغات فقط به این درد می خورد که امپریالیست ها با انگشت گذاشتن روی آن بتوانند مردم کشورهای غیر مسلمانشین را نسبت به اهداف انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی مابین سازند. و در آنها این توهم را بوجود آورند که اگر شیعه و سنی با یکدیگر نجنکنند و دست و دوستی به یکدیگر دراز کنند هدف مقدم آنها این است که مسیحیان و هندوان و پیروان سایر ادیان را تحت فشار و آزادی و استقلال آنها را مورد تعرض قرار دهند اینگونه تبلیغات مطلقا به زیان انقلاب ماست. به نظر ما اهمیت جدی دارد که در تبلیغات جاری موضع و سیاست دولت جمهوری اسلامی ایران مخدوش نشود و تحت الشعاع این تبلیغات دگرگونه جلوه داده نشود.

بهرحال همه یاران و مدافعان صدیق انقلاب ما بر این عقیده بوده و بر این عقیده هستند که مهمترین آماج مشترک همه مردمی که انقلاب را به پیروزی رسانیدند چیزی نبوده و نیست جز دستیابی به: استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی. جدا از تمایل این یا آن فرد خاص همه واقفان نشان می دهد که مدافعان این سه شعار، عملا و در جریان مبارزات روزمره در یک صف در مقابل دشمنان و مخالفان این سه شعار قرار می گیرند. آنچه مردم ما را با یکدیگر متحد می کند، بطوری که عملا مشاهده می کنیم نه مبارزه ضدیهایی است و نه مبارزه به اصطلاح "ضدارتجاعی" مبارزه ما نه علیه طلیت های غیرایرانی است و نه برای غلبه مسلمانان بر غیرمسلمانان در مقیاس جهانی. وسیع ترین توده های مردم آمریکا و همه کشورهای امپریالیستی مسلمان نیستند با این حال امام بارها تاکید کرده اند که مبارزه ما علیه دولت آمریکا و همه دولت های امپریالیستی است نه علیه مردم آمریکا و سایر کشورها! در این مبارزه هم مسلمانان شرکت دارند و هم غیرمسلمانان. یک میلیارد مردم کشورهای مسلمان نشین در پی یک شعار علیه امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا تنها نیستند. مردم آمریکا و عموم توده های کشورهای غیراسلامی جهان نیز

وسیعاً در این مبارزه شرکت دارند. خلق وینام مسلمان نبود اما بوزه امپریالیسم آمریکا را طوری به خاک مالید که آمریکا دیگر کمتر جرات می کند در سایر کشورها چنان غلظی بکند. همه واقعات شهادت می دهند که نیروی ضدامپریالیستی جهان به حدود یک میلیارد مسلمانان جهان نیست این نیرو بسیار عظیم تر از آن است که تصور می شود این نیرو نیرویی حدود ۵ میلیاردی است که در سراسر جهان علیه امپریالیسم مبارزه می کنند و البته بخشی از آن مسلمان و بقیه غیرمسلمان هستند.

لحظه ای فکر کنیم اگر به جای یک میلیارد مردم کشورهای مسلمان نشین همه مردم جهان همه توده های میلیاردی جهان صرف نظر از رنگ، زبان، مذهب و سایر نمایان خود علیه امپریالیسم این دشمن شریک متحد می شدند، آنگاه انقلاب ایران امروز پیروز ماندن پیش نمی رفت؟ آیا خلق های جهان بسیار زودتر از اینها لاشه امپریالیسم را در قعر اقیانوس آزادی خنک می کردند؟ آیا راست این نیست که اگر همه با هم متحد باشیم، اگر پیروان سوسیالیسم علمی و همه مسلمانان انقلابی پیرو خط امام خمینی در یک صف واحد، متحد شوند، امپریالیسم بسیار سریع تر از اینها شکست خواهد خورد؟

ما پیروان سوسیالیسم علمی از هر کوششی که برای جلوگیری از تشدید تفرقه مذهبی، نژادی ملی و قومی میان مردم صورت گیرد عمیقاً پشتیبانی می کنیم. منتها روش و منش اصولی و انقلابی را آن می دانیم که بجای محدود کردن پیکار مردم کشورهای مسلمان نشین علیه امپریالیسم در این راه مبارزه کنیم که همه خلق های آزاد شده جهان، همه کارگران و زحمتکشان کشورهای امپریالیستی جهان و همه نهضت رهائیبخش در سراسر جهان هر چه مستحکم تر علیه امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا متحد گردند. چنین جبهه های مطمئناً شکست ناپذیر است پیروزی تاریخ مطمئناً از آن این جبهه است. و ما نیز مشخصاً پیروزی همامان با میزان اتحاد و یگانگی مان با این جبهه است که گسترش می یابد و تثبیت می گردد. آری اگر متحد شویم، روزی که همه با هم متحد شویم روزی که همه مردم زحمتکش دنیا (چه مسلمان و چه غیرمسلمان) با هم متحد شوند، روزی است که مردم گیتی لاشه امپریالیسم را به گور می سپارند و جهان را از لوث وجود او پاک می کنند.

از صفحه ۹

## گزارشی از ...

دیگر از افغانی های فراری از افغانستان است. بخش اکادمیک و تالیفات بر ضد حکومت، بر ضد ارگان های انقلابی، بر ضد طرح اصلاحات ارضی و طرح سهم بندی کالاها، و سایر طرح ها و قوانین مردمی به عمل روزمره زمینداران بزرگ و فئودالها و ضد انقلابیون فراری افغانی تبدیل شده است. همچنین حضور افغانی ها بازار کار را که در حالت عادی قادر به جذب نیروی فاضل روستاییان در مزارع مکانیزه و یا در بخش های دیگر تولیدی است تحت الشعاع قرار داد و بر حسب نیاز بکارگران کشاورزی و روستاییان مهاجر شهرهای کوچک اطراف افزوده است. گسترش روافضون نسحا دردی، قتل و غارت خصوما در روستاهای مناطق مرزی یکی

مطالبات و خواست های انقلابی دهقانان زحمتکش روستاهای خراسان به نوبه خود آینه تمام نمای است از مطالبات و خواست های دهقانان زحمتکش سراسر کشور. در زیر به برخی از این خواست ها که عدم تحقق آنها اعتراضات توده های دهقانان را سبب گردیده است اشاره می کنیم، باید که متولیان امور ارگان های دولتی و نهادهای انقلابی با برخوردی مسئولانه به آنها گام های اصولی در جهت تحقق مطالبات دهقانان زحمتکش کشور به جلو بردارند.

- ۱- اجرای کامل اصلاحات ارضی و حل مسئله مالکیت بر زمین های زراعی، آب، دام، و تاسیسات کشاورزی، حاکمه فئودالها و غاصبین چابککار و صدور سند مالکیت برای زمین های که توسط روستاییان صادره گردیده است و با بوسيله نهادهای انقلابی موقتاً واگذار شده است.
- ۲- تامین آب زراعی و

آب آشامیدنی برای دام های دامداران سنتی از طریق الف - تقسیم عادلانه منابع آبیاری خصوما در مناطق نظیر تربت جام، تالیباد، فریمان و تربت حیدریه که عمده منابع آب در مالکیت بزرگ مالکان است.

- ۳- تامین موقت قنوت خصوما در جنوب خراسان.
- ۴- احداث سد های کوتاه و بندها بر روی رودخانه ها و چشمه ها و آبیاری های، کانال کشی و هدایت آب، هرز در مناطقی مانند قرقیه، بخش کلات، مشهد و درگز.
- ۵- تاسیس واحه های شورهای اسلامی روستایی در مناطق مختلف خصوما در جنوب خراسان و روستاهای دور افتاده، بازرسی و تصفیه شوراهای از عناصر غیرمسئول، تامین نظارت هرچه بیشتر شوراهای بر توزیع سوخت، کود، پسر، ماشین آلات کشاورزی و سایر نیازهای تولیدی روستاییان و تامین ارتباط نزدیکتر و محکمتر

بین شوراهای روستایی با ارگان ها و نهادهای اداری و انقلابی

- ۴- ایجاد و گسترش تعاونی ها خصوصاً تعاونی های توزیع و مصرف و بازاری، تعاونی های قلی و تصفیه آنان از عناصر غیرمسئول و گسترش نقش دهقانان در اداره تعاونی ها گسترش واحدهای تولیدی صنایع خصوما بر روی زمین های بزرگ و تامین نیازها و برنامه ریزی جهت تولید واحدهای تولیدی صنایع تشکیل شده.
- ۵- حمایت از دامداران سنتی از طریق دادن وام، ارائه خدمات، تهیه و توزیع علوفه، گسترش مراکز ایجاد واحدهای مدرن صنعتی احداث مراکز بهداشتی جهت ارائه خدمات بهداشتی برای دام ها. ایجاد سربانه برای دام ها. تاسیس تعاونی جهت توزیع مواد اولیه مورد نیاز و نیز عرضه محصولات تولیدی دامی به بازارهای فروش.
- ۶- ارائه خدمت راهبر، عمرانی، بهداشتی و

فرهنگی، گسترش شبکه های ارتباطی روستایی، احداث مراکز بهداشتی، درمانی، مدرسه و حمام در روستاها و کوشش در جهت برنامه ریزی برای بهسازی و عمران روستاها.

- ۷- لغو اجاره زمین های آستان قدسی و سایر موقوفات از بزرگ مالکان و واگذاری زمین ها و املاک به روستاییان که بر روی زمین ها کار می کنند با اجاره عادلانه.
- ۸- حمایت از صنایع دستی خصوما قالی بافی و بافت قالیچه و گلیم در روستاها از طریق ایجاد تعاونی جهت توزیع مواد اولیه بافت قالی، دادن وام به قالی بافان و نیز عرضه محصولات تولیدی قالی بافان به بازارهای فروش.
- ۹- حل مسئله انقباضی های مهاجر، جلوگیری از گسترش فقر، بیکاری و مواد غذایی کم تر توسط حاکم افغانی به اقداماتی اصلاحی می باید (خصوصاً بر روستاهای مناطق مرزی با سایر روستاها تاسیسات و بهسازی)

# کارنامه مجاهدین افغانی در ایران

## قاچاق، سرقت، جنایت...

مسئولین امر تارسیدن به یک اقدام اساسی، می‌توانند با کنترل رفت و آمد در مرز و با تعیین اوراق شناسایی برای افغانی‌های مهاجر، افراد فریب‌خورده آنها را در مناطق معینی سکنی و آنان را تحت کنترل مستقیم خود بگیرند.

"مشکل آوارگان افغانی"، که بطور عمده توسط امپریالیسم و ایاندیش بوجونا آمده، به جمهوری اسلامی ایران نیز تحمیل شده است. آمار افغانیهای مقیم ایران، آنچنانکه توسط مسئولین امر اعلام شده، حدود ۱/۵ میلیون نفر است. این مهاجران اغلب زحمتکشانی هستند که نحت ناخوشایند تبلیغات دروغین ضدانقلاب افغانی، یا اعمال وحشیانه دزوردسته "حفیظ الله امین" و با صاف و ساده در حسنجوی کار به ایران آمده‌اند (به علت اخیر عده زیادی در دوران رژیم شاه آمده‌اند). در میان این "آوارگان"، گروههای مختلف ضدانقلابی، از باند های قاچاق و سرقت و آدم‌کشی گرفته تا "حزاب" و "سازمانهای" با اصطلاح مبارزی که از آمریکا دستور می‌گیرند، فعالیت می‌کنند.

اخبار متعدد، اما پراکنده‌ای که در حراپد کشور انتشار می‌یابد، پیوسته خبر از گسترش فعالیت باندهای ضدانقلابی می‌دهد که در میان مهاجران افغانی تشکیل شده و از آنها سرپازگیری می‌کند. آنچه دوزیر می‌آید، بخشی از فعالیت شبکه وسیع ضدانقلاب افغانی به نقل از روزنامه‌های رسمی خودمان است.

### قاچاق

قاچاقچیان افغانی، که باشکبه بین‌المللی قاچاق نیز همکاری می‌کنند، با استفاده از پوشش با اصطلاح "مجاهدین افغانی" به پخش وسیع مواد مخدر می‌پردازند و در نتیجه هم از نظر سیاسی به ضد انقلاب خدمت می‌کنند و هم میلیاردها دلار سود به حیب باند های بین‌المللی قاچاق سرازیر می‌کنند. این قاچاقچیان در انواع قاچاق، از سیگار و مواد مخدر گرفته تا ارز طلا و اسلحه، دست دارند و در اقع نیروی اصلی باندهای قاچاق را تشکیل می‌دهند اکنون مدت است که هر خبری درباره کشف مواد مخدر قاچاق، با نام "قاچاقچیان افغانی" همراه است. کوئی حرفه قاچاق و قاچاقچیکری در ایران با "مجاهدین افغانی راه قاچاق" پیوند خورده است. تنها نگاهی به اخبار فعالیت آنان در یک ماهه اول سال جاری می‌تواند نشان دهنده وسعت فعالیت این "مجاهدین قاچاق" باشد:

"دستگیری ۳ قاچاقچی حرفه‌ای و سابقه‌دار افغانی و کشف ۱۱ کیلوگرم هروئین خالص" (کیهان) - ۶۰/۱/۱۵) "در کرمان از ۷ قاچاقچی افغانی مقدارا ۱ کیلوگرم شیر، تریاک افغانی و یک کیلوگرم ۱۵۰ گرم حبش کشف و ضبط کردند". (اطلاعات ۶۰/۱/۲۴) "کشف ۵۶ کیلو و ۳۰۰ گرم تریاک و یک کیلو و ۵/۲۲۶ گرم حبش و هروئین از جند قاچاقچی افغانی" (اطلاعات ۶۰/۱/۲۴) این فعالیتها در ماههای بعد نیز همچنان ادامه داشته است. روزنامه اطلاعات در ششم اردیبهشت سال ۶۰ خبر داد که: "مقدارش کیلو و ۷۰۰ گرم تریاک از یک نفر افغانی در مشهد کشف و ضبط شد... همچنین ماموران کلانتری مشهد از هفت افغانسی - ۱۲۶ گرم و هفتاد سانت هروئین خالص کشف و ضبط کردند."

هنوز جند روز از اعلام این خبر نگذشته بود که همان روزنامه نوشت:

نه روز بعد باز "یک قاچاقچی افغانی، به حکم دادگاه انقلاب اسلامی ویژه مواد مخدر اصفهان به حبس ابد محکوم شد. جرم وی خرید و حمل ۴ کیلو و ۴۵۰ گرم حبش بود." (اطلاعات ۶۰/۲/۲۳)

باز هم قاچاق در مشهد: "توسط مامورین کلانتری ۴ مشهد از یک افغانی بنام محمد ایوب فرزند محمدجان مقدار یک کیلو و ۶۵۰ گرم تریاک کشف شد. همچنین مامورین کلانتری بخش ۶ مشهد موفق شدند از منزل ابراهیم کیوان دوست فرزند جان محمد ۷۵۰ تیر فشنگ خفیف و ۳۵ تیر فشنگ کمری کالیبر ۲۲ کشف نمایند." (اطلاعات ۶۰/۶/۳۱)

قاچاقچیان افغانی از نظر مقدار قاچاق مواد مخدر هم رکورد دار هستند. خبزیر در این مورد گویاست: "باهشواری پاسداران و ماموران ژاندارمری در منطقه خواف ۱۷۴ کیلو و ۵۹۱ گرم مواد مخدر کشف شد. قاچاقچیان افغانی با بجای گذاشتن ۸۶ کیلو و ۲۰۰ گرم تریاک، فرار کردند." (اطلاعات ۶۰/۶/۳۱)

پس از جندی باز در خراسان از ۳ قاچاقچی افغانی ۷ کیلو هروئین کشف شد: "با تلاش واحد بسیج سپاه پاسداران انقلاب

بقيه در صفحه ۲۱

از صفحه ۲۰

اسلامی تایباد، یک قاچاقچی افغانی با سه کیلوگرم هروئین در منطقه مرزی "دشت کرات" این شهرستان بدم افتاد و دستگیر شد. "و نیز: "توسط ماموران گروه مبارزه با قاچاق گروهان ژاندارمری تربت جام، از ۲ تن افغانی بنام های غلام بنی و محمداعلم، ۴ کیلو هروئین که بطور ماهرانه ای در داخل یک چمدان جاسازی شده بود، کشف شد. (اطلاعات ۶۰/۸/۱۴)

و چند روز بعد روابط عمومی شهربانی خراسان اعلام کرد:

"ماموران مبارزه با مواد مخدر شهرستان بیرجند روز گذشته از سه افغانی مقدار ۲۸۷۰ گرم هروئین که در صورت خمیر تهیه شده بود و نیز ۴ کیلو و ۱۵۰ گرم پنبه آغشته به هروئین به دست آوردند." (اطلاعات ۶۰/۸/۱۹)

اخبار زیر هم در همین مورد است. دو قاچاقچی افغانی با یک کیلو هروئین در شیراز دستگیر شدند. کمیته مرکزی شیراز به لحاظ شناسایی و دستگیری بقیه قاچاقچیان از ذکر اسامی دو افغانی بازداشتی خودداری کرده است. (اطلاعات ۶۰/۹/۳)

و: "توسط مامورین مبارزه با مواد مخدر زاهدان از ۵ افغانی ۳۰ کیلو حشیش بدست آمد. در بازرسی از منازل افراد مذکور، ۱۵۰ گرم هروئین، یک قبضه اسلحه شکاری، یک کیلو حشیش و ۵۵ هزار تومان پول نقد نیز بدست آمده است." (اطلاعات ۶۰/۹/۱۸)

و: "بوسیله مامورین ژاندارمری پاسگاه "حرک" وابسته به هنگ زاهدان در نوار مرزی ایران و افغانستان ۹۵ کیلو تریاک و ۱۳ کیلو حشیش از یک قاچاقچی افغانی کشف و ضبط شد." (اطلاعات ۶۰/۹/۲۴)

و بالاخره روزنامه اطلاعات خبر داد:

"از یک قاچاقچی افغانی ۱۰۸ کیلو تریاک و حشیش کشف شد." (۲۴ آذر ۱۳۶۰)

قاچاق ارز و طلا  
اما قاچاقچیان افغانی تنها با مواد مخدر سروکار ندارند اخیراً آنها بیش از گذشته به قاچاق ارز و طلا و... روی آورده اند و در شرایط دشوار اقتصادی ایران، با این کار در واقع اعلان جنگ اقتصادی به انقلاب ایران داده اند. چند مورد زیر فقط در عرض یک ماه کشف شده است:

"ماموران گروهان ژاندارمری سراوان موفق شدند ۲/۵ کیلوگرم شمش طلا و بیش از ۱۴ کیلوگرم تریاک کشف کنند. همچنین ماموران پاسگاه خان محمدشاه و زهک نیز موفق شدند مقدار یک میلیون و پنج هزار ریال وجه نقد و یک میلیون و صد و سی و چهار هزار و پانصد پول افغانی و ۹۰۰ دلار آمریکایی را از قاچاقچیان افغانی کشف کنند." (صبح آزادگان ۶۰/۸/۱۹)

و: قاچاقچیان ایرانی و افغانی با هزاران قطعه یدکی چرخ خیاطی، هنگام خروج غیرمجاز از مرز دستگیر شدند. (اطلاعات ۶۰/۹/۱۸)

و از همه حالب تر خبر کشف ۸۰ هزار دلار آمریکایی است از "مجاهدین" افغانی:

"روابط عمومی گمرک ایران امروز اعلام کرد از یک کامیون افغانی که از مشهد عازم افغانستان بود مبلغ هشتاد هزار دلار آمریکایی و مقداری لوازم به وسیله مامورین گمرک دوغارون کشف شد." (کیهان ۶۰/۹/۱۵)

سرقت و تجاوز

سرقت و تجاوز و جنایت از دیگر "فعالتهای" ضدانقلابیون افغانی است که پیوسته رو به افزایش

است. برای جلوگیری از اذلاله کلام، به چند خبر در این زمینه اکتفا می کنیم:

۳ افغانی و ۲ ایرانی به جرم تجاوز به یک جوان ۱۶ ساله در مسجد سلیمان دستگیر شدند. (اطلاعات ۶۰/۲/۶)

در شمس آباد تهران سرف سارقین مسلح افغانی با هوشیاری دختر صاحبخانه ناکام ماند. سارقین در غیاب صاحبخانه قصد داشتند هر سه دختر صاحبخانه را به قتل برسانند. از سوی دیگر سروان کریمی فرمانده پاسگاه ازگل طی تماسی اعلام کرد: در منطقه ازگل که وسعت زیادی دارد افغانی ها تاکنون بارها به اینگونه اعمال دست زده اند که اکثر برنامه های آنها با هوشیاری ماموران پاسگاه ازگل و اهالی محل خنثی شده است. لیکن این منطقه چون وسعت زیادی را در بر می گیرد، کنترل آن نیز به سختی امکان پذیر است. به همین جهت در طی هفته گذشته ۳ حادثه قتل در منطقه ازگل اتفاق افتاد. اهالی محل نیز از مسئولین امر تقاضا کرده اند در مورد جمع آوری افغانی ها از این منطقه اقدامات ضروری مبذول دارند. (کیهان ۶۰/۲/۲۶)

یا: "دو افغانی را در تهران سربردند. با تلاش مامورین ۸ نفر از افغانیها به اتهام قتل این شخص شناسایی و دستگیر شدند." (کیهان ۶۰/۲/۲۷)

یا: "۷ افغانی به اتهام شرکت در قتل و ضرب

خسارت شکستن محاصره آبادان: ۵۰ تانک

خسارت شکستن محاصره دره قیماق: ۴۰۰ تانک

با محاهدین مسلمان افغانی درگیر شدند. سربازان شوروی در این نبرد از بمب های ناپالم استفاده می کردند و در نتیجه اصابت بمب ها سه مسجد به کلی منهدم شدند و ۶۲ تن از محاهدین مسلمان به هلاکت رسیدند و حدود ۵۰۰ تن از قوای شوروی و دولتی را به هلاکت رساندند و ۴۰۰ تانک را از کار انداختند و... دوهنگ دشمن را نابود کردند. (اطلاعات - ۱۴ خرداد ۱۳۵۹)

حالا خودتان مقایسه کنید و نتیجه بگیرید! برپایه گزارش های رسیده از کابل، راننده گلبدین حکمت یار، یکی از سرکردگان اشراک ضدانقلابی افغانی، به افغانستان بازگشته است. راننده حکمت یار، که فولاد نام دارد، بر اثر رویداد زیر به ماهیت راستین "ارباب" خود و نزدیکانش پی برد و تصمیم گرفت که با او دیگر همدستان حنایتگارش بگسلد.

فولاد همراه با مهندسین بنام آصف از ماوریت ضدانقلابی در افغانستان و بردن دو مشاور نزدیک گلبدین حکمت یار به آن کشور به پاکستان بازمی گشت، در نزدیکی مرز، در قریب های بنام چشمه، آصف قصد تجاوز به عنف دختری را داشت. اعتراض خشمگین فولاد عوشر واقع نیافتاد و محبور شد، تا برای دفاع از دختر بیگناه همراه خود را از پای در آورد. فولاد آنگاه نزد خانوانه خود رفت و به اتفاق آنها و با جیبی که به حکمت یار هدیه شده بود، به افغانستان بازگشت.

فولاد مهندس آصف را یکی از نزدیکترین همدستان گلبدین حکمت یار توصیف کرد. وی در مصاحبه های تلویزیونی از گوشه های دهشتناکی از شکنجه های افغانی هایی برده برداشت که به علت خودداری از همکاری با عاملان "سیا" در زندانهای مشترک ضیاء الحق - حکمت یار بسر می برند.

فولاد همچنین گفت که دختران زیبای افغانی، که به عنوان پناهنده در پاکستان زندگی می کنند، از طرف ضدانقلابیون به سرح عرب و آمریکایی ها فروخته می شوند. سرکردگان ضدانقلابیون در این داندوست شگوفه انریکت دارند و کار مزد می ستانند.

برای می بردن به ماهیت اخباری که از افغانستان می رسد، این دو خبر را با هم مقایسه کنید:

شکستن محاصره آبادان  
مردم ایران از اهمیت شکستن محاصره آبادان، دلآوری نیروهای ما در این نبرد حماسی و وسعت جبهه های نبرد کاملاً اطلاع دارند. کافی است برای نشان دادن اهمیت مساله، جمله ای از پیام تبریک امام خمینی به این مناسبت را نقل کنیم:

"این جانب این پیروزی بزرگ را به فرماندهان تمامی نیروهای مسلح و به سربازان ارجمند و سپاهیان نیرومند تبریک می گویم.

(کیهان - ۶ مهر ۱۳۶۰)  
حالا خبر زیر را، که میزان خسارات این فتح بزرگ را به متجاوزان صدامی نشان می دهد، بخوانید:

"در این یورش سنگین، نیروهای ایران در جبهه آبادان، دشمن متجاوز را تا مسافت ۱۰ کیلومتر از جبهه های آبادان - تا دارخوین - عقب راند و به محاصره یکساله شهر آبادان پایان داد. در این عملیات، که از سحرگاه دیروز با پشتیبانی آتش توپخانه و حمایت جنگنده ها و هلیکوپترهای ایران آغاز شد، هزار مزدور عراقی به هلاکت رسیدند، متجاوز از دوهزار تن از نفرات دشمن اسیر شدند و ۳ تیب پیاده و زرهی عراق یکی یکی متلاشی شد. در این عملیات از دوپل احداث شده بر روی کارون یکپل منهدم شد و دیگری بدست رزمندگان اسلام افتاد و باقیمانده نیروهای متجاوز عراق به شرق کارون گریختند.

همچنین در این عملیات بخش وسیعی از تجهیزات سنگین دشمن منهدم شد و حدود ۵۰ تانک عراقی همراه با خدمه به غنیمت رزمندگان اسلام درآمد." (کیهان - ۶ آبان ۱۳۶۰)

شکستن محاصره دره قیماق  
"شکستن محاصره دره قیماق" به گزارش خبرگزاری های امیرالیسی، جنین روی ناند. سربازان روسیه شوروی با ۶۰۰۰ نفر و با کمک ۵۰۰ تانک و ۲۴ هلیکوپتر و سلاح های سبک و سنگین



در سال جاری کتابی در ۴۷۱ صفحه، تحت عنوان "کمیترین و خاور"، با ترجمه آقای حلال داوی نیا در دسترس خوانندگان فارسی زبان قرار گرفت.

یازده تن از کارشناسان تاریخ کمیترین (انترناسیونال سوم کمونیستی، که لنین بنیادگذار آن بود) تحت نظر و ویراستاری پرفسور البانوفسکی، یکی از مهمترین کارشناسان مسائل "جهان سوم" در اتحاد شوروی، این کتاب را در یازده فصل پرداخته اند. این کتاب به مناسبت شصتمین سال تاسیس کمیترین انتشار یافته بود.

ترجمه کتاب "کمیترین و خاور" نه تنها از جهت صرفا تاریخی جای خالی مهمی رادر نوشتارهای پارسی پر می کند، بلکه از جهت آشنایی با این پدیده و تاریخ آن، که تاثیر عمیق در جنبشهای انقلابی و رهایی بخش جهان امروز داشته است، کاری ضرور بود. لذا باید از مترجم سیاستگذار بود که این کار بزرگو دشوار را انجام و ترجمه سلیسی رادر دسترس ما قرار داده است.

انقلابیون ایران با خواندن این کتاب مستند، که در آن مسائل، مبتنی بر ادعا و کلی بافی و تجرید سازیهای خودسرانه نیست، بلکه براسناد بیگانی موثق و معتبر خود کمیترین تکیه دارد، هم از این تاریخ اطلاعات و تجارب ضرور راکس می کنند و هم به پاسخ، مظلله ها، لوٹ ها، واژگون سازیها، که تاریخ نگاری بورژوایی و رفورمیستی در این عرصه مدتهاست بدان مشغول است، دست می یابند.

چنانکه می دانیم، یکی از دگردهای مهم - ضد کمونیسم معاصر، صوره سازی با فاکتورهای تاریخی است. این بهره بازی خرفانه بر اساس دست چینی زلبخواه رویدادهای تاریخی، بر اساس تعبیر ذهنی اسناد، و فرمول بندیها بر اساس برجسته کردن فاکتورهای فرعی و مسکوت گذاشتن یا در سایه نهادن فاکتورهای اصلی و غیره

انجام می گیرد. در کشورهای امپریالیستی مرتباً کتاب درباره جنبش انقلابی کارگری و جنبش رهایی بخش و از آن حمله کمیترین منتشر می شود. افرادی به عنوان "کارشناس" و "مطلع" و کسانی که همه چیز را به چشم خود دیده اند، وارد میدان شده اند و منظره تاریخی را، که فقط و فقط در تناسب معین قانونمند همه فاکتورها باید ترسیم گردد، به شیوه مورد پسند خاطر خویش و اربابان غارتگر خود، عرضه می دارند. ما تصور می کنیم که کتاب "کمیترین و خاور" (که بر پایه کارشناسی علمی و تاریخی انگار ناپذیرنگاشته شده) می تواند ضریب جدی به این ساخته کاریهای مغرضانه "تار عنکبوتی" وارد سازد.

صرف نظر از مظلله گران غربی، مورخان ماوئیست چینی نیز از مدت ها پیش در تاریخ کمیترین تعبیر و عناصر ذهن گرایانه خود را وارد می سازند چنانکه می دانیم، روابط عده ای از رهبران حزب کمونیست چین مانند "چن توشو" و "لی لی سان" و "ماوتسه دون" در مسوارد متعددی با کمیترین، رابطه قبول تحلیل های واقع بینانه این سازمان نبوده و در اثر یک سلسله راست رویها و به ویژه چپ رویها، تا اواسط سال های سی دهه بیستم، دشواری های فراوانی در کار حزب کمونیست چین پیدا شده بود. کتاب با ارائه اسناد و مدارک مقنع، نقش سازنده کمیترین را در بهبود تدریجی وضع دشوار حزب کمونیست چین (که از جمله منجر به امکان همکاری چان کای چک با این حزب در جنگ علیه ژاپن شد) نشان می دهد.

کتاب "کمیترین و خاور" بحث خود را با پیش گفتار مهم پرفسور اولیانوفسکی آغاز می کند، که ما مایلیم روی آن مکتب بیستری بکنیم. شاخص کتاب در مجموع به نظر اولیانوفسکی چنین است:

"کتاب حاضر یکی از مهمترین جنبه های فعالیت انترناسیونال کمونیستی را، که شکل تاریخی و ضرور حیات و مبارزه جنبش بین المللی کمونیستی در مراحل اولیه رشد آن بود، بررسی می کند و به مسائل اساسی مشی ضد امپریالیستی کمیترین در خاور مستعمراتی، که مبتکرش بنیانگذار این سازمان (لنین) بود، می پردازد.

اولیانوفسکی متذکر می شود که خط اصلی کمیترین خط مبارزه در راه وحدت کلیه نیروهای ضد امپریالیست بر پایه انطباق قوانین عام تئوری مارکسیسم - لنینیسم بر شرایط اصیل ملی، اجتماعی - اقتصادی، فرهنگی و تاریخی رشد کشورهای خاور بود. یعنی اندیشه ضرورت ایجاد "جبهه متحد ضد امپریالیستی" در مقیاس جهان، که لنین آنرا یادآور شده بود.

اولیانوفسکی تاکید لنین را به احتراز از دو انحراف راست و چپ و مبارزه لنین را با نظریات چپ روانه و سکتاریستی م. ن. روی یکی از رهبران انقلابی هند، در دومین کنفره کمیترین یادآور می شود. درباره نقش مشخصی که کمیترین در تاریخ حیات خود (۱۹۱۹ - ۱۹۴۳) ایفا کرد، پرفسور اولیانوفسکی می نویسد:

"کمیترین، ستاد جنبش جهانی کمونیستی، موفق شد، به انگای مقیاس جهانی خویش و فعالیت شدید مارکسیست - لنینیست های برجسته در صفوف خویش، و همچنین بحث های خلاق و زنده ای که نشان می داد کمیترین سازمانی از نوع لنینی است، تعدادی مسائل حیاتی، تئوریک، سیاسی، تشکیلاتی، جنبشهای کمونیستی و کارگری و جنبشهای آزادی بخش ملی، دهقانی و ضد جنگ را مشخص و حل کند.

کتاب مورد بحث دربرگیرنده اطلاعات مشخصی درباره جنبش انقلابی کارگران ایران نیز می باشد و از این جهت برای انقلابیون ایران دارای ارزش قابل ملاحظه ایست. مثلا در فصل دوم کتاب به کشور ما و فعالیت ایرانیان توجه خاصی شده است. چنانکه می دانیم، پس از انقلاب اکثر جنبش رهایی بخش به ویژه در شمال ایران (خراسان، گیلان، آذربایجان) دانشمندی وسیع یافت. ایرانیان مقیم قفقاز و آسیای میانه، که غالباً از طبقه کارگر بودند، و روشنفکران انقلابی وابسته به این گروه بزرگ ایرانیان، هم در انقلاب وهم در نوسازی جامعه شوروی در این نواحی نقش بزرگی بازی

کردند. در واقع نیز فاکتورهای اسناد متعدد - از آن جمله مقاله معروف حیدر خان عموافلسی در روزنامه پروادا، که در آن آمادگی ۱۳ هزار ایرانی را برای نبرد مسلحانه، دوشادوش پرولتاریای شوروی، اعلام داشته است - نمودار این روند است. در کتاب چنین می خوانیم:

"کارگران ایرانی مقیم روسیه به جنبش کمونیستی پیوستند. حزب عدالت (سازمان سوسیال دموکرات های مهاجران آذربایجان ایران، که در سال ۱۹۱۶ در باکو تاسیس شده بود) در این راه کوشش بخرج می داد. در سالهای ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹ گروه های کمونیستی ایرانی در آستاراخان و مسکو تشکیل شدند. اما حزب عدالت با ورود ارتش سرخ به ترکستان در پائیز ۱۹۱۹ و تاسیس "شورای ترویج بین المللی" در دسامبر ۱۹۱۹ نقش به ویژه فعالی در تشکیل گروه های کمونیست ایرانی در ترکمنستان به عهده گرفت.

رهبران شاخه حزب عدالت در ترکستان به شهرها و روستاهای این ناحیه می رفتند، تا شاخه های محلی را در میان کارگران ایرانی سازمان دهند. تا نیمه ۱۹۲۰ کمیته های حزبی در بجناب و دونقظه در ترکستان تشکیل شده بود. تعداد اعضا حزب عدالت در آوریل ۱۹۲۰ تقریباً به شش هزار نفر رسیده بود. . . . داوطلبان ایرانی در سالهای ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹ همراه ارتش سرخ در جبهه ماوراء خزر علیه مداخله گران بریتانیایی می جنگیدند و زمانی که در مارس و آوریل ۱۹۲۰ سربازگیری برای ارتش سرخ ایران "اعلام شد، تعداد داوطلبان به اندازه ای بود که نام نویسی آنها متوقف شد، چون به قول سلطانزاده (یکی از سازمان دهندگان حزب عدالت در ترکستان): "از لحاظ فنی برای ما مقدور نبود ما بحتاج داوطلبان را تامین کنیم.

در صفحات بعد (۹۹ تا ۱۰۱) اطلاعات جالب دیگری درباره حزب عدالت، مشی کمونیست های ایرانی و چپ روی برخی از رهبران آنها و نخستین کنفره حزب کمونیست ایران (۲۲ تا ۲۵ ژوئیه ۱۹۲۰) در بندرانزلی مطرح می گردد. در کتاب مورد بحث همه جا مسائل تاریخی با مباحث مربوط تئوریک پیوند داده شده است. مثلا ویراستار در مقدمه کتاب ساله دوزردن یا کوتاه کردن مرحله رشد اقتصادی سرمایه داری را در دومین کنفره کمیترین (۱۹۲۰) مطرح می سازد

و نشان می دهد که چگونه لنین قاطعانه با دیدگاه چپ روانی که خواستار تازاندن و شتابانندن تکامل جامعه سوی سوسیالیست بودند، مبارزه کرد و رشد آگاهی سیاسی، سطح تشکل فعالیت مستقل توده های زحمتکش و مساعدت پرولتاریا؛ ظرفمند را پیش زمینه ها و شرایط حیاتی و ضرور دانست، تا پرولتاریا بتواند به سوسیالیست دست یابد. ویراستار، که خود از کارشناسان معروف این مبحث است، مساله راه رشد غیر سرمایه داری (یا سمت گیری سوسیالیستی) را در پیشگفتار با تفصیل نسبی مورد بحث قرار می دهد و به تحریقاتی که در این زمینه صورت گرفته پاسخ می گوید.

کتاب "کمیترین و خاور" متضمن مباحث جالب تئوریک دیگری مانند "جبهه واحد ضد امپریالیستی"، "رابطه عامل ملی و بین المللی در انقلاب"، "نقش پرولتاریا در کشورهای عقب مانده"، "ساختار جوامع مستعمراتی"، "استراتژی و تاکتیک احزاب طبقه کارگر در این کشورها"، "مساله دوزردن راه رشد سرمایه داری و غیره است، که تلخیص آن نه عملی است نه سودمند، زیرا ما مایلیم که خوانندگان کتاب به خود آن رجوع کنند و آنرا سراپا بخوانند و به گنجینه ای از آزمون انقلابی دست یابند، که در نوع خود کم نظیر است. مطالعه این اثر پراهمیت برای ما ایرانیان، اعم از آنکه مارکسیست باشیم، یا یک مسلمان انقلابی و مبارز، اهمیت فراوان دارد، زیرا در یک روند انقلابی بسیار متناقض و بغرنجی قرار داریم که اخیراً بار دیگر امام خمینی درباره آن گفته اند که هنوز در نیمه راه است، لذا بررسی آزمون دیگران برای ادامه آگاهانه این انقلاب برای ما اهمیت ویژه ای کسب می کند. بعلاوه، چنان که نمونه وار نشان دادیم، در این کتاب نقش ایرانیان در انقلاب اکثریت و در جنبش بین المللی کارگران و در سازمان کمیترین در موارد متعددی با ذکر فاکتور ناموسند بیان شده است و برای انقلابیون ایران، اطلاع از این مسائل، که در حکم اطلاع از تاریخ انقلاب در کشور ماست و در عین حال نقش فعال خلق ما را نشان می دهد، می تواند مایه غرور باشد.

به خوانندگان عزیز خواندن این کتاب مهم، جالب، پر مطلب و آموزنده را اکتفا توصیه می کنیم.

## کمیته های ایالتی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

### اقدام نفاق افکنانه و توطئه گرانه کشتگر - هلیل رودی را محکوم می کنند

همانگونه که در اعلامیه کمیته مرکزی سازمان اعلام شده است، علی کشتگر و هلیل رودی برای موفق جلوه دادن اقدامات توطئه گرانه علیه سازمان به این دروغ متوسل شده اند که گویا کمیته های ایالتی سازمان، نمایندگان انتخاب کرده و آنها را برای شرکت در این توطئه به تهران فرستاده اند. آنها با متوسل شدن به این دروغ عاجزانه و مضحک خواسته اند عنوان "سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)" را به سود خود جعل کنند. در حالیکه همین توطئه گران نه کمیته مرکزی را از اهداف و نقشه های خود مطلع ساخته اند و نه هیچیک از کمیته های ایالتی سازمان را.

کمیته های ایالتی همصدا با کمیته مرکزی سازمان در سراسر ایران این شیوه توطئه گرانه و ماهیت ضدانقلابی عمل این عناصر را محکوم می کنند.

#### کمیته ایالتی آذربایجان

اخیرا هلیل رودی و علی کشتگر به اقدامی توطئه گرانه علیه سازمان ما دست زده و جزوهای تحت عنوان "با انحلال طلبی مبارزه کنیم، از وحدت اصولی دفاع نمائیم" با امضاء سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در تهران و بعضی شهرستانها پخش کرده اند. نویسندگان این جزوه که به دروغ خود را "سازمان" نامیده اند، بدون اطلاع کمیته مرکزی و هیچیک از کمیته های ایالتی سازمان به چنین اقدامی دست زده اند.

جزوه آنها این دروغ محض را مدعی شده که گویا کمیته های ایالتی و یا تشکیلات استانهای مختلف و از آنجمله تشکیلات تبریز و ارومیه - نمایندگان انتخاب کرده و برای شرکت در این اقدام توطئه گرانه به تهران فرستاده اند. کمیته ایالتی آذربایجان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) این ادعای دروغ و مضحک را که گویا تشکیلات تبریز و ارومیه نمایندگان برای شرکت در این توطئه ضد کمونیستی به تهران فرستاده اند بشدت تکذیب می کند.

کمیته مرکزی سازمان در تلاش جهت اصلاح کج اندیشی های این افراد و جلوگیری از اقدامات نفاق افکنانه و غرض آلود آنان بحق بارها متذکر شد که انقلاب شکوهمند ایران در یکی از حساس ترین مقاطع تاریخی حیات خود قرار گرفته است.

اما هلیل رودی و کشتگر همچنانکه در بیانیه شان منعکس است، گویا رسالتی جز کشاندن اذهان به دشمنی با حزب توده ایران و فدائیان خلق ایران (اکثریت) برای خود نمی شناخته اند.

پیام کمیته ایالتی آذربایجان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به اعضا و هواداران چیزی جز پیام کمیته مرکزی سازمان نخواهد بود که "صبرانه، سمت آینده و عواقب این نوع حرکات وحدت ستیزانه را برای دوستانی که به علل مختلف ممکن است در دام این انحرافات گرفتار شوند توضیح دهند و آنها را از ادامه آن برحذر دارند. بکشند به هر اندازه که می توانند با کسانی که به اشتباه تصمیم غلط می گیرند به بحث و گفتگوی رفیقانه بنشینند و دلایل نادرستی افکار و اقداماتی نظیر آنچه که کشتگر، هلیل رودی و سایرین در پیش گرفته اند، را برای آنها صبورانه توضیح دهند و آنان را از عواقب این کار بیاگاهانند."

"برقراری اتحاد بزرگ همه نیروهای مبارز راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی"

کمیته ایالتی آذربایجان - سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
شششنبه ۲۸ آذرماه ۱۳۶۰

#### کمیته ایالتی باختران

مردم مبارز منطقه باختران!

برهمن ما روشن است که سرنگونی رژیم دیکتاتوری شاه معدوم دستاورد وحدت یکپارچه و مبارزه قهرمانانه و همه جانبه کارگران دهقانان و دیگر زحمتکشان شهر و روستا، روحانیون و روشنفکران متعهد و مبارز و همه نیروهای مترقی ضد امپریالیست بوده و همچنین خنثی شدن توطئه های رنگارنگ و مداوم جبهه متحد براندازی به سرکردگی امپریالیسم جنایتکار آمریکا علیه انقلاب و مردم ما نیز بر اثر وحدت رزمنده تمامی اقشار و طبقات خلق و همه نیروهای راستین مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی صورت گرفته است. اکنون نیز حفظ و تحکیم انقلاب و گسترش و تعمیق آن در جهت منافع توده های زحمتکش جز در برتو تحکیم بیش از پیش وحدت صفوف نیروهای جبهه انقلاب چه در عرصه داخلی و چه در عرصه جهانی امکان ناپذیر است. بنابه درک این ضرورت بوده و هست که نیروهای راستین پیرو سوسیالیسم علمی در ایران یعنی حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به عنوان پیگیرترین نیروهای مدافع شکل و وحدت رزمنده طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهنمان از مدتها پیش تلاش بیگیر و خستگی ناپذیری را در جهت وحدت جنبش کمونیستی ایران به منظور تضمین یکپارچگی و وحدت صفوف طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهنمان آغاز نموده اند تا شالوده های محکم و استوار برای تأمین وحدت همه اقشار و طبقات خلق و همه نیروهای ضد امپریالیستی و مترقی در یک جبهه انقلابی بی افکنند و بدین طریق شکست ناپذیری انقلاب و تحکیم و گسترش و تعمیق آن تضمین گردد.

در چنین شرایطی متعاقباً عده ای به رهبری دارودسته هلیل رودی - کشتگر تحت پوشش شعار "وحدت اصولی" عملاً بر سر راه امر ضروری وحدت سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران سنگ اندازی نموده و با اقدامات توطئه گرانه، نفاق افکنانه و وحدت شکنانه و با زیر پا گذاشتن اصول و موازین تشکیلاتی دست به ایحاد دسته بندی مخربی زده اند.

ما این اقدام توطئه گرانه، وحدت شکنانه و ضد کمونیستی دارودسته هلیل رودی - کشتگر را فاطعانه و شدیداً محکوم نموده و اعلام می داریم که هیچ یک از مسئولین، اعضا و هواداران تشکیلات منطقه باختران در این اقدام انحرافی شرکت نداشته است.

ما ضمن تأیید قطعنامه پلنوم بیستم آذرماه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره "اقدام توطئه گرانه و نفاق افکنانه کشتگر - هلیل رودی" و ضمن تأیید مجدد قطعنامه پلنوم مردادماه مرکزیت سازمان درباره امر وحدت، یکبار دیگر صفوف خود را در جهت تأمین وحدت سازمان و حزب، فشرده تر ساخته و تلاشهای خود را در جهت تأمین وحدت سازمان و حزب، تأمین اتحاد همه نیروهای راستین انقلابی در یک جبهه ضد امپریالیستی و نیز در جهت دفاع از انقلاب و رژیم جمهوری اسلامی افزونتر می سازیم.

کمیته ایالتی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - باختران  
دیماه ۱۳۶۰

#### سازمان دانشجویان پیشگام ایران

رفقای گرامی کمیته مرکزی!

"سازمان دانشجویان پیشگام ایران" توطئه نفاق افکنانه ای را که علیه سازمان فدائیان خلق طراحی شده بود محکوم می کند و اقدام توطئه گرانه را علیه وحدت هواداران سوسیالیسم علمی، وحدت صفوف مردم ایران و در جهت منافع دشمنان انقلاب و در رأس آنان امپریالیسم امریکایی شناسد. ما منجم و یکپارچه با سرفرازی و افتخار، تحت رهبری و رهنمودهای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، خود را قادر به انجام وظایفمان برای دفاع از انقلاب و مقابله با توطئه های امپریالیسم می دانیم و در این راه تمامی توان خویش را بکار می گیریم.

دانشجویان پیشگام آماده اند تا در پاسخ به پیام شما "سمت، آینده و"

سازمان دانشجویان پیشگام ایران

کارنامه مجاهدین افغانی در ایران

## قاچاق، سرقت، جنایت...

راه اساسی برای رفع مشکلات دردآور ناشی از حضور ۱/۵ میلیون نفر آواره افغانی در میهنمان، از یک سو مبارزه جدی و قاطع با باندهای ضدانقلابی افغانی و از سوی دیگر مذاکره دوستانه بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دموکراتیک افغانستان و بازگرداندن مهاجران زحمتکش به میهنشان است.

در صفحه ۲۰

## در شورای امنیت چهره مزورانه

## امپریالیسم آمریکا آشکارتر می شود

در صفحه ۴

## رفقای ما را

## از زندان سندج آزاد کنید

برابر اطلاع خانواده‌های اعضاء و هواداران زندانی سازمان در سندج، تعدادی از آنها در وضعیت بسیار نگران‌کننده‌ای بسر می‌برند، با توجه به مواضع روشن و قاطع سازمان در دفاع پیگیر از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و استقبال سازمان از پیام اول بهمن ۵۹ امام خمینی که گفتند:

"این جانب به حسب وظیفه اسلامی و اخلاقی به گروه‌های داخل کشور اعم از تهران و کردستان و سایر نواحی ایران در هر نقطه‌ای که هستند پدران توصیه می‌کنم که به آغوش گرم اسلام و ملت مسلمان برگردید و سلاح‌های خود را کنار گذاشته با برادران و خواهران خود آشتی کنید در این صورت اینجانب به همه آنان تامين می‌دهم که مادامی که با صلح و صفا به کشور خودتان خدمت کنید، و به جمهوری اسلامی وفادار باشید هیچ‌کس مزاحم شما نخواهد شد" و اینکه تمامی رفقای زندانی از مشی انقلابی سازمان پیروی کرده و از پیگیرترین مدافعان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در منطقه می‌باشند، از مقامات مسئول رسیدگی و آزادی هرچه سریع‌تر آنها را خواستاریم.

رفقای زندانی ما عبارتند از

اهل	شغل
۱- هوشنگ نصیرخالدی	سندج معلم
۲- بیژن نصیرخالدی	سندج دبیرمه
۳- مجید عزیزی	پانسه کارگر
۴- مجید خدایی	پانسه معلم
۵- داریوش خداری	پانسه دانشجو
۶- بهرور ساعدی	سندج دانش‌آموز
۷- امین بازله‌ای	سقز معلم
۸- ابراهیم شیری‌اوج‌حصار	تکاب معلم
۹- مسعود صالحیان	سندج
۱۰- رحمان انفرادی	مریوان دانش‌آموز
۱۱- سیروس نصیرخالدی	سندج
۱۲- سعد حسامی	سقز
۱۳- نعمت عربی	سندج
۱۴- بهمن طوقانی	سندج دانشجو
۱۵- جمال خالق‌پناه	سندج دانش‌آموز
۱۶- محمد کریمی	مریوان دانش‌آموز
۱۷- جزا مومنی	نودشه معلم
۱۸- فاتح متین	سندج دانش‌آموز
۱۹- انور معرفت	سقز دانش‌آموز
۲۰- حیدر ابراهیمی	مریوان دانش‌آموز
۲۱- صالح قوامی	سندج معلم
۲۲- یحیی لطفی	قلعه‌کهنه دانش‌آموز
۲۳- منصور رحیمی	سندج کارمند

## تعمیق انقلاب بر بستر اراده توده‌ها

## کوبا:

☆ کوبای انقلابی ثابت کرد که می‌توان و باید برای درهم شکستن توطئه‌های امپریالیسم و عوامل داخلی آن، دست به اقدامات بنیادین اجتماعی زد و عدالت اجتماعی را برقرار ساخت. کوبای انقلابی بار دیگر این حقیقت تابان را ثابت کرد که تعمیق انقلاب در گرو شناخت صحیح دوستان و دشمنان انقلاب است.

در صفحه ۱۲

در صفحه ۱۸

## پیرامون ابتکار شایسته روزنامه اطلاعات

## بار دیگر با روزهای پر حماسه انقلاب



## انتشار اساسنامه را ارج بگذاریم

در صفحه ۱۴

## و در راه استقرار آن بکوشیم

انتشار اساسنامه موقت سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در شماره ۱۴۱ نشریه کار اعلام گردید. انتشار اساسنامه به عنوان یکی از اسناد اساسی سازمان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است لذا لازم دیدیم در این شماره نشریه کار مختصری پیرامون آن توضیح دهیم:

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر